



نبرد میهنی به وسعت نصف جهان

روایتی از جهاد و سازندگی اصفهانی‌ها در جنگ رمضان

«ایران هر چه قوی تر» با میانبر وحدت

بخشی از پیام رهبر انقلاب به مناسبت آتش بس بعد از جنگ رمضان



در این ایام مکرراً شنیده می‌شود که گروه‌های مختلفی از مردم عزیز، بحق و با حسرت از آن یگانه دوران یاد می‌کنند و کم‌کم وجوه بیشتری از گوهر تابناک شخصیت والای ایشان (شهید امام آیت‌الله خامنه‌ای) ظاهر می‌گردد. همچنین بنای بر تأسی به افعال خاصی از آن جناب کم‌کم فراگیر می‌شود؛ از جمله مردم عزیزمان از مشت گره‌کرده آن جناب در حین شهادت درس‌ها آموختند و اکنون همین مشت گره‌کرده برای بعضی، نوعی نماد مشترک از عقیده شده است. این‌گونه است که بار دیگر ثابت می‌شود که تأثیر شهید بیش از فرد حاضر است و صدای رسای او در دعوت به توحید و حق‌طلبی و مبارزه با ظلم و تباهی، پرتنین‌تر و پیامش نافذتر از دوره حیات او بوده و همچنین خواهش قلبی این شهید عظیم‌القدر که سعادت این ملت و سایر ملت‌های مسلمان بود، از قبل به واقعیت نزدیک‌تر شده است. برادران و خواهران هم‌وطن! امروز و تا این نقطه از حماسه دفاع مقدس سوم، به جرئت می‌توان گفت که شما ملت قهرمان ایران، پیروز قطعی این میدان بوده‌اید.

تعالی ما حتماً متجاوزین تبهکاری را که کشور ما را مورد حمله قرار دادند رها نمی‌کنیم. حتماً غرامت تک‌تک صدمات وارد شده و خون‌بهای شهیدان و دیه جانبازان این جنگ را طلب خواهیم کرد و حتماً مدیریت تنگه‌هرمز را به مرحله جدیدی وارد خواهیم نمود. ما طالب جنگ نبوده و نیستیم؛ ولی به هیچ‌وجه از حقوق حقه خود دست نمی‌کشیم و در این جهت همه جبهه مقاومت را به‌طور یکپارچه در نظر داریم.

در این مقطع تا مرحله وصول به آنچه متعلق به ماست، اولاً همه آحاد ملت سعی در مراعات یکدیگر داشته باشند تا از ناحیه کمبودهایی که اثر طبیعی هر جنگی است، فشار کمتری بر اقشار مختلف وارد گردد. البته این کمبودها که بعضاً در جبهه مقابل شما خیلی بیشتر وجود دارد، به لطف تلاش‌های برادران و خواهران شما در دولت و نهادهای دیگر، تا حد قابل توجهی مدیریت شده است. ثانیاً مراقبت از گوش‌هایمان که پنجره مغز و قلب است در مقابل رسانه‌های تحت حمایت دشمن یا هم‌سوی با ایشان، امری لازم است. مسلماً آن رسانه‌ها خیرخواه کشور و ملت ایران نیستند و این معنا بارها ثابت شده است؛ بنابراین با اساساً مواجهه و استفاده از آن‌ها را ترک کنیم یا اقلأ با سوءظن فراوان با هر چیزی که ارائه می‌دهند برخورد کنیم.

ثالثاً ملت عزیز اگر چه با پایان گرفتن مدت عزای رسمی شهادت رهبر عظیم‌الشأن خود، جامه عزای آن تن بیرون می‌آورد؛ اما عزم قاطع بر انتقام خون پاک ایشان و همه شهدای جنگ تحمیلی دوم و سوم را در روح و قلب خود زنده نگاه می‌دارد و پیوسته مترصد تحقق آن خواهد بود.

در پایان خطاب به سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف عرض می‌دارم که ما با ایمان به خدای متعال و توسل به ائمه معصومین صلوات‌الله و سلامه علیهم و با تأسی به رهبر شهید خود در زیر پرچم جنابان و در مقابل جبهه کفر و استکبار ایستاده‌ایم و در این مسیر شهدای گرانقدری از طبقات مختلف تقدیم راه عزت و استقلال کشور و اعتلای اسلام و انقلاب اسلامی کرده‌ایم و خسارتی دیگر هم دیده‌ایم. اینک با تمام وجود به دعای خاص حضرتتان برای غلبه قاطع بر دشمن، چه در صحنه مذاکرات و چه در میدان نبرد دل بسته‌ایم و امید داریم هر چه زودتر، هم ما و هم دشمنانمان اثر معجزه‌آسای آن را مشاهده کنیم؛ ان‌شاء‌الله.

روز به روز به عدد این جمع و به کیفیت آن افزوده می‌شود. بسیاری از کسانی که هنوز به این‌گونه حضور دست نیافته‌اند، قلباً همراه و هم‌سخن با جمعیت‌های حاضر در میادین هستند.

این روزها خیلی‌ها نگاهی تمدنی را با چشم‌دوختن به افق‌های دوردست تجربه می‌کنند و برای خود تصویری نه موهوم، بلکه متکی به واقعیات حال و آینده خلق می‌کنند. این خصوصیتی است که تا اندکی پیش از این در عده کمی که رهبر شهید در رأس آن قرار داشتند، دیده می‌شد. این‌گونه است که هر ناظری رشد سریع و معجزه‌وار این ملت را درک می‌کند و بی‌جهت نیست که در این روزها حکیم نامدار دوران و فقیه عالی‌قدر آنگاه که با شما از این شأن صحبت می‌فرماید، بارها بغض گلو، سد راه کلامش می‌شود.

در همین مجال به همسایگان جنوبی ایران می‌گویم که شما در حال دیدن یک معجزه هستید. پس درست ببینید و درست درک کنید و در جای درست بایستید و به وعده‌های دروغین شیاطین بدگمان باشید. ما هنوز منتظر واکنش مناسبی از سوی شما هستیم تا برادری و خیرخواهی خود را به شما نشان دهیم. این، صورت نمی‌گیرد مگر با إعراض شما از مستکبران که هیچ فرصتی را برای تحقیر شما و استثمارتان از دست نمی‌دهند. این را همه باید بدانند باذن‌الله

آحاد مردمی که امکان حضور در میادین و محلات و مساجد را دارا هستند، سنگین‌تر از قبل به نظر می‌رسد. مسلماً فریادهای شما در میادین، در نتیجه مذاکرات مؤثر است؛ همچنان که عدد شگفت‌آور و رو به افزایش میلیونی پویش جان‌فدا برای ایران، هم از عناصر تأثیرگذار در این عرصه است. باذن‌الله تبارک و تعالی در اثر این نقش‌آفرینی‌ها و استمرار آن، چشم‌اندازی که در پیش روی ملت ایران قرار دارد، ظهور دورانی باشکوه و درخشان و سرشار از عزت و سربلندی و غنا را برای ایشان نوید می‌دهد. رهبر شهید ما وقتی که عهده‌دار رهبری شدند، نظام جمهوری اسلامی چون نهالی بود که زخم‌های متعددی از دشمنان اسلام و ایران بر آن فرود آمده بود و البته همه را به خوبی تحمل کرده بود؛ اما وقتی که بعد از قریب به ۳۷ سال کرسی زعامت امت را ترک نمودند، شجره طیبه‌ای که ریشه‌اش مستحکم و شاخ و برگ آن بر بخش‌های مهمی از منطقه و جهان سایه‌افکن شده است را از خود به جا گذاشتند. رویکرد دستیابی به «ایران هر چه قوی‌تر» از مسیر وحدت بین اقشار مختلف جامعه می‌گذرد که مکرراً مورد تأکید ایشان بود. شمه‌قابل توجهی از این وحدت در این چهل روز تحقق پیدا کرد: قلوب مردم به هم نزدیک شد، بیخ‌های فی‌مابین اقشار مختلف با گرایش‌های متفاوت شروع به ذوب شدن کرد، همگان زیر پرچم وطن جمع شدند و



احسان تیموری سیجانی
مدیرعامل شرکت
پیام اصفهان زیبا

«نبرد میهنی» که باید روایت شود

ضرورت ثبت تاریخ، مردم و مدیریت شهری در روزهای بحران



جنگ‌ها تنها در میدان نبرد رخ نمی‌دهند؛ بخشی از آن در حافظه ملت‌ها، در اسناد، روایت‌ها، تصاویر، آمارها و تجربه‌های زیسته مردم شکل می‌گیرد. هر جنگی پس از پایان درگیری‌های نظامی، وارد مرحله‌ای می‌شود که شاید از خود نبرد نیز مهم‌تر باشد؛ مرحله تاریخ‌نگاری و روایت‌سازی. اگر رویدادها ثبت نشوند، اگر آمارها را گردآوری نکنند و اگر تجربه‌های مردم و نهادها مستندسازی نشود، بخش مهمی از واقعیت برای همیشه از دست خواهد رفت.

دفاع میهنی سوم میان ایران، آمریکا و اسرائیل، فارغ از ابعاد سیاسی و نظامی آن، رخدادی است که آثار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی گسترده‌ای بر جای گذاشته است. این جنگ تنها مجموعه‌ای از حملات و پاسخ‌های نظامی نبود؛ بلکه صحنه‌ای از کنشگری مردمی، فعالیت نهادهای مدنی، تلاش دستگاه‌های خدماتی و آموزشی برای ظرفیت‌های مدیریت شهری نیز به شمار می‌رفت؛ از همین رو، امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد که به فرایند ثبت و روایت این روزها به‌عنوان یک مسئولیت ملی توجه شود.

تجربه تاریخی نشان داده است که ملت‌هایی که روایت جنگ خود را نوشته‌اند، بعدها دیگران برای آن‌ها تاریخ نوشته‌اند. تاریخ‌نگاری جنگ صرفاً به ثبت عملیات نظامی محدود نیست؛ بلکه باید آمار شهدا، مجروحان، خسارت‌های زیرساختی، آسیب‌های اقتصادی، مهاجرت‌های موقت، فعالیت‌های امدادی و حتی احساسات و خاطرات مردم و فعالیت‌های فرهنگی مذهبی و اجتماعی... را نیز دربرگیرد. هر خانه آسیب‌دیده، هر کسب‌وکار تعطیل‌شده و هر اقدام داوطلبانه مردمی بخشی از تاریخ این دوره محسوب می‌شود.

در این میان، نقش مردم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در روزهای بحران، بسیاری از شهروندان بدون هیچ چشم‌داشتی در قالب گروه‌های جهادی، هیئت‌های مذهبی، تشکل‌های مردمی و شبکه‌های محلی... به کمک آسیب‌دیدگان شتافتند. کمک‌های معیشتی، پشتیبانی از خانواده‌های درگیر بحران، مشارکت در امدادسانی و ایجاد فضای همدلی در کف خیابان‌ها

و نذر خدمت از جمله اقدام‌هایی بود که باید به دقت ثبت و مستندسازی شود. این سرمایه اجتماعی، همان عنصر پنهانی است که در شرایط دشوار، تاب‌آوری جامعه را افزایش می‌دهد؛ همچنین مراکز فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در این دوره نقش قابل‌توجهی ایفا کردند.

مساجد، پایگاه‌های بسیج و مراکز خیریه و مجموعه‌های فرهنگی در بسیاری از مناطق به پایگاه‌های خدمات‌رسانی، آموزش، آرامش‌بخشی روانی و هماهنگی فعالیت‌های مردمی تبدیل شدند. بسیاری از فعالان فرهنگی تلاش کردند با تولید محتوا، برگزاری برنامه‌های امیدآفرین و تقویت انسجام اجتماعی، از گسترش نگرانی و ناامیدی در جامعه جلوگیری کنند. این اقدام‌ها شاید در نگاه نخست در حاشیه جنگ به نظر برسند؛ اما در واقع بخشی از مقاومت اجتماعی یک ملت محسوب می‌شوند.

از سوی دیگر استان اصفهان که در رأس حملات وحشیانه رژیم تروریستی اسرائیل و آمریکا بود، بخش صنعت آن بیشترین آسیب را دید و باعث شد بخش اقتصادی نیز با چالش‌های متعددی مواجه شود. واحدهای تولیدی، اصناف، شرکت‌های خدماتی و فعالان بازار در چنین شرایط دشواری کوشیدند چرخه تأمین کالا

و خدمات را حفظ کنند. ثبت تجربه این مجموعه‌ها می‌تواند در آینده به تدوین الگوهای مدیریت بحران اقتصادی و افزایش آمادگی کشور در مواجهه با شرایط مشابه کمک کند. در این میان، عملکرد دستگاه‌های اجرایی و خدماتی نیز نیازمند ثبت، ارزیابی و تحلیل دقیق است. نهادهایی مانند دستگاه‌های امدادی، شرکت‌های خدمات‌رسان و شهرداری‌ها در خط مقدم مدیریت آثار جنگ قرار داشتند.

یکی از نمونه‌های مهم در این زمینه، شهرداری اصفهان است؛ نهادی که در کنار مأموریت‌های معمول شهری، وظیفه حفظ خدمات عمومی، مدیریت فضاهای شهری، پشتیبانی از شهروندان و همکاری با سایر دستگاه‌ها را بر عهده داشت.

شهرداری اصفهان در چنین شرایطی، با آزمونی فراتر از مدیریت روزمره روبه‌رو شد. استمرار خدمات شهری، حفظ آمادگی نیروهای عملیاتی، مدیریت فضاهای عمومی، همکاری در امدادسانی و تلاش برای حفظ آرامش روانی شهروندان از جمله موضوع‌هایی است که باید به صورت مستند بررسی شود. آنچه امروز اهمیت دارد، صرفاً بیان موفقیت‌ها یا کاستی‌ها نیست؛ بلکه ایجاد یک بانک اطلاعاتی جامع از تجربه‌های مدیریتی

است تا در آینده بتوان از آن برای ارتقای نظام مدیریت بحران بهره برد. اصفهان به‌عنوان شهری تاریخی، فرهنگی و صنعتی، نمونه‌ای مناسب برای مطالعه ابعاد مختلف این دفاع میهنی است. در این شهر می‌توان هم‌زمان آثار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی بحران را مشاهده و تحلیل کرد. ثبت روایت مردم، مدیران شهری، فعالان فرهنگی، کسبه، نیروهای امدادی و خانواده‌های آسیب‌دیده می‌تواند تصویری واقعی و چندبعدی از این دوره ارائه دهد؛ تصویری که بسیار فراتر از اخبار روزانه و گزارش‌های مقطعی خواهد بود.

امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند تشکیل آرشیوهای تخصصی جنگ، مراکز اسناد محلی، پروژه‌های تاریخ شفاهی و بانک‌های اطلاعاتی جامع هستیم. دفاع میهنی سوم، صرف‌نظر از نتایج سیاسی و نظامی آن، بخشی از تاریخ معاصر ایران است. مسئولیت نسل حاضر تنها عبور از بحران نیست؛ بلکه ثبت دقیق واقعیت‌ها برای نسل‌های آینده نیز هست. روایت درست، مستند و جامع از این روزها، نه تنها حافظه تاریخی جامعه را غنی می‌کند؛ بلکه می‌تواند سرمایه‌ای ارزشمند برای افزایش تاب‌آوری ملی و ارتقای مدیریت بحران در سال‌های آینده باشد.



احمد مهره‌کش

شهر رؤیاها در دوران پسا جنگ

در دوران جنگ و پسا جنگ چه الزاماتی برای مدیریت شهری وجود دارد؟



ظرفیت‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی شهر اصفهان را اعم از گروه‌های جهادی و فرهنگی مورد بررسی قرار دهیم و در کنار آن، با اشاره به راهکارهای جدید برای حل معضلات مالی شهر و برنامه مدیریت شهری برای بازنگری در طرح جامع و تفصیلی، گزارش‌های مربوط به بازسازی‌هایی را که در مناطق مختلف آسیب‌دیده شهر اصفهان انجام شده، ارائه دهیم. بدیهی است که علاوه بر شهرداری، نهادهای دیگری نیز در عرصه خدمت‌رسانی به مردم در دوره جنگ حضور داشته و فعالیت‌های بسیاری انجام دادند، ارگان‌هایی همچون دانشگاه علوم پزشکی، پزشکی قانونی، سازمان پدافند غیرعامل و بسیاری از نهادهای انتظامی و خدماتی دیگر. با این حال در این مجال ممکن نبود فعالیت همه نهادها و ارگان‌های مربوط را مورد بررسی قرار دهیم؛ بنابراین فقط به ارزیابی فعالیت ارگان‌های مربوط به مدیریت شهری را اکتفا کردیم. لازم به ذکر است که بین ۳ هفته تا یک ماه زمان صرف شد تا محتوای این ویژه‌نامه تولید شود و آمارهای ارائه شده مربوط به بازه آخر اردیبهشت تا اواخر خرداد است.

نهاد، تغییر در الگوهای مدیریت اقتصادی و اجرای طرح‌های عملیاتی و همچنین تغییر در برنامه‌های جامع و تفصیلی شهر است. برنامه جامع شهر اصفهان که در سال ۶۷ نوشته شده و هم‌اکنون در مرحله بازنویسی قرار دارد، باید بر اساس اصول پدافند غیرعامل دوباره مورد بازنویسی قرار گیرد. این موضوعی است که متأسفانه تا قبل از جنگ دوازده‌روزه و حتی قبل از جنگ رمضان مورد توجه قرار نگرفته بود؛ اما وقوع این دو جنگ موجب شده است تا مدیران شهری به فکر راهکارهایی برای طراحی شهری بر اساس اصول پدافند غیرعامل شوند. از طرف دیگر، در شرایطی که منابع مالی شهرداری به دلیل هزینه‌های جنگ در فشار قرار دارد و تأمین منابع مالی جدید از طریق بودجه دولت مرکزی دشوار به نظر می‌رسد، باید ابتکارهایی صورت پذیرد تا اتکا به تأمین منابع مالی به روش سنتی و ناپایدار کاهش یابد و منابع جدیدی جایگزین آن شود که حتی ممکن است نیاز شهرداری به پول را کاهش دهد.

مجموعه این مسائل ما را بر آن داشت که در این شماره از ویژه‌نامه «هم‌محله»

به جرئت می‌توان گفت در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی هشت‌ساله اگر نگوییم بی‌نظیر، کم‌نظیر بوده است. این حضور مردمی در عرصه خیابان، باید به مشارکت مردم در سیاست‌گذاری عمومی در عرصه شهری و محلی تبدیل شود. شرایطی که هم‌اکنون در آن قرار داریم، فرصتی است برای سیاست‌گذاران و کارگزاران تا فرایندی را جهت افزایش مشارکت مردم در نظام سیاست‌گذاری طراحی کنند. البته که بدیهی و طبیعی است که این فرایند زمان‌بر خواهد بود؛ اما الزامی است؛ چون شرایط ایران به قبل از جنگ رمضان و قبل از حضور گسترده مردم در خیابان‌ها باز نخواهد گشت و مردم نیز انتظار دارند که بعد از این حضور و پشتیبانی گسترده حاکمیت نظام، بتوانند بیشتر از گذشته اثر مطالبات خود را در صحنه تصمیم‌گیری حس کنند.

جدای از بحث مشارکت مردم، باید در سطح شهر و مدیریت شهری نیز اقداماتی ضروری برای اصلاح و بازسازی شهر به شکلی ارزان و مقرون به صرفه انجام شود. لازمه این اتفاق، عبور از شکل‌های سنتی مدیریت سازمان و

وقوع جنگ در هر سطحی که باشد محدودیت‌ها و الزامات خاص خودش را به کشور تحمیل می‌کند. هزینه‌ها و مصارف جنگ برای هر کشوری به قدری زیاد است که کشورهای دیگر این مسئله، مجبورند راهکارهایی را بیندیشند تا هم از تحمیل بار هزینه‌ای بیشتر بر کشور بکاهند و هم در خلال جنگ بتوانند سیاست‌های کلان مربوط به پیشرفت آبادانی خود را در وجوه مختلف اجتماعی و اقتصادی پیگیری کنند؛ هرچند که می‌دانند جنگ، رسیدن به اهداف بلندمدت در این حوزه‌ها را با کندی مواجه می‌کند؛ بنابراین باید تدابیری اندیشیده شود تا با کاهش هزینه‌های غیرضرور و غیراولویت‌دار و با تمرکز بر میدان جنگ، بتوان وزن هزینه‌های اقتصادی را در ارزیابی جنگ کاهش داد تا حاکمیت در سطح ملی، این عرصه و فرصت را داشته باشد تا بیش از آنکه در تصمیم‌گیری برای سرنوشت جنگ بر هزینه‌های اقتصادی تمرکز کند، بتواند میزان دستیابی به اهداف راهبردی را بسنجد. یکی از صحنه‌های ارزیابی، هزینه‌های شهر و مدیریت شهری است. بدیهی است که باید خیلی وقت قبل از وقوع جنگ دوازده‌روزه و جنگ رمضان، تدابیری برای کاهش هزینه‌ها و افزایش فرصت‌ها اندیشیده می‌شد.

اینکه چنین اتفاقی افتاده است یا نه، در مجال این ویژه‌نامه نمی‌گنجد. آنچه سعی کرده‌ایم به آن بپردازیم، این است که در عرصه مدیریت شهری باید هم‌اکنون به چه چیزی اندیشیده شود و آینده شهر را بر اساس شرایط موجود چگونه مدیریت و برنامه‌ریزی کرد. آنچه هم‌اکنون در عرصه خیابان در حال رخ دادن است، صحنه‌ای از همدلی مردم و پشتیبانی آن‌ها از مسئولان است. در این میان گروه‌های جهادی و فرهنگی بسیاری وارد عرصه شده‌اند و صحنه‌ای از مدیریت مردمی در عرصه فرهنگی و جهادی را رقم زده‌اند که





زهره سادات کاظمی

تشکیل فوری صندوق ۸۰۰ میلیاردی

علی قاسم زاده، شهردار اصفهان می‌گوید هنوز فولاد مبارکه و اتاق بازرگانی به تعهد ۲۰۰ میلیاردی خود عمل نکرده‌اند



خسارت جزئی به ۱۱ هزار خانه در شهر اصفهان از ثمرات جنگ رمضان در اصفهان بوده است که شهرداری اصفهان در کنار خدماتی که برای مدیریت بحران در زمان جنگ انجام داده، بازسازی این حجم از ویرانی را نیز برعهده دارد. علی قاسم زاده، شهردار اصفهان در گفت‌وگوی اختصاصی با «هم‌محل» از روند رسیدگی به این خسارت‌ها، عملکرد شهرداری در جنگ و تشکیل صندوق ودیعه مسکن آسیب‌دیدگان می‌گوید.

چندی پیش در مصاحبه‌ای از تشکیل یک صندوق برای تأمین ودیعه مسکن آسیب‌دیدگان جنگ خبر دادید؛ صندوقی مشترک با مشارکت فولاد مبارکه، پالایشگاه، اتاق بازرگانی و شهرداری که هر کدام قرار بود ۲۰۰ میلیارد تومان به آن اختصاص دهند. سرنوشت این صندوق به کجا رسید؟

بله؛ قرار بود با مشارکت شهرداری، پالایشگاه، فولاد مبارکه و اتاق بازرگانی صندوقی مشترک تشکیل شود و هر یک از این مجموعه‌ها ۲۰۰ میلیارد تومان به صورت امانی به صندوق اختصاص بدهند. هدف این بود که خانواده‌هایی که منازلشان آسیب دیده و مرمتشان زمان‌بر است و امکان اسکان کوتاه‌مدت در هتل را ندارند، بتوانند برای مدت شش ماه تا دو سال در واحدهای استیجاری مستقر شوند و ما بتوانیم با ۶۰۰ میلیارد امانی منزل برای اسکان این افراد رهن کنیم تا بازسازی منازلشان به پایان برسد. پالایشگاه تاکنون به تعهد خود عمل کرده است؛ اما فولاد مبارکه و اتاق بازرگانی هنوز به تعهد خود عمل نکردند؛ هرچند اعلام کرده‌اند که در این زمینه همکاری خواهند کرد. ما همچنان منتظر تحقق این تعهدات هستیم تا بتوانیم بخشی از دغدغه‌های مردم را برطرف کنیم. قرار شد این مبلغ به صورت یکجا و فوری و به مدت یک سال به صندوق واریز شود؛ چون باید به فوری‌ترین کار انجام شود. قرار بود طی یک سال، از یک سو ما بازسازی خانه‌های تخریب‌شده را با سرعت پیش ببریم و از سوی دیگر، خانواده‌ها در این واحدهای استیجاری مستقر شوند. هر زمان که یک واحد مسکونی آماده بهره‌برداری شود، خانواده به منزل خود بازمی‌گردد و منابع آزادشده نیز به صندوق بازخواهد گشت تا برای سایر متقاضیان استفاده شود.

وضعیت بازسازی واحدهایی که

البته باید توجه داشت که این هزینه‌ها در مأموریت‌ها و بودجه‌های عادی شهرداری پیش‌بینی نشده بود.

آیا برای مرمت آثار تاریخی شهر و به‌ویژه آثار زیر نظر شهرداری هم اقدامی انجام شده است؟

بر اساس ابلاغ وزارت کشور و مصوبه هیئت دولت، مسئولیت شهرداری عمدتاً مربوط به اماکن مسکونی و تجاری متعلق به مردم است. درباره اماکن دولتی و عمومی، مسئولیت مستقیمی به شهرداری واگذار نشده است. با این حال، با توجه به تعهد و مسئولیتی که نسبت به شهر داریم، آمادگی همکاری در این حوزه‌ها نیز وجود دارد. سازمان بهسازی و نوسازی شهرداری سال‌هاست که در حوزه مرمت و بازسازی فعالیت می‌کند و تجربه لازم را در اختیار دارد. اگر در برخی بناهای تاریخی یا فضاهای عمومی آسیب‌دیده دستگاه‌های متولی مانند میراث فرهنگی اعلام کنند که امکان اقدام فوری ندارند، ما آمادگی داریم در این زمینه نیز وارد عمل شویم.

با توجه به تجربه جنگ اخیر، آیا برنامه‌ای برای مدیریت بحران‌های احتمالی آینده و اسکان اضطراری شهروندان تدوین شده است؟

بله؛ برای شرایط اضطراری سناریوهای مختلفی طراحی شده است. اگر بخشی از شهر درگیر جنگ یا بحران شود و نیاز به جابه‌جایی گسترده جمعیت وجود داشته باشد، اردوگاه‌های موقت در چند نقطه شهر پیش‌بینی شده‌اند. از جمله این مکان‌ها می‌توان به باغ ابریشم، باغ فدک و باغ

قانونی منتظر بمانیم. برای سایر مالکان، چند گزینه پیش‌بینی شده است: نخست اینکه ارزش ملک پیش از تخریب توسط کارشناسان تعیین شود و معادل آن، واحد یا واحدهای مسکونی مناسب در اختیار مالک قرار گیرد. گزینه دوم این است که مالک تمایل داشته باشد در همان محل قبلی ساخت‌وساز انجام شود. طبق تکلیف قانونی، ما موظفیم خسارت‌ها را حداقل در سطح قبل از تخریب جبران کنیم. در برخی موارد نیز امکان افزایش تراکم ساختمانی وجود دارد تا بخشی از هزینه‌های جبران خسارت از این طریق تأمین شود. اگر این راهکار کافی نباشد و مازاد تراکم هم برای جبران خسارت کافی نباشد، مابقی را ما کمک می‌کنیم؛ البته دولت و استانداری نیز وعده‌هایی برای جبران مابه‌التفاوت داده‌اند. پیام ما به مردم این است که نگران نباشند؛ در درون مجموعه حاکمیت برای حل این مشکلات راهکارهای لازم پیش‌بینی شده و تلاش می‌کنیم این فرآیند با سرعت انجام شود. خانواده‌هایی که تصمیم خود را گرفته‌اند، عملیات مرمت یا بازسازی واحدهایشان آغاز شده است و درباره سایر موارد نیز انتخاب نهایی با خود مالکان خواهد بود؛ چه دریافت ملک معوض، چه بازسازی در همان محل و چه استفاده از ظرفیت تراکم مازاد.

برآورد شما از هزینه بازسازی و جبران خسارت‌ها چقدر است؟

تاکنون برآورد اولیه ما حدود ۱۰ همت بوده است. این رقم شامل خسارت‌های جزئی، اساسی و تخریب کامل واحدها می‌شود؛

به‌طورکامل تخریب شده‌اند چگونه است؟ به‌ویژه در مواردی که صاحبان ملک فوت کرده‌اند، چه روندی پیش‌بینی شده است؟

پس از پایان جنگ و آغاز دوره آتش‌بس موقت، آمار اولیه ما حدود شش هزار واحد آسیب‌دیده بود؛ اما بر اساس آخرین آمار، تعداد واحدهای آسیب‌دیده به حدود ۱۱ هزار و ۵۸۰ واحد رسیده است. بخشی از این افزایش به دلیل بازگشت افرادی بود که در زمان جنگ در اصفهان حضور نداشتند و پس از بازگشت متوجه خسارت وارده به منازل خود شدند. آسیب‌ها را در سه دسته تقسیم کرده‌ایم: آسیب جزئی، آسیب اساسی و تخریب کامل. حدود ۹۰ درصد خسارت‌ها در دسته آسیب‌های جزئی قرار می‌گیرند؛ مواردی مانند شیشه، در، پنجره، کناف و موارد مشابه. برنامه ما این بود که این بخش را در سریع‌ترین زمان ممکن به پایان برسانیم و اکنون بخش عمده‌ای از آن و بیش از ۸۰ درصد آن انجام شده است. در حوزه آسیب‌های اساسی نیز عملیات بازسازی آغاز شده. این دسته شامل ساختمان‌هایی است که خسارت زیادی دیده‌اند؛ اما سازه اصلی آن‌ها قابلیت احیا و بازگشت را دارد.

درباره واحدهای کاملاً تخریب‌شده، حدود ۷۰ واحد شناسایی شده است. این پرونده‌ها به حوزه شهرسازی ارجاع شده‌اند تا ضمن بررسی وضعیت ملک، با مالکان جلسات مشترک برگزار شود و درباره نحوه جبران خسارت تصمیم‌گیری شود. در برخی موارد، تمامی اعضای خانواده شهید شده‌اند و مسائل حقوقی مربوط به انحصار وراثت وجود دارد. در این موارد باید تا تعیین تکلیف

تندرسی اشاره کرد. این فضاها به گونه‌ای پیش‌بینی شده‌اند که در صورت نیاز بتوان با استفاده از کانکس، چادر و تجهیزات امدادی، اسکان موقت شهروندان را در کوتاه‌ترین زمان ممکن فراهم کرد؛ برای مثال، اگر حادثه‌ای در یکی از مراکز حساس رخ دهد و ضرورت تخلیه شعاع مشخصی از شهر وجود داشته باشد، مسیرهای تخلیه، محل‌های استقرار و فرآیند انتقال جمعیت از قبل طراحی و پیش‌بینی شده است. تمام این پروتکل‌ها آماده هستند و تنها در صورت وقوع شرایط اضطراری فعال خواهند شد؛ البته امیدواریم هیچ‌گاه به اجرای این برنامه‌های نیازی پیدا نکنیم.

اولویت بعدی ما اسکان خانواده‌هایی است که منازل آن‌ها آسیب دیده یا در معرض آسیب قرار گرفته است. در جنگ اخیر نیز در برخی مناطق که به‌طور مکرر هدف حملات قرار می‌گرفتند، ناچار بودیم برخی واحدهای مسکونی اطراف نقاط حساس

را تخلیه کنیم. برای این منظور ظرفیت هتل‌ها پیش‌بینی شده است. علاوه بر آن، پس از اعلام نیاز، بسیاری از شهروندان نیز در پویش «نذر خدمت» داوطلبانه آمادگی خود را برای دراختیارگذاشتن واحدهای مسکونی اعلام کردند که در حدود ۲۰۰ واحد مسکونی از سوی مردم معرفی شد. تجربه مدیریت اسکان در جنگ چهل‌روزه را نیز در اختیار داریم و در صورت نیاز می‌توانیم در مدت کوتاهی ظرفیت هتل‌ها و سایر مراکز اقامتی را دوباره فعال کنیم؛ همچنین برای اسکان میان‌مدت، یعنی بازه زمانی شش ماه تا دو سال تا پایان بازسازی منازل، برنامه‌ریزی‌های لازم انجام شده است.

برخی شهروندان معتقدند اصفهان پناهگاه‌های مشخص و شناخته‌شده‌ای ندارد. در این زمینه چه اقدام‌هایی انجام شده است؟

در برخی نقاط شهر فضاهایی برای پناهگیری اضطراری پیش‌بینی شده است؛ از جمله ایستگاه‌های مترو و برخی اماکن عمومی که از نظر فنی ظرفیت ایجاد ایمنی نسبی برای شهروندان را دارند؛ البته باید توجه داشت که ماهیت جنگ‌های امروز با گذشته متفاوت است. تاکنون شرایطی پیش نیامده که شهر وارد وضعیت بحران گسترده و حملات فراگیر شود؛ به گونه‌ای که نیاز به استفاده عمومی از پناهگاه‌ها به وجود آید. در دوران جنگ تحمیلی، وضعیت قرمز از طریق رادیو اعلام می‌شد و مردم با شنیدن هشدارها به پناهگاه‌ها مراجعه می‌کردند؛ اما در شرایط فعلی هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم.

آیا در زمینه مدیریت بحران و خدمات شهری پس از این اتفاقات، تغییرات ساختاری نیز انجام شده است؟

بله؛ خوشبختانه پیش از وقوع این حوادث، سرمایه‌گذاری مناسبی در حوزه مدیریت بحران انجام شده بود. جایگاه این مجموعه که قبلاً زیر نظر معاونت خدمات شهری بود ارتقا پیدا کرد و اکنون زیر نظر شهردار قرار دارد؛ همچنین ساختار آن تقویت شد، نیروهای موردنیاز جذب شدند و زیرساخت‌های لازم نیز آماده شد. واقعیت این است که در زمان بحران، عملکرد این مجموعه نقش بسیار مهمی ایفا کرد. شاید بسیاری از شهروندان از حجم فعالیت‌هایی که در ساعات اولیه پس از هر حادثه انجام می‌شد اطلاع نداشته باشند.

عملکرد شهرداری را در جنگ چطور ارزیابی می‌کنید و ارگان‌های مختلف در لحظات پس از وقوع حملات چه وظایفی بر عهده داشت؟

معتقدم همکاران مادر شهرداری بسیار عالی عمل کردند. بلافاصله پس از هر حادثه، نیروهای آتش‌نشانی برای اطفای حریق، کنترل صحنه و ایمن‌سازی منطقه وارد

عمل می‌شدند. هم‌زمان نیروهای ترافیکی و خدمات شهری مسیرها را مدیریت می‌کردند و از حضور افراد غیرمرتبط در محدوده حادثه جلوگیری می‌شد. پس از آن، نیروهای حوزه پسماند و خدمات شهری عملیات جمع‌آوری نخاله‌ها، پاک‌سازی محیط و بازگرداندن شرایط عادی به شهر را آغاز می‌کردند. در مرحله بعد نیز نیروهای فرهنگی، اجتماعی و مددکاران وارد میدان می‌شدند تا به خانواده‌های آسیب‌دیده خدمات لازم را ارائه دهند. به اعتقاد من، عملکرد مجموعه شهرداری در این بخش بسیار قابل قبول و مؤثر بود.

در خصوص واگذاری مسئولیت بازسازی واحدهای آسیب‌دیده به شهرداری چه نظری دارید؟ آیا این کار، بار مضاعفی بر دوش شهرداری نبود؟

وقتی دولت این امر را ابلاغ کرد من شخصاً خوشحال شدم؛ چون کار بازسازی بلاتکلیف بود. در جنگ ۱۲ روزه، بخش مهمی از بازسازی‌ها در تهران انجام شده بود. پس از آن، دولت تصمیم گرفت این مسئولیت را برای سایر کلان‌شهرها نیز به شهرداری‌ها واگذار کند و این موضوع به صورت رسمی ابلاغ شد؛ البته پیش از ابلاغ رسمی نیز ما جلسه‌های متعددی با دستگاه‌های مختلف برگزار کرده بودیم. بارها این پرسش را مطرح می‌کردیم که خانواده‌های آسیب‌دیده کجا باید اسکان داده شوند و چه نهادی مسئولیت مستقیم این موضوع را بر عهده دارد. در آن مقطع، پاسخ‌ها عمدتاً به انتظار برای ابلاغ‌های رسمی موقوف می‌شد. حتی پیش از صدور مصوبه نیز صورت‌جلساتی تنظیم کرده بودیم تا در صورت نیاز بتوانیم وارد عمل شویم و بخشی از مشکلات مردم را برطرف کنیم.

این مسئولیت چه میزان فشار مالی به شهرداری وارد کرده است؟

طبیعتاً چنین مأموریتی هزینه‌های سنگینی دارد و در بودجه سالانه شهرداری نیز پیش‌بینی نشده بود؛ اما وقتی دولت این مسئولیت را واگذار کرد، ما آن را به عنوان یک فرصت خدمت تلقی کردیم. ممکن است برای تأمین منابع لازم، ناچار شویم اجرای برخی پروژه‌های عمرانی را به تعویق بیندازیم یا اولویت‌های بودجه‌ای را تغییر دهیم؛ اما واقعیت این است که بازگشت هرچه سریع‌تر خانواده‌ها به خانه‌هایشان، ارزش بسیار بیشتری از اجرای چند پروژه عمرانی دارد. اگر قرار باشد با جابه‌جایی منابع، یک خانواده حتی یک روز زودتر به زندگی عادی خود بازگردد، به نظر من این اقدام کاملاً ارزشمند است.

با وجود همه دشواری‌ها، ارزیابی شما از این تجربه چیست؟

من این مسئولیت را بیش از آنکه یک بار اجرایی بدانم، یک توفیق الهی می‌دانم. در شرایطی که مردم با مشکلات و نگرانی‌های

فراوانی روبه‌رو بودند، فرصت پیدا کردیم بخشی از آلام آن‌ها را کاهش دهیم و در کنارشان باشیم. خدمت به مردم، رفع دغدغه‌ها و کمک به بازگشت آرامش به خانواده‌ها، ارزشمندترین بخش این مسئولیت بود. در نهایت، هر اقدامی که بتواند بخشی از رنج انسان‌ها را کاهش دهد، برای ما افتخار و توفیق محسوب می‌شود.

آیا در حال حاضر هنگام ورود تهدیدات هوایی به کشور یا استان، سازوکار هشداردهی وجود دارد؟ امکان فعال شدن آژیر وضعیت قرمز برای مردم وجود ندارد؟

در خصوص سیستم هشدار باید بگویم بله. از زمانی که جنگنده‌ها، پهپادها یا موشک‌ها وارد حریم کشور می‌شوند، اطلاعات لازم در اختیار نهادهای مسئول قرار می‌گیرد. ستاد مدیریت بحران نیز متناسب با سطح تهدید، هشدارهای لازم را صادر می‌کند. وقتی تهدید وارد استان یا شهر می‌شود، اطلاعات دقیق‌تری در اختیار دستگاه‌های مسئول قرار می‌گیرد و در صورت لزوم، محدوده‌های در معرض خطر تخلیه می‌شوند. وظیفه ما نیز اجرای همین پروتکل‌ها و حفاظت از شهروندان است؛ البته تاکنون ضرورتی برای اعلام عمومی وضعیت قرمز در سطح شهر تشخیص داده نشده است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل این موضوع، جلوگیری از افزایش اضطراب و نگرانی عمومی باشد. اعلام وضعیت قرمز سراسری می‌تواند فشار روانی زیادی بر جامعه وارد کند و به همین دلیل درباره آن با احتیاط تصمیم‌گیری می‌شود.

به‌عنوان آخرین سؤال، یکی از مباحثی که پس از جنگ مطرح شد، استقرار برخی مراکز و کاربری‌های حساس در مناطق مسکونی است. آیا برای این موضوع تصمیمی گرفته شده است؟

یکی از تجربه‌های مهم این دوره، ضرورت بازنگری در استقرار برخی مراکز حساس در بافت‌های مسکونی بود. بخشی از این مراکز به دلیل ماهیت خدماتی و اجتماعی خود ناگزیر در سطح شهر مستقر هستند؛ برای مثال، کلانتری‌ها و برخی مراکز انتظامی و خدماتی باید در دسترس مردم باشند و امکان انتقال آن‌ها به خارج از شهر وجود ندارد؛ اما درباره برخی کاربری‌های دیگر، این جمع‌بندی در جلسات کارشناسی شکل گرفته است که در فرآیند بازسازی و توسعه‌های آینده، حتی‌الامکان از استقرار آن‌ها در مجاورت مناطق پرتراکم مسکونی پرهیز شود. در جنگ اخیر شاهد بودیم که برخی اهداف صرفاً با هدف ایجاد جنگ روانی موردحمله قرار گرفتند. برای نمونه، حمله به مدرسه یا مراکزی که ارتباط مستقیمی با اهداف نظامی نداشتند، بیشتر با هدف تأثیرگذاری بروحیه عمومی جامعه انجام می‌شد. این موضوع ضرورت بازنگری در برخی جانمایی‌ها را دوچندان کرده است.





منیره فهامی

روایت جهادگران سازنده شهر

گفت و گو با محمد محمدی، مسئول قرارگاه جهادی جنگ رمضان



جنگ، تلخ‌ترین روایت زندگی انسان‌هاست؛ جایی که صدای انفجار، جای خنده کودکان را می‌گیرد و خانه‌هایی که مأمین آرامش‌اند، در یک لحظه به آوار تبدیل می‌شوند. در جنگ، فقط ساختمان‌ها ویران نمی‌شوند؛ بلکه دل‌ها، آرزوها و امنیت مردم نیز آسیب می‌بینند. دردناک‌تر از همه، رنج مردمی است که بی‌گناه قربانی خشونت و دشمنی می‌شوند و در یک لحظه همه چیزشان را از دست می‌دهند. دیگر از خانه‌های امیدشان خبری نیست و تنها آدرسی از آن‌ها به جا می‌ماند با دشمنی که بارها ادعا کرده بود منازل مسکونی را هدف قرار نمی‌دهد.

خانه‌ها تخلیه می‌کردند. در شهر اصفهان برای ۱۲ هزار و ۳۰۰ منزل مسکونی پاک‌سازی و ایمن‌سازی انجام شد.

تشکیل شده است.

پاک‌سازی و ایمن‌سازی ۱۲ هزار و ۳۰۰ منزل مسکونی

قرارگاه جهادی جنگ رمضان سه عملیات را تعریف کرد. عملیات اول، عملیات امداد و نجات بود. جهادگران به موتورسیکلت و کوله‌های امدادی مجهز شدند و در لحظات اصابت همراه با سایر دستگاه‌های امدادی از جمله هلال احمر، نیروی انتظامی و اورژانس در نقطه اصابت حضور پیدا می‌کردند و به کمک آسیب‌دیدگان می‌پرداختند. عملیات دوم، عملیات پاک‌سازی و ایمن‌سازی بود. بعد از سفیدشدن وضعیت و عادی شدن شرایط، جهادگران منازل آسیب‌دیده را پاک‌سازی کرده، شیشه‌های شکسته را با پلاستیک جایگزین و پس از ایمنی درها و پنجره‌ها، نخاله‌ها و پرتابه‌های انفجار را از

اصفهان، می‌خواهیم از همین روایت‌اشار، همدلی و حضور مردمی بشنویم؛ از روزهایی که جهادگران بی‌وقفه پای کار مردم ایستاده‌اند.

تشکیل قرارگاه جهادی جنگ رمضان

محمدی در ابتدا به تشکیل قرارگاه جهادی جنگ رمضان اشاره کرد و گفت: هم‌زمان با آغاز جنگ تحمیلی سوم، گروه‌های جهادی و مردمی در سراسر استان اصفهان با مشارکت هم قرارگاه جهادی جنگ رمضان را تشکیل دادند. این قرارگاه متشکل از گروه‌های جهادی بسیج سازندگی استان اصفهان، بسیج دانشجویی، بنیاد برکت، آستان قدس، جبهه فرهنگی و گروه‌های جهادی مردمی است که در راستای خدمت به مردم با محوریت بسیج سازندگی استان اصفهان

صدها خانه تخریب و بیش از هزاران منزل مسکونی آسیب دیده و خانواده‌های بسیاری در چشم‌برهم‌زدنی، سقف امن زندگی‌شان را از دست می‌دهند. اما در همان روزها و ساعت‌های سخت، مردم اصفهان باز معنای همدلی و ایستادگی را به تصویر کشیدند. جهادگران، نیروهای مردمی و گروه‌های داوطلب، همشهریان و هم‌وطنان خود را تنها نگذاشتند. از نخستین لحظات حادثه، در اوج خطر و ناامنی، به میدان آمدند؛ آوار برداشتند، خانه ساختند، مرهم شدند و تا امروز در کنار آسیب‌دیدگان مانده‌اند. بسیاری از خانواده‌ها با تلاش همین نیروهای جهادی توانستند دوباره به خانه‌هایشان بازگردند و امید را از نو تجربه کنند. امروز در گفت‌وگو با محمد محمدی، مسئول قرارگاه جهادی جنگ رمضان و مدیر حرکت‌های جهادی استان

عملیات بازسازی و مرمت در ۱۱ نقطه شهر اصفهان

عملیات سوم، عملیات بازسازی و مرمت، از ۱۳ فروردین آغاز شد. این عملیات در ۱۱ نقطه از شهر اصفهان، مانند خیابان‌های باهنر، جانبازان، شهید خلیلی، هفتون، معراج، تربیت معلم و پشت استخر فجر، قائمیه، محله آتشگاه، چهارراه پلیس، خانه اصفهان و سپاهان شهر و ۱۹ نقطه از شهرستان‌های استان صورت گرفت. جامعه هدف ما ۱۲ هزار و ۳۰۰ واحد مسکونی بود که تاکنون بالغ بر چهار هزار و ۸۰۰ واحد مسکونی بازسازی و مرمت شده است. کارگاه‌های برش‌کاری، جوش‌کاری، تولید در و پنجره آلومینیومی، برش



شیشه تک جداره احداث شد و کارهای بنایی، کلاف کاری و گچ کاری در عملیات مرمت صورت گرفت. محمدی تأکید کرد: امیدواریم طی روزهای آتی با تکمیل عملیات شیشه اندازی و نصب شیشه بتوانیم بقیه واحدها را نیز تحویل بدهیم. او افزود: در شهر اصفهان شهرداری پشتیبان و تأمین کننده مصالح و امکانات مورد نیاز است؛ ولی در شهرستان ها بنیاد مسکن این کار را برعهده دارد. با توجه به محدودیت هایی که بنیاد مسکن داشته، صرفاً پرداخت های زیر ۳۰ میلیون را به صورت فاکتوری پرداخت کرده است؛ به همین دلیل مادر شهرستان ها با مشکلات بیشتری نسبت به شهر اصفهان روبه رو هستیم که نیازمند توجه خاص مسئولان، به ویژه بنیاد مسکن در شهرستان هاست. مسئول قرارگاه جهادی جنگ رمضان اصفهان خبر داد و گفت: از شهرهای دیگر از جمله کرمان، قزوین، مازندران، قم و افغانستانی های مقیم استان که از طیف نیروهای مدافع حرم بوده اند، در اردوهای جهادی حضور داشته و کمک کرده اند. از خراسان رضوی و استان یزد نیز تیم ارزیابی جهت ارسال نیرو و امکانات داشته ایم و همچنین استان

قزوین با ارسال نیرو و شیشه در عملیات مرمت، کمک شایانی داشته است.

حضور روزانه ۳۰۰ تا ۵۰۰ نیرو در عملیات مرمت و بازسازی

مدیر حرکت های جهادی استان اصفهان در خصوص فعالیت های جهادی شهرستان های استان اصفهان افزود: شهرستان کاشان، آران و بیدگل و نطنز معین استان تهران بوده اند و چندین مرحله اعزام نیرو به استان تهران داشتند. شهرستان های غربی ما به ویژه تیران و کرون نیز معین میناب و استان هرمزگان بودند و به آنجا نیرو اعزام کرده اند. شهرستان های دیگر هم در قرارگاه های فرعی جنگ رمضان شهرستان فعال بودند و در قالب گروه های بیست تا شصت نفره، به شهر اصفهان اعزام نیرو داشتند. هر روز حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ نفر نیروی جهادی را در قسمت های مختلف در عملیات بازسازی و مرمت داشته ایم.

بازسازی مناطق آسیب دیده شهرستان های اصفهان توسط ۴ تا ۵ گروه جهادی

هزار و ۳۰۰ گروه جهادی ثبت شده با مجوز و شماره حساب حقوقی در بسیج

سازندگی داریم که از این تعداد ۹۰ گروه جهادی در سطح شهر اصفهان و در هر شهرستان چهارپنج گروه جهادی درگیر عملیات مرمت و بازسازی شده اند. ۱۶۹ موکب نیز در سطح استان متعلق به گروه های جهادی بوده است.

فعالیت بانوان جهادگر در ۴ زمینه مختلف

محمدی در ادامه به اکیپ های جهادی و تخصصی بانوان اشاره کرد و گفت: اکیپ های بانوان گروه های جهادی در چهار زمینه فعالیت می کنند که این فعالیت ها شامل پشتیبانی از پخت غذا و کمک به آشپزخانه ها در توزیع روزانه بیش از ۱۳ هزار پرس غذا، برآورد خسارت به صورت الکترونیک در نقاط اصابت دیده و به صورت خانه به خانه، حضور در مراسم اسکان جنگ زدگان و فعالیت های روان شناسی و بازی با کودکان و نوجوانان، تهیه و توزیع بسته های معیشتی، پک های بهداشتی و همچنین بسته بندی آجیل و لقمه برای نیروهای امنیتی و هوافضا بوده است. محمدی تأکید کرد: بازسازی و مرمت بسیاری از منازل

از جمله ۴۵۰ واحد خیابان تربیت معلم پشت استخر فجر، ۷۸۳ واحد خیابان باهنر، ۲۰۰ خانه در خانه اصفهان و ۴۶۰ واحد در هفتون انجام و این واحدها تحویل داده شده است.

اگر کمبود شیشه، نیروی متخصص نصاب و شیشه بر هم تأمین شود، تکمیل و تحویل منازل آسیب دیده سرعت بیشتری می گیرد. او افزود: حدود ۸۰ واحد کامل تخریب شده هم داریم که نیازمند برگزاری جلسات هیئت دولت و مصوبات مرتبط هستند.

مدیر حرکت های جهادی استان اصفهان در پایان گفت: افراد و گروه های علاقه مند به فعالیت های جهادی می توانند از طریق ثبت نام در پلتفرم «ایران پاکار» عضو قرارگاه جهادی جنگ رمضان شوند و یا با مراجعه حضوری به دفتر بسیج سازندگی، واقع در خیابان شمس آبادی، ساختمان شمس آبادی دفتر قرارگاه جنگ رمضان ثبت نام کنند؛ همچنین می توانند با عضویت در گروه «ندای جهادی» در پیام رسان ایتا و ارتباط با ادمین، اعلام آمادگی کنند و با فعالیت ها آشنا شوند.



پهنه های آسیب دیده منطقه یک

لنجان - خرم - علی قلی آقا
۲

جامی - جوزدان
۴

درب کوشک - عباس آباد
۱۳

شاهزاده ابراهیم
۹

خلجا
۳۸

گزارش ارزیابی و جبران واحدهای آسیب دیده در منطقه

مجموع کار
انجام شده
۶۰

مجموع
خسارت
۶۶

مجموع
احداث
۰

مجموع
بازسازی کلی
۰

مجموع
خسارت جزئی
۶۶

تعداد شهید
۲

ریال ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

برآورد کلی هزینه ها



پهنه‌های آسیب دیده منطقه ۲

صنعتی و تجاری

۲۴

بختیارداشت

۲۹

مسکونی

۵

تجاری اداری

۲۶

رسالت

۱۰۳

مسکونی

۷۷

گزارش ارزیابی وجبران واحدهای آسیب دیده در منطقه

مجموع کار انجام شده

۱۰۰

مجموع خسارت

۱۳۲

مجموع احداث

۹

مجموع بازسازی کلی

۱۲

مجموع خسارت جزئی

۱۱۱

گزارش خسارت‌ها به تفکیک کاربری واحدهای آسیب دیده

صنعتی

۲۴

تجاری اداری

۲۶

مسکونی

۸۲

ارزش ریالی خسارت وارده شده

مالک

ریال ۵۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

شهرداری

ریال ۱۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

خیران

ریال ۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰

هزینه کل

ریال ۱۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

آمار داده‌های ویژه نامه مربوط به بازه زمانی ۲۹ اردیبهشت تا ۲۱ خرداد ۱۴۰۵ است



منیره فهامی

موقعیت بیست و هفت!

گفت‌وگو با مهدیه نقش‌زن، فعال فرهنگی و عضو شورای مرکزی موبک «ایران همدل»



موشک‌های دشمن از همان روزهای نخست، تنها خانه‌ها را هدف نگرفته بودند؛ آرامش دل‌ها نیز زیر آتش تهدید قرار داشت. دهم اسفند، بیست‌وهفتمین موبک را ثبت کردند؛ موبکی که برای خادمانش به «موقعیت ۲۷» تبدیل شد. شب‌ها پس از پایان فعالیت‌ها، مردان در موبک می‌ماندند و خانم‌ها و کودکان برای استراحت راهی مدرسه می‌شدند. خانم نقش‌زن هم یکی از آنان بود. تنها ۱۰ روز از برپایی موبک گذشته بود که خبر رسید منطقه نزدیک خانه‌شان هدف حمله قرار گرفته است. شیشه‌ها شکسته و دیوارها آسیب دیده بود. بازگشت به خانه پنجاه‌روزی زمان برد. کمی بعد نزدیک مدرسه محل استقرار خانواده‌ها هم هدف قرار گرفت و ناچار شدند به مکانی امن‌تر نقل مکان کنند.

در ادامه، حمله به فولاد مبارکه در زمانی که همسرش در آنجا حضور داشت، نگرانی دیگری را رقم زد. پس از آن نیز حمله مسلحانه به موبک، زخمی دیگر بر پیکره این مجموعه بود؛ اما با وجود همه این حوادث، فعالیت موبک متوقف نشد و خدمت‌رسانی ادامه یافت.

خانم مهدیه نقش‌زن، فعال فرهنگی و عضو شورای مرکزی موبک ایران همدل، بخشی از این روزهای پرحادثه را روایت می‌کند؛ روزهایی که امید از دل سختی‌ها جوانه زد و خدمت از هیچ تهدیدی عقب ننشست.

آغاز یک حرکت مردمی

موبک ایران همدل با همکاری مدرسه پویه و گروه فرهنگی جهادی «ماوی»

ترتیب نخستین گردهمایی موبک شکل گرفت؛ فضایی برای گفت‌وگو و رسیدن به نقاط مشترک. نقش‌زن می‌گوید که در ابتدای مسیر برخی دیدگاه‌ها برای اعضای موبک که داغدار بودند آزاردهنده بود؛ اما به مرور هر دو طرف در کنار هم رشد کردند؛ هم شنیدن دیدگاه‌های مختلف آسان‌تر شد و هم گفت‌وگوها متعادل‌تر و منصفانه‌تر پیش رفت. امروز این نشست‌ها با حضور کارشناسان در موضوع‌های مختلف برگزار می‌شود و بسته به موضوع، بین ۱۰ تا ۵۰ نفر در آن شرکت می‌کنند. حتی در شب‌هایی که بحث‌ها به جدل کشیده می‌شود، شرکت‌کنندگان شب بعد دوباره برای ادامه گفت‌وگو دور هم جمع می‌شوند.

گردهمایی قرآنی؛ سوخت ادامه مسیر

برنامه‌های معنوی موبک از ابتدا

یکی از نخستین برنامه‌های موبک، پلاکاردنویسی بود. والدینی که خوش‌خط بودند، مطالبات مردمی، آداب زندگی مقاومتی، شروط ده‌گانه رهبری، شعارها، جمله‌های امیدبخش و آیات قرآن را روی پلاکاردها می‌نوشتند. این نوشته‌ها دورتادور چهارراه سپهسالار در دست‌ان مردم قرار می‌گرفت و خادمان موبک، خودروها را از زیر قرآن عبور می‌دادند.

شکل‌گیری نخستین گردهمایی سیاسی موبک

چند روز پس از آغاز فعالیت‌ها، افراد با سلیقه فکری و مذهبی مختلف به موبک پیوستند. خانواده‌های مدرسه پویه که پیش‌تر مباحث سیاسی را در فضای مجازی دنبال می‌کردند، به پیشنهاد مدیر مدرسه، خانم غلامی، این گفت‌وگوها را به فضای موبک منتقل کردند. به این

شکل گرفت. فعالیت‌ها از شب شهادت حضرت آقا با امکاناتی ساده شامل یک رشته لامپ، یک فلاسک چای برقی بزرگ و یک میز آغاز شد و به مرور تجهیزات و امکانات بیشتری به موبک اضافه کردند.

در نخستین جلسات همفکری، تصمیم بر آن شد که فعالیت‌ها در دو بخش کودک و نوجوان و بزرگسالان سامان‌دهی شود. برای کودکان فضایی جهت بیان احساسات و دغدغه‌های ناشی از شرایط جنگی فراهم شد و برای بزرگسالان نیز جلسات گفت‌وگو و هم‌اندیشی شکل گرفت.

به گفته نقش‌زن، مهم‌ترین دغدغه والدین در آن روزها مدیریت اضطراب، وضعیت تحصیلی فرزندان و ایفای نقش مؤثر در کمک به کشور بود؛ موضوعه‌هایی که محور برنامه‌های فرهنگی موبک قرار گرفت.

از پلاکاردنویسی تا ترویج امید





سفالگری، نقاشی و کاردستی نیز بخشی از فعالیت‌های مستمر این گروه است. به گفته نقش‌زن، نمایش از نقاط اوج فعالیت‌های فرهنگی موبک به شمار می‌رود. در یکی از این برنامه‌ها، مربیان با استفاده از نقشه ایران و چسب زخم‌هایی که بر روی آن قرار داده بودند، زخم‌های تاریخی ایران را روایت و مبارزه با استعمار را در قالب نمایش بازآفرینی کردند.

امروز موبک دارای گروه سرود و گروه نمایش است و موضوع‌های روز را در قالب اجراهای هنری به مخاطبان ارائه می‌کند. ساخت کاردستی، نقالی و روایتگری برای مناسبت‌هایی همچون عید غدیر نیز از دیگر برنامه‌های این مجموعه است.

نوجوانان روایتگر زنان اثرگذار

یکی از برنامه‌های ویژه نوجوانان، روایتگری درباره زنان اثرگذار است. این گروه تاکنون اجرای برنامه‌های خود را در موبک‌های دیگر نیز گسترش داده‌اند. همچنین جمع‌آوری اقلام ضروری برای خانواده‌های جنگ‌زده و برگزاری کلاس‌های رفع اشکال درسی با حضور معلمان جهادی مدرسه و محله از دیگر اقدام‌های این موبک به شمار می‌رود.

دعوت از این خانواده‌ها به موبک انجام شد. برنامه‌ریزی برای ترویج زندگی مقاومتی و اصلاح الگوی مصرف از دیگر محورهای فعالیت موبک است. مسئولان موبک قصد دارند با استفاده از ظرفیت افراد متخصص و توانمند، میزهای خدمت رایگان در حوزه‌های مختلف برگزار کنند.

کودک و نوجوان؛ محور اصلی فعالیت‌های تربیتی

بخش کودک و نوجوان موبک با اهداف تربیتی، هیجانی و تفریحی طراحی شده است. در این بخش تلاش شده مفاهیم زندگی جهادی و روایت مقاومت در قالب بازی، هنر و قصه‌گویی به نسل جدید منتقل شود. قصه‌گویی با مفاهیم تربیتی، شاهنامه‌خوانی و پیوند دادن قهرمانان شاهنامه با قهرمانان معاصر از جمله برنامه‌های این بخش است؛ همچنین یکی از نوجوانان موبک که نخستین سال روزه‌داری خود را تجربه می‌کرد، هر شب سازه‌های کاغذی مانند لانچر، موشک، پهپاد، تانک و تفنگ می‌ساخت و ساخت آن‌ها را به دیگر کودکان آموزش می‌داد. بازی‌های هدفمند روان‌شناختی،

برنامه‌ها در دست حاضران به نوبت برافراشته می‌شد. در ادامه، پرچم‌ها شماره‌گذاری شدند و بخشی از آن‌ها برای تأمین هزینه‌های فرهنگی موبک به فروش رسید.

مشارکت مردمی؛ پشتوانه اصلی موبک

نقش‌زن تأکید می‌کند که بخش عمده امکانات موبک با مشارکت مردم تأمین شده است. از تأمین غذا و نان روزانه گرفته تا نصب آبگرمکن، سینک، مخزن آب و سایر تجهیزات، همگی با همراهی بانیان خیر انجام شده است؛ همچنین شهرداری با دراختیار قرار دادن تلویزیون شهری و بانک سپه با همکاری‌های مختلف، به پیشبرد فعالیت‌های موبک کمک کردند. موبک ایران هم‌دل در مناسبت‌های مختلف نیز برنامه‌های ویژه‌ای برگزار کرده است؛ از لحظه تحویل سال و دیدوبازدیدهای نوروزی گرفته تا جشن روز دختر، تجلیل از معلمان جهادی، برنامه‌های ولادت و شهادت و کاشت نهال در اسفندماه. در کنار این برنامه‌ها، دیدار با خانواده شهدای اطراف موبک نیز در دستور کار قرار گرفت و تلاش‌هایی برای

با قرائت سوره فتح، دعای توسل و فرازهایی از صحیفه سجادیه همراه بود؛ همچنین چالش‌های قرآنی و مسابقات مرتبط با مفاهیم آیات برگزار می‌شد. در ادامه، این برنامه‌ها به شکل عمیق‌تری دنبال شد و گده قرآنی با محوریت کتاب «تفسیر سوره فتح» استاد طاهرزاده شکل گرفت. این جلسات که هفته‌ای دو تا سه بار برگزار می‌شود، محل تلاوت، تدبر و مباحثه پیرامون آیات قرآن است.

نقش‌زن با لبخند می‌گوید: این جلسات در واقع سوخت موتور خودمان است تا امید، فعالیت و انگیزه برای خدمت در میدان و خانواده در ما زنده بماند. «بخش دیگری از فعالیت‌های موبک به امانت‌دادن کتاب اختصاص دارد. کتاب‌هایی با موضوع‌های متنوع، از رمان تا روان‌شناسی، در اختیار مخاطبان گروه‌های سنی مختلف قرار می‌گیرد.

پرچم‌هایی که نماد همدلی شدند

در ابتدای کار، پرچم‌ها برای استفاده در مراسم پرچم‌گردانی به صورت امانت در اختیار مردم قرار می‌گرفت. یک پرچم بزرگ نیز هر شب تا پایان

پهنه‌های آسیب‌دیده منطقه ۳

خواجو-سرچشمه

۴

دردشت

۶

چرخاب

۴۸۷

نقش جهان

۴۰۱

گزارش ارزیابی وجبران واحدهای آسیب‌دیده در منطقه

مجموع کار انجام‌شده

۸۷۰

مجموع احداث

۰

مجموع خسارت جزئی

۸۸۰

مجموع خسارت

۸۹۱

مجموع بازسازی کلی

۱۸

گزارش خسارت‌ها به تفکیک کاربری واحدهای آسیب‌دیده

واحدهای مسکونی

۵۰۹

تعداد واحدهای تجاری اداری

۳۸۵

۶۰

تعداد خودروهای آسیب‌دیده



زهره سادات کاظمی

سناریونویسی برای منابع و اولویت‌ها

مدیرکل برنامه‌ریزی و بودجه شهرداری اصفهان از روند ترمیم مناطق آسیب‌دیده اصفهان توسط شهرداری می‌گوید



با واگذاری مسئولیت ترمیم مناطق آسیب‌دیده از جنگ بر دوش شهرداری، بار مالی چشمگیری متوجه شهرداری شد و این، در کنار آسیب‌دیدن منابع درآمدی شهرداری به واسطه جنگ، فشار مضاعفی بر دوش شهرداری وارد کرد. در این میان پیدا کردن راه برون‌رفت از این بحران، وظیفه مدیریت برنامه‌ریزی و بودجه شهرداری است تا با تدوین برنامه‌ای جدید و راه‌گشا، مسیر جدیدی پیش روی شهرداری باز کند. برای بررسی راه‌های پیش‌بینی شده و برنامه‌ای که در این زمان تدوین شده است، به سراغ مدیرکل برنامه‌ریزی و بودجه شهرداری اصفهان رفتیم تا از تلاش‌های حوزه مدیریت برنامه‌ریزی و بودجه برابمان بگوید. آنچه می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی «هم‌محل» با سید مصطفی اعتصامی است.

بنا به تعریف اعتصامی، اداره کل برنامه‌ریزی و بودجه معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری اصفهان، شامل اداره برنامه‌ریزی و ارزیابی عملکرد، اداره آمار و تحلیل اطلاعات، اداره GIS و اطلاعات مکانی و اداره مدیریت و کنترل پروژه‌هاست که یکی از خروجی‌های اصلی این حوزه، فرایند تدوین برنامه بودجه سالیانه شهرداری است. پیگیری اجرای پروژه‌ها و ارزیابی عملکرد نیز در دستور کار حوزه برنامه‌ریزی و بودجه تعریف می‌شود.

اولویت‌بندی پروژه‌های شهری

اعتصامی که سکندار اداره کل برنامه‌ریزی و بودجه است، در زمان جنگ فعالیت ویژه‌ای داشته و موضوع‌های مختلفی را پیگیری کرده. او در ابتدا صحبتش را از وضعیت مالی شهرداری و منابع ازدست‌رفته شهرداری به واسطه جنگ شروع و تصریح کرد: با توجه به شرایط جنگ، منابع مالی شهرداری تحت‌الشعاع قرار گرفت و این مسئله، نیاز به مدیریت منابع را پررنگ کرد؛ به همین دلیل و برای مدیریت منابع و تأمین نقدینگی به سمت اولویت‌بندی رفتیم و یکی از اولین موضوع‌هایی که در برنامه‌ریزی به آن توجه شد، اولویت‌بندی اجرای پروژه‌های شهری بود. در گام اول، دسته‌بندی پروژه‌ها به لحاظ درجه

اهمیت و سرعت اجرایی شدن آن‌ها با توجه به شرایط جنگ در شهر، موردتوجه قرار گرفت. پروژه‌های بزرگ و مهم، در دسته اول و لازم‌الاجرا و پروژه‌های کم‌اهمیت‌تر در اولویت دوم و سوم قرار گرفت؛ پروژه‌هایی که ممکن است در زمان پیش‌بینی خودش پیش نرود و با تأخیر مواجه شود.

سناریونویسی و شناسایی مناطق

اعتصامی پیش‌بینی منابع، سناریونویسی و شناسایی مناطق اولویت‌بندی پروژه‌ها را از مهم‌ترین اقدامات حوزه برنامه‌ریزی معرفی کرد و افزود: در اولویت‌بندی، تمام پروژه‌های دارای قرارداد که بیش از ۴۰۰ پروژه در سطح معاملات متوسط و بزرگ بودند، موردتوجه قرار گرفت و در اولویت اول تعریف شد که شامل پروژه‌های نیمه‌تمامی بود که باید به نتیجه می‌رسید. پروژه‌های بسته پرواز (شامل بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پروژه‌های شهری) در دسته اولویت یک قرار گرفتند. مهم‌ترین آن‌ها شامل پروژه مجموعه پل‌ها و زیرگذر شهید رئیسی، پل شماره ۳ تقاطع‌های غیرهمسطح شهید فخری‌زاده، باغ تندرستی، باغ مشاهیر، باغ فدک، خط ۲ قطار شهری، تصفیه‌خانه و کلکتورهای فضای سبز و تکمیل حلقه حفاظتی رینگ چهارم بود. البته باید اضافه کنم

که بعضی پروژه‌ها مثل پروژه‌ها شهید رئیسی در ایام جنگ هم ادامه پیدا کرد و تعطیل نشد و تا اواخر خرداد به نتیجه خواهد رسید. او پروژه‌های با اولویت دوم را پروژه‌هایی معرفی کرد که از لحاظ ضرورت اجرا از اهمیت کمتری برخوردار هستند. این پروژه‌ها هنوز شروع نشده‌اند و یا تأکید و درخواست مردمی برای اجرای سریع ندارند. این پروژه‌ها با تأخیر و در سه‌ماهه اول سال اجرا آغاز نمی‌شوند؛ اما طراحی و مقدمات انجام پروژه‌ها انجام می‌شود.

هیچ پروژه‌ای نباید زمین بماند

اعتصامی تأکید کرد: هیچ پروژه‌ای نباید زمین بماند و اگر نیاز است وارد مناقصه شود، با هماهنگی کمیته تخصیص انجام می‌شود. در ایام جنگ هیچ پروژه‌ای متوقف نشده؛ اما ممکن است شروع پروژه‌ای به تعویق بیفتد و عملیات عمرانی با تعویق صورت بگیرد. او افزود: در برنامه‌ریزی برای مدیریت منابع مالی شهرداری، گام دومی تعریف و حالت‌های مختلف برای وضعیت درآمد شهرداری مشخص شد. حالت‌های خوش‌بینانه، بدبینانه و محتمل در صورت ادامه پیدا کردن جنگ، توقف جنگ و شرایط بعد از صلح و متحول شدن منابع مالی شهری در نظر گرفته شد. مدیرکل برنامه‌ریزی و بودجه شهرداری اصفهان در ادامه بیان

کرد: بر اساس هرکدام از این شرایط، پیش‌بینی منابع را انجام دادیم. برآورد ما در حالت بدبینانه تحقق ۵۰ درصدی بودجه و در حالت میانه ۷۵ درصد است و در حالت خوش‌بینانه پیش‌بینی کردیم به ۹۵ درصد منابع مالی دسترسی پیدا کنیم.

بنا به گفته او، در حال حاضر از کل بودجه شهرداری که ۵۷ همت است، تنها ۲۵ درصد آن ساختمانی و وابسته به صدور پروانه ساختمانی و تراکم است و ۶۵ درصد غیرساختمانی است. البته تأمین مالی ۶۵ درصد غیرساختمانی نیز از جنگ تأثیر گرفته و آسیب‌دیده است. در تأمین منابع در بودجه امسال ۲۲ همت پروژه سرمایه‌گذاری و مشارکت تعریف شده است تا برخی از پروژه‌ها از طریق بخش خصوصی و مشارکت به نتیجه برسد. این اتفاق بر اساس تکلیف شورا رقم خورده و امید است این قسمت از بودجه‌ریزی با سرمایه‌گذاری و مشارکت سرمایه‌گذاران نتیجه‌بخش باشد.

پرداخت ارزش افزوده در شهر اصفهان، دچار آسیب شده

اعتصامی در ادامه بیان کرد: بخش ارزش‌افزوده و عوارض بر کالا و خدمات که از سمت دولت در نظر گرفته می‌شد، با توجه به آسیب‌دیدگی منابع پرداخت ارزش‌افزوده در شهر اصفهان، دچار آسیب شده و پرداخت نشده است؛ حتی



نشده بود، گفت: بعد از ورود شهرداری تهران به بازسازی مناطق آسیب دیده، هیئت دولت تصمیم گرفت شهرداری‌ها آسیب جزئی را ارزیابی و جبران کنند. البته از لحاظ قانونی فقط جبران آسیب جزئی بر عهده شهرداری است و تأمین لوازم خانگی، جبران خسارات کلی و احداث واحدهای تخریب شده بر عهده شهرداری نیست؛ اما در این خصوص پیش‌بینی لازم انجام شده و با تأمین منابع این اقدامات هم انجام می‌شود.

در نهایت مدیرکل برنامه‌ریزی و بودجه شهرداری اصفهان در پاسخ به این سؤال که با وقوع جنگ آیا بودجه مازاد برای مناطق تعریف شده است یا خیر، اظهار کرد: فعلاً بودجه مازادی برای مناطق در نظر گرفته نشده است. دو ردیف بودجه برای هزینه‌های جاری و عمرانی مثل هزینه ناهار افراد حاضر در مناطق و مردم اسکان داده شده با اجازه شورا در نظر گرفته شد و هزینه عمرانی و جبران خسارت‌ها نیز در مناطق آسیب دیده به صورت منفی در بودجه ثبت می‌شود تا در اصلاح بودجه با موافقت شورا لحاظ شود.

با حضور شهردار تشکیل شد و آمار و اطلاعات در حوزه‌های مختلف از بازسازی و ارزیابی واحدهای آسیب دیده و اقدامات مختلف توسط شهرداری بررسی شد. مدیرکل برنامه‌ریزی و بودجه شهرداری اصفهان در کنار اشاره به این اقدامات، از طراحی یک سامانه فرایندمحور خبر داد و افزود: این سامانه فرایندمحور در صورت ادامه پیدا کردن جنگ به ماکمک خواهد کرد (زمان) ارزیابی آسیب‌ها و رفع آسیب در مناطق کوتاه شود. در این سامانه به صورت مکانیزه فرایند خدمات‌رسانی تسریع می‌شود و با رصد سریع و به موقع مناطق، گروه‌های عملیاتی، امدادی و عمرانی در کمترین زمان به مناطق می‌رسند و با توجه به ارائه آمارهای به‌روز و سریع در حوزه مدیریت حوادث، بهتر عمل خواهد شد.

از لحاظ قانونی فقط جبران آسیب جزئی بر عهده شهرداری است

اعتصامی در ادامه با اذعان به این نکته که در بودجه ۱۴۰۵ دولت به حضور شهرداری در بازسازی مناطق توجیهی

او در ادامه خاطر نشان کرد: در اداره کل برنامه‌ریزی و بودجه تلاش کردیم تا جریان نقدینگی، هزینه شهر و مناطق را تا پایان سال احصا کنیم و برای کنترل اوضاع در زمان جنگ هزینه جاری، حفظ و نگهداری، هزینه عمرانی و منابع درآمدی را بررسی کردیم. در این مسیر یک اتفاق دیگری که در مدیریت نقدینگی رقم خورد حرکت به سمت افزایش بهره‌وری و صرفه‌جویی در هزینه‌های شهر بود. تصمیم گرفته شد با توجه به اینکه بودجه ۱۰۰ درصد پیش‌بینی شده است، هزینه‌های جاری تا ۲۵ درصد کاهش پیدا کند. البته این کاهش شامل حقوق و دستمزد نمی‌شود و تنها هزینه جاری شهر با صرفه‌جویی ادامه پیدا می‌کند.

به گفته اعتصامی، در ایام جنگ اداره کل برنامه‌ریزی و بودجه یکی از اعضای اصلی ستاد بازسازی بود که در این ستاد وظیفه تأمین زیرساخت اطلاعاتی، ارائه آمار و اطلاعات به‌روز از وضعیت آسیب دیدگی واحدها و روند بازسازی واحدهای آسیب دیده را برعهده داشت. بنا به گفته او، بیش از ۳۲ جلسه ستاد بازسازی

واریز وام‌ها و تسهیلات بانکی هم دچار مشکل شده. البته دولت و وزارت راه و شهرسازی در راستای کمک به تأمین منابع درآمدی شهرداری‌ها، طرح‌هایی را پیشنهاد داده‌اند.

مدیرکل برنامه‌ریزی و بودجه شهرداری اصفهان توجه به ظرفیت‌های جدید درآمدی مناطق با توجه به شرایط جنگ و کاهش صدور پروانه و منابع درآمدی را از دیگر تلاش‌های انجام شده در این مدت برشمرد و افزود: در جلساتی فرصت مناطق در قالب مولدسازی، تجمیع و صدور پروانه و زمینه تدقیق ارتفاعات که با کمک سازمان راه و شهرسازی فراهم شد، شناسایی شده و برای استفاده بهینه از این فرصت‌ها برنامه‌ریزی صورت گرفت تا بتوانیم منابع مالی جدیدی را تأمین کنیم و کاهش صدور پروانه در مناطق را جبران کنیم؛ اما این طرح‌ها و تغییرات (به سرعت) منجر به درآمدزایی نمی‌شود.

کاهش ۲۵ درصدی هزینه‌های جاری

همت جهادی در میدان بحران

گفت‌وگو با مجتبی عزیزان، مدیر گروه جهادی «نقطه اثر»

مشغول دیوارکشی مدرسه شهید قدوسی واقع در خیابان امام خمینی (ره)، شهرک قدس به طول ۵۰ متر هستیم؛ همچنین بازسازی یک خانه سرایداری مدرسه‌ای در شهرک امیرحمزه را در دست اقدام داریم. برای هر خانه آسیب دیده بدون در نظر گرفتن طرز تفکر اعضای خانواده کار انجام می‌گیرد و در کنار بازسازی، افراد گروه جهادی با اعضای خانواده‌های آسیب دیده همدلی می‌کنند و شنونده درد دل‌های آنان هستند. با وجود اینکه بیشتر اعضای گروه، صبح سر کارهای شخصی خودشان هستند و بعد از کار به کمک سایر جهادگران می‌آیند، شب‌ها هم میدان را خالی نمی‌گذارند و در موب‌های سطح شهر فعال هستند. امیدواریم به زودی بازسازی و ساخت همه منازل آسیب دیده با وحدت رویه و همدلی همه ارگان‌ها به پایان برسد.

بازسازی و مرمت ۴۶۰ واحد مسکونی

با شروع جنگ رمضان و از روزهای اول جنگ که مناطق مسکونی مورد اصابت قرار گرفت، گروه جهادی نقطه اثر هم کارش را شروع کرد. آواربرداری، تمیزکاری و تفحص شهدا از جمله کارهایی بود که انجام دادیم. پس از آرام‌تر شدن اوضاع، بازسازی و مرمت منازل آسیب دیده را شروع کردیم. از اندازه‌گیری، برش و نصب شیشه‌ها، تعمیر در و پنجره‌های آسیب دیده گرفته تا ساخت و گچ‌کشی دیوارها. گروه جهادی نقطه اثر ۸۰ عضو دارد که به‌طور متوسط روزانه ۲۰ نفر مشغول کار بازسازی شدند. هر قسمت کار به صورت تخصصی انجام شد و اولین گروهی بودیم که توانستیم ۴۶۰ واحد مسکونی محدوده کاوه، محله استخر فجر را تحویل بدهیم. خانواده‌ها کم‌کم در حال بازگشت و استقرار در منازلشان هستند. اکنون هم

تمام توان هر کاری می‌توانید انجام دهید. نام گروه جهادی مان را با توجه به فرمایش رهبر شهید، نقطه اثر گذاشتیم و از سال ۹۸ با شیوع کرونا کار جهادی مان را شروع کردیم. به این امر معتقدیم که اگر افراد با هر توانی کنار هم قرار بگیرند، می‌توانند بزرگ‌ترین کارها را انجام دهند. از آنجا که محرومیت فقط مالی نیست و اکنون از نظر سرانه مطالعاتی و کتاب‌خوانی بسیاری از افراد محروم هستند، قبل از شروع جنگ، مطالعه کتاب‌های رهبر شهید را شروع کردیم. کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» ایشان سال ۵۳ نوشته شده است؛ ولی مباحثی در کتاب مطرح شده که مربوط به زمان حال و حتی آینده می‌شود.

هم‌زمان با شیوع بیماری کرونا و از سال ۹۸، کارشان را با تشکیل گروه جهادی «نقطه اثر» شروع کردند و بعد با مباحث فرهنگی و جهاد تبیین کارشان را ادامه دادند؛ تا اینکه با توجه به شرایط، بحث‌های عمرانی و محرومیت‌زدایی نیز به کارشان اضافه شد. با آغاز جنگ رمضان هم آستین‌ها را بالا زدند، یاعلی گفتند و کار را شروع کردند؛ از آواربرداری و تفحص شهدا گرفته تا مرمت و بازسازی منازل آسیب دیده.

برای آشنایی بیشتر با فعالیت‌های این گروه جهادی پای صحبت‌های مجتبی عزیزان، مدیر گروه جهادی نقطه اثر می‌نشینیم.

تشکیل گروه جهادی نقطه اثر از سال ۹۸

حضرت آقا فرمودند: «هر جای دنیا هستی فکر کنید مرکز دنیاست و با



منیره فهامی



روایت همدلی از پشت لنز دوربین

گفت‌وگو با پژمان علمدارزاده، مدیر خانه هنر و فرهنگ «زین»



برخی آدم‌ها در روزهای عادی، راوی زندگی‌اند؛ دوربین به دست می‌گیرند، قصه‌ها را ثبت می‌کنند و لحظه‌ها را برای تاریخ نگه می‌دارند. اما در روزهای بحران، نمی‌توان فقط پشت دوربین ایستاد و تماشا کرد؛ باید در میدان بود، در کنار مردم، میان موکب‌ها، در کوچه‌های آسیب‌دیده و در جمع خانواده‌هایی که روزگار سختی را پشت سر می‌گذارند.

پژمان علمدارزاده، مدیر خانه هنر و فرهنگ «زین»، از جمله افرادی بود که با آغاز جنگ، فعالیت حرفه‌ای رسانه‌ای خود را به یک حرکت جهادی تبدیل کرد. او و همکارانش که سال‌ها در حوزه تولید مستند و برنامه‌های رسانه‌ای فعالیت داشتند، این بار دوربین‌هایشان را به میان میدان آوردند؛ میان مردمی که در سخت‌ترین روزها، جلوه‌هایی کم‌نظیر از همدلی، ایثار، مقاومت و وحدت را به نمایش گذاشتند. حضور در موکب‌ها، ثبت روایت‌های مردمی، ساخت مستند از خانواده‌های شهید، انعکاس واقعیت مناطق آسیب‌دیده و مقابله با روایت‌های نادرست، بخشی از فعالیت‌هایی بود که این گروه رسانه‌ای در روزهای جنگ دنبال کرد؛ فعالیت‌هایی که بیش از آنکه یک مأموریت حرفه‌ای باشد، تلاشی برای روایت حقیقت و ثبت حماسه مردم بود.

حضور جهادی رسانه‌ای‌ها در میدان

پژمان علمدارزاده با اشاره به فعالیت‌های مجموعه زین در ایام جنگ گفت: در نقاط مختلف شهر حضور داشتیم و به صورت جهادی کارهای رسانه‌ای انجام می‌دادیم. از مردم، موکب‌ها، کمک‌های مردمی و فضای عمومی شهر تصویربرداری می‌کردیم تا گزارش‌ها و تولیدات رسانه‌ای برای صداوسیما

و فضای مجازی آماده شود. او افزود: چون در نقاط مختلف حضور داشتیم، صحنه‌های بسیار زیبایی از همدلی مردم را مشاهده می‌کردیم؛ از جمله اینکه کارکنان یک بانک چایخانه‌ای راه‌اندازی کرده بودند و به مردم خدمات می‌دادند.

دوربین مخفی برای سنجش آمادگی مردم

مدیر خانه هنر زین درباره یکی از برنامه‌های تولیدی این مجموعه گفت: در چهارراه نوربازار یک دوربین مخفی طراحی کردیم تا میزان آمادگی مردم برای دفاع از کشور را بسنجیم. او توضیح داد: به افراد می‌گفتیم شرایط خاصی پیش آمده و احتمال دارد تا چند ساعت دیگر نیاز به اعزام نیرو باشد. واکنش‌ها بسیار جالب بود؛ بسیاری از خانواده‌ها بدون تردید اجازه می‌دادند همسر یا فرزندشان اعزام شود و در دفاع

از کشور حضور پیدا کند. علمدارزاده ادامه داد: نکته قابل توجه این بود که برخی از این افراد ظاهر مذهبی خاصی هم نداشتند؛ اما با روحیه‌ای مثال‌زدنی برای حضور در میدان اعلام آمادگی می‌کردند.

جلوه‌های ولایت‌پذیری و ایثار مردمی

او با اشاره به مشاهدات میدانی خود گفت: در روزهای جنگ جلوه‌های فراوانی از ولایت‌پذیری و ایثار مردم را می‌دیدیم. مدیر خانه هنر زین افزود: در موکب علیخانی پدر و پسری را دیدیم که از روزهای ابتدایی بحران مشغول پخت غذا برای نیروهای حاضر در میدان بودند. او می‌گفت: «ایام عید است اما هنوز به عیددیدنی نرفته‌ام و هر روز در موکب مشغول خدمت هستیم.» جالب اینکه تمام اعضای خانواده نیز در این مسیر همراه او بودند.

از تنورهای نان تا موکب‌های بین‌المللی

علمدارزاده با اشاره به فعالیت‌های مردمی در نقاط مختلف شهر تصریح کرد: در میدان علیخانی به صورت روزانه نان پخته می‌شد و مردم برای خدمت‌رسانی پای کار بودند. او افزود: در میدان بزرگمهر نیز هیئت‌های عراقی موکب برپا کرده بودند و به مردم و نیروهای حاضر در میدان غذا و چای ارائه می‌دادند. مدیر خانه هنر زین ادامه داد: در کنار این خدمات، غرفه‌های مشاوره، مهدکودک و برنامه‌های فرهنگی متعددی در موکب‌ها فعال بودند که فضای همدلی و مشارکت اجتماعی را تقویت می‌کردند.

تولید برنامه در دل بحران

او گفت: علاوه بر فعالیت‌های جهادی در موکب‌ها، تقریباً یک‌شب در میان برنامه ضبط می‌کردیم. مصاحبه‌های مردمی،





برنامه‌های ویژه و گزارش‌های میدانی بخش مهمی از فعالیت‌های رسانه‌ای ما در این ایام بود.

مردمی که از مقاومت سخن می‌گفتند

مدیر خانه هنر زین با اشاره به فضای عمومی جامعه در روزهای نخست بحران گفت: در همان روزهایی که بحث مذاکره مطرح می‌شد و حملات رژیم صهیونیستی به لبنان ادامه داشت، مردم در مصاحبه‌ها می‌گفتند که تا وقتی مردم لبنان زیر موشک هستند مذاکره نمی‌کنیم و اگر باز جنگ از سر گرفته شود، تا آخر ایستاده‌ایم. به گفته علمدارزاده، بسیاری از مردم معتقد بودند تا زمانی که مردم لبنان زیر آتش هستند، نباید از مقاومت عقب‌نشینی کرد. او افزود: آنچه در میان مردم مشاهده می‌کردیم، روحیه آزادی، صراحت و ایستادگی بود.

سراسری پخش شد.

روایت خانواده‌های شهید در قاب مستند

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مجموعه زین، تولید مستند درباره خانواده شهید بود. علمدارزاده تأکید کرد: تلاش کردیم با حضور در منازل شهید، بخشی از شخصیت، سبک زندگی و فعالیت‌های آنان را برای مردم روایت کنیم.

او افزود: برخی از این آثار بازخوردهای بسیار خوبی داشت و حتی از شبکه‌های سراسری پخش شد. پس از پخش مستندها، خانواده‌ها از اینکه یاد و نام عزیزانشان زنده نگه داشته شده بود، ابراز رضایت می‌کردند.

«ماکان»: روایتی از تنها مفقودالآثر میناب

مدیر خانه هنر زین درباره یکی از مستندهای شاخص این مجموعه اظهار کرد: مستند «ماکان» نخستین روایت کامل از تنها مفقودالآثر حادثه میناب بود که پدر این شهید اهل خمینی شهر است. به گفته او، این اثر توانست بخشی از زندگی و شخصیت این شهید را برای مخاطبان بازگو کند و از بیشتر شبکه‌های

اصلاح روایت‌های نادرست از میدان

علمدارزاده با تأکید بر اهمیت روایت صحیح حوادث گفت: گاهی روایت‌هایی نادرست از مناطق آسیب‌دیده منتشر می‌شد که با واقعیت فاصله داشت.

او افزود: تلاش کردیم با ساخت مستندها و گزارش‌های میدانی، حقیقت را به تصویر بکشیم و روایت درست را به مردم منتقل کنیم. مدیر خانه هنر زین ادامه داد: گاهی گفته می‌شد مردم از حضور در میدان خسته شده‌اند؛ اما همان شب با مردم مصاحبه می‌کردیم و آن‌ها می‌گفتند اگر سال‌ها هم لازم باشد در میدان می‌مانیم.

بازتاب جهانی تصاویر مردم آسیب‌دیده

علمدارزاده اظهار کرد: زمانی که تصاویر خانه‌های آسیب‌دیده و زندگی‌های از دست‌رفته مردم را در فضای مجازی منتشر می‌کردیم، مخاطبانی از کشورهای مختلف با دیدن این تصاویر ابراز ناراحتی می‌کردند. او افزود: بسیاری از آن‌ها باور نمی‌کردند که منازل مسکونی و زندگی شهروندان عادی هدف حملات قرار گرفته باشد.

روایتی از دو دوست که با هم شهید شدند

علمدارزاده در بخشی از سخنان خود به روایت شهید ملک‌احمدی و شهید احمدآبادی اشاره کرد؛ روایتی که برایش از تأثیرگذارترین و به‌یادماندنی‌ترین روایت‌ها شده است. مدیر خانه هنر زین گفت: این دونفر از سیزده‌سالگی با یکدیگر دوست بودند و در نهایت نیز در کنار هم به شهادت رسیدند. او افزود: شهید ملک‌احمدی در حالی راهی مأموریت شد که تولد یک‌سالگی دخترش نزدیک بود و پیکر مطهرش هم‌زمان با سالروز تولد دخترش به خانواده بازگشت. به گفته علمدارزاده، اعزام او داوطلبانه بود و با وجود مخالفت اولیه فرمانده، بر حضور در مأموریت اصرار داشت و سرانجام در کنار دوست دیرینه‌اش که او هم داوطلبانه اعزام شده بود، به شهادت رسید.

میدان‌هایی که از مردم لبریز بود

مدیر خانه هنر زین با اشاره به حضور گسترده مردم در برنامه‌های مردمی گفت: در میدان علی‌خانی هزاران نفر در برنامه‌ها و موبک‌ها حضور پیدا می‌کردند و فضای کم‌نظیری از مشارکت اجتماعی شکل گرفته

بود. او افزود: حتی در برخی مناسبت‌ها شاهد توزیع شیرینی، حضور ماشین عروس و برگزاری برنامه‌های شاد مردمی در کنار فعالیت‌های فرهنگی و خدماتی بودیم.

صحنه‌هایی که هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود

علمدارزاده در پایان به خاطراتی اشاره کرد که هرگز از ذهن او پاک نخواهد شد. او گفت: یکی از تأثیرگذارترین و ناراحت‌کننده‌ترین تصاویر مربوط به همسر شهید ملکی بود که در محله هفتون همسر و دو پسر سه‌ساله و پنج‌ساله‌اش به شهادت رسیده بودند. بخشی از دیوار حیاط منزلشان باقی مانده بود و نقاشی‌هایی که خودش با فرزندانش روی آن کشیده بودند هنوز دیده می‌شد و خیلی ما را متأثر کرد. مدیر خانه هنر زین همچنین از کاروان تاکسی‌های زردرنگی یاد کرد که ساعت‌ها فعالیت روزانه خود را تعطیل کرده بودند تا در برنامه‌های مردمی و حمایتی حضور پیدا کنند. او افزود: در مسجد قبا نیز شب‌های عید خانواده‌هایی را می‌دیدیم که شاید مدت‌ها بود برای خودشان آجیل نخریده بودند؛ اما با عشق و علاقه برای نیروهای امنیتی و خدمت‌رسان بسته‌های آجیل آماده می‌کردند.





پهنه‌های آسیب دیده منطقه ۴

حمزه- مهدیه- عالمه امینی- کردآباد- جانبازان

۲۲

همدانیان

۱۴

رکن الدوله

۲۷

کلمان

۵۱۷

۲۲ بهمن

۴۸۷

گزارش ارزیابی و جبران واحدهای آسیب دیده در منطقه

مجموع کار انجام شده

۴۹۶

مجموع خسارت

۱۰۶۷

مجموع احداث

۰

مجموع بازسازی کلی

۲

مجموع خسارت جزئی

۱۰۶۵

۲۰

میزان خسارت ثبت شده
(میلیارد تومان)

۵۰

برآورد خسارت
(میلیارد تومان)

آخرین وضعیت بازسازی‌ها

بازه زمانی
تکمیل بازسازی

آخر تیرماه

تعداد خانوار
اسکان داده شده

۲

تعداد بازدیدهای
انجام شده

۱۱۹۲

تعداد درخواست‌های
ثبت شده در سامانه

۱۳۳۴

آمار داده‌های ویژه نامه مربوط به بازه زمانی ۲۹ اردیبهشت تا ۲۱ خرداد ۱۴۰۵ است

پهنه‌های آسیب‌دیده منطقه ۵

کوی امام جعفر- کوی امام صادق (ع)

۵۳

بهار آزادی- چهارراه پلیس- شریعتی

۴۹۴

سپاهان شهر

۴۹۶

توحید- چهارباغ بالا- سیچان

۲۰۱

ارتش- فرح‌آباد- وحید

۵۲۱

گزارش ارزیابی وجبران واحدهای آسیب‌دیده در منطقه

مجموع کار انجام شده

۵۹۰

مجموع خسارت

۱۷۶۵

مجموع احداث

۱۹

مجموع بازسازی کلی

۹۵

مجموع خسارت جزئی

۱۶۵۱

گزارش خسارت‌ها به تفکیک کاربری واحدهای آسیب‌دیده

واحد مسکونی تجاری

۵

واحد اداری تجاری

۱۰

۹۷%

درصد آسیب‌ها به مناطق مسکونی است

واحد تجاری

۷۸

واحد مسکونی

۱۳۹۷

ارزش ریالی خسارت‌های وارد شده

محلۀ ارتش

محلۀ بهار آزادی

محلۀ سپاهان شهر

ریال ۲۸,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰

تجاری

مسکونی

اداری

میزان کمک نقدی شهرداری به واحدهای آسیب‌دیده در منطقه ۵

موارد فاکتوری

تاکنون مواردی که شهروند اعلام کرده است

ریال ۱۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

موارد جزئی

ریال ۸۵,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰

تعداد خودروهای آسیب‌دیده در منطقه: ۱۰۹

تعداد شهدای منطقه: ۶

میزان ودیعه مسکن پرداخت شده از طرف شهرداری به ساکنان خانه‌های آسیب‌دیده

۲۵ خانوار

تعداد خانوارهای اسکان داده شده

۲ محلۀ ارتش

۸ محلۀ بهار آزادی

۱ محلۀ سپاهان شهر

۱۱ خانواده



زهره سادات کاظمی

همت آباد و تنی زخمی از جنگ

مردم محله همت آباد خاطرات تلخ جنگ رمضان را بازگو می کنند



همت آباد از آن محله های قدیمی است که روزگار سخت، کم به خود ندیده. هرچند از امکانات شهری بهره چندانی ندارد و رد محرومیت بر تنش نشسته؛ اما همیشه تلاش کرده است چهره ای مقاوم و امیدوار از خود نشان دهد. مردم این محله در روزهای جنگ، بیشتر از سایر نقاط اصفهان در معرض آسیب و حمله قرار داشتند. هم جوار با یک منطقه نظامی، سهم این محله از تلخی های جنگ را بیشتر کرد و زخم های متعددی بر تنش به یادگار گذاشت. مردم محله در گفت و گو با «همت محله» از آن روزها می گویند.

آن روز خیلی وحشتناک بود

خانم مغازه دار روی چهارپایه رفته بود و شیشه های عریضات داخل قفسه را جابه جا می کرد. او از کسبه محله همت آباد و خیابان شهید خلیلی است. وقتی حمله اسرائیل به پادگان بدر آغاز شد، همت آباد به یکی از کانون های آسیب تبدیل شد. خانم مغازه دار آن روزها را به خوبی به یاد دارد و می گوید: «وقتی حمله سنگین شروع شد و صدای مهیب انفجارها مردم را هراسان از خانه ها و مغازه ها بیرون کشید، همه وحشت زده بودند. وقتی موشک های سنگر شکن را زدند، همه ریختند بیرون. شیشه های خانه ما هم شکست. خیلی از خانه ها خسارت دیدند. بیشتر مردم در زمان جنگ از محله رفتند. ما هم مدتی جای دیگری ماندیم.»

کمی مکث می کند و ادامه می دهد: «من روزی که محله را سنگین بمباران کردند، داخل مغازه مشغول کار بودم. مغازه را با وحشت بستیم و رفتیم. آن روز واقعاً وحشتناک بود.»

به خدا توکل کردیم و ماندیم

منصور فروغی، مردی میان سال است که حدود ۴۰ سال است در محله همت آباد مغازه بلورفروشی دارد. وقتی می فهمد خبرنگارم، با روی خوش جواب سلام را می دهد و می گوید: «خدا خیرتان بدهد؛ این روزها کار شما خیلی زیاد است.»

یکی از شیشه های سکوریت مغازه اش برابر موج انفجار خرد شده است. با وجود آسیب دیدگی مغازه، محله را ترک نکرده و در زمان جنگ در محله حضور داشته است. می گوید به خدا توکل کرده و در خانه اش مانده است. از نقش رهبری و حضورش در میدان و خالی نکردن صحنه سخن می گوید و ادامه می دهد: «خیلی از

همت آباد است. او سال هاست داخل محله میوه فروشی دارد و همیشه مغازه پر از اهالی محله است. دست خیری دارد و هوای خانواده های کم برخوردار را دارد. می گوید: «در زمان جنگ محله ما را خیلی می زدند. ما هم می ترسیدیم. روزهای اول که محله زیر آتش موشک دشمن بود، داخل مغازه بودم. دوربین های مدار بسته مغازه آن روزها ثابت کرده اند. روزهای پراضطرابی بود. خیلی از اهالی رفتند. خانه های نزدیک پادگان آسیب شدیدی دیدند و دیگر نمی شد در آن ها زندگی کرد.»

در حالی که تصاویر دوربین مدار بسته از زمان اصابت موشک را نشان می دهد، جزئیات آن روزها را روایت می کند: «مغازه همیشه شلوغ بود؛ اوایل جنگ هم همین طور. وقتی موشک می خورد، مردم داخل مغازه پناه می گرفتند. روزی که آن حمله رخ داد، تا سه ساعت خیابان پر از پشم شیشه و گردوغبار بود. اصلاً نمی شد نفس کشید. اوضاع خیلی خراب بود. هر بار حمله می شد، صدای

همسایه ها از محله رفتند و حق هم داشتند؛ شرایط سخت بود. محله ما خط مقدم بود. هر بار هواپیمای دشمن از این منطقه عبور می کرد، اینجا را می زد.»

حاج منصور روحیه ای قوی دارد. می گوید: «همیشه بار اصلی روی دوش طبقه مستضعف است. مردم این محله زحمتکش و از قشر ضعیف جامعه اند و در جنگ آسیب زیادی دیدند. مردمی اینجا زندگی می کنند که برای انقلاب و اهل بیت (ع) هزینه داده اند. محله ما شهیدان زیادی تقدیم کرده است.»

حاج منصور از بزرگی مردم ساکن در محله می گوید و اینکه مردم ضعیف محله همیشه در صحنه بوده اند و البته آن طور که باید به آن ها توجه نشده است. از آسیب شدید محله و نگاه ویژه مسئولان به محله گفت و خواست تا حرفش منعکس شود.

مردی از جنس مردم

حسن آقا از کسبه خوش نام و مردم دار

انفجار شدیدی می شنیدیم.» حسن آقا همان طور که مشتری هایش را راه می اندازد، ادامه می دهد: «تا شب عید توی محله بودیم؛ اما در زمان عید تعطیل کردیم. بعد از ۱۵ فروردین به محله برگشتیم. یک روز ساعت ۱۲ ظهر حمله شد، ساعت ۳ بعد از ظهر دوباره حمله کردند و غروب هم مجدداً حمله تکرار شد. فردای آن روز هم انفجار بسیار شدیدی رخ داد. آن حمله خیلی شدید بود. مردم جیغ می زدند و فرار می کردند. شیشه خانه های اطراف همه شکست. یک تکه آسفالت خیابان کنده شده بود و ترکش ها تا خانه های مردم می رسید.»

این جنگ با جنگ تحمیلی خیلی فرق داشت

خیابان شهید خلیلی در میانه یکی از محله های پرتراکم و پرجمعیت شهر قرار دارد. مغازه های اطراف خیابان همیشه پر از مشتری است و مردم در رفت و آمدند. کوچه های باریک و خانه های فشرده از ویژگی های اصلی همت آباد است. زندگی در جریان است و مردم تا حدی از اضطراب روزهای جنگ فاصله گرفته اند؛ اما هنوز هم از کنار برخی از آن ها که رد می شوی، می توانی به مکالمه آن ها در خصوص جنگ و روایت هایشان از آن روزها گوش کنی.

در میانه خیابان شهید خلیلی، دو نفر مشغول گفت و گو هستند. یکی مغازه دار است و لوازم می فروشد و دیگری از اهالی محله است. آقای کشاورز که شیشه مغازه اش شکسته و در زمان حمله درست در کنار مغازه بوده است، می گوید: «ما در



به سختی می شد نفس کشید. شیشه بیشتر مغازه های اطراف شکست. شاید این شرایط را آدم توی فیلم ها ببیند.»

هنوز می توانید آثار خسارت ها در محله ببینید

او ادامه می دهد: «به نظرم اولین حمله در ۱۲ اسفند اتفاق افتاد و بعد از آن چندین بار دیگر حملات سنگینی انجام شد. روزهای سختی بود و بسیاری از مغازه ها تا مسافت های طولانی در خیابان مشرف به محله آسیب دیدند. با اینکه جهادگران برای تعمیر خانه ها و مغازه ها اقدام کردند؛ اما هنوز هم آثار خسارت ها باقی مانده است. اگر در محله قدم بزنید، به خوبی می توانید رد پای جنگ را ببینید. تقریباً مرتب اطراف محله را هدف قرار می دادند. چند خودرو آسیب دید و قطعات بزرگ ترکش در نقاط مختلف فرود آمد؛ اما خدا به مردم رحم کرد و تلفات انسانی در محله نداشتیم.»

دستی نیز از روزهای خلوت و سنگین محله یاد می کند؛ روزهایی که بسیاری از مردم ناچار به ترک خانه هایشان شدند: «بعد از هشدارهای امنیتی و به دلیل شرایط نامطمئن، بسیاری از خانواده ها مجبور شدند خانه ها و مغازه های خود را تخلیه کنند؛ اما نیروهای بسیجی و جوانان محله برای حفاظت از اموال مردم در منطقه ماندند.» یک وانت سفید جلوی مغازه پارک شده است. نگاهش را به سمت وانت می چرخاند و ادامه می دهد: «بچه های بسیج شب ها داخل محله نگهبانی می دادند. داخل آن را پر از چوب می کردند و چون سرد بود، تا صبح آتش روشن می کردند تا بتوانند خودشان را گرم کنند.» او ادامه می دهد: «حدود یک ماه مغازه ما تعطیل بود و امکان فعالیت نداشتیم. محله کاملاً سوت و کور شده بود. امروز پیدا کردن جای پارک در این خیابان سخت است؛ اما آن روزها خیابان ها خالی از رفت و آمد بود. بعد از سیزدهم فروردین کم کم مردم برگشتند و زندگی دوباره جریان پیدا کرد.»

او در پایان از نقش نیروهای مردمی و گروه های جهادی یاد می کند؛ کسانی که در روزهای سخت کنار مردم ایستادند: «در محله ما خیران و نیروهای جهادی تلاش زیادی کردند. حتی خیران افغانستانی هم برای کمک آمده بودند. نیرو و امکانات آوردند تا به پاک سازی و بازسازی محله کمک کنند. بسیاری از خانه ها را سامان دادند و اجازه ندادند مردم در این شرایط سخت تنها بمانند.» همت آباد امروز آرام تر از روزهای جنگ است؛ اما رد زخم ها هنوز بر دیوار خانه ها، شیشه مغازه ها و خاطرات مردمش باقی مانده است. محله ای که در روزهای آتش و انفجار، سهم بزرگی از رنج را به دوش کشید؛ اما همچنان ایستاده است؛ با مردمی که از دل محرومیت و آسیب، روایت مقاومت و همدلی را ساخته اند.



سال تحویل و شب عید نداشت، می گوید: «برای سال تحویل در محله بودیم. کسی نبود. به گلستان شهدا رفتیم؛ اما ترس از حمله لحظه ای رهایمان نمی کرد. امسال سال تحویل را طور دیگری تجربه کردیم.» یکی دیگر از زنان وارد گود گفت و گو می شود و خاطراتش را این طور روایت می کند: «آن روزها همه ناراحت بودند. زندگی خیلی از خانواده ها آسیب جدی دید. وسایل خانه شان تخریب شد. شیشه همه خانه ها شکسته بود. بیشتر مردم این محله از قشر مستضعف اند و شرایط برایشان بسیار سخت شد. روزهای دشواری بود. روی پنجره ها برنوشته و پلاستیک کشیده بودیم و شب ها از سرما می لرزیدیم. بار اول که حمله شد، شیشه ها را عوض کردیم؛ اما حمله بعدی دوباره همه را شکست. برای تعمیر خانه ها آمدند؛ اما زندگی مان زیرورو شده بود.»

ابتدای خیابان شهید خلیلی، درست روبه روی پادگان بدر قرار دارد؛ جایی که آثار حملات دشمن هنوز به خوبی در آن دیده می شود. مهدی دشتی که برادر شهید هم هست، مغازه لوازم یدکی دارد. سال هاست کاسب خوش نام محله است. وقتی از روزهای حمله می گوید، ابتدا به خسارت های وارد شده به مغازه ها و خانه های اطراف اشاره می کند. دستش را به سمت کوچه کناری مغازه بلند می کند و می گوید: «اگر داخل این کوچه بروید، هنوز هم می توانید آثار آن روزها را ببینید. بعد از حمله، کوچه پر از سنگ، پشم شیشه و خرده شیشه شده بود. شدت انفجار به حدی بود که هوا از گردوغبار و پشم شیشه پر شده بود و

درباره روزهای جنگ می پرسم، اول دعا می کنند که آن روزها هرگز تکرار نشود. یکی از آن ها که به در خانه تکیه داده، می گوید: «ما زمان جنگ توی محله ماندیم. فقط ده روز اول به روستایمان رفتیم؛ اما زود برگشتیم. خدا کند آن روزها دیگر برنگردد. تمام شیشه های خانه شکست و دیوارها آسیب دید. آن روزها من چند کیلو وزن کم کردم.» خانم دیگری که روبه روی همسایه ها نشسته است، ادامه می دهد: «لوله گاز خانه ما بر اثر شدت انفجار شکسته شد و چند متر به داخل خانه پرتاب شد. خدا رحم کرد کسی داخل خانه نبود. سقف خانه آسیب جدی دید. یکی از همسایه ها که خانه اش نزدیک خیابان بود، خسارت زیادی دید و موج انفجار مرد خانه را به شدت به گوشه ای پرتاب کرده بود.»

کوچه ما شبیه غزه شده بود

زن اول دوباره وارد صحبت می شود: «من و دو همسایه دیگر در کوچه ماندیم؛ جایی برای رفتن نداشتیم. روز اولی که منطقه را زدند، خانه ها پر از سنگ و آوار شد. تکه های آهن از سمت پادگان تا داخل خانه ها آمده بود؛ حتی بخشی از موتور یک خودرو روی سقف خانه همسایه افتاده بود. یک قطعه بزرگ بتن هم از داخل پادگان به وسط باغچه ما پرتاب شد و گودالی عمیق درست کرد. کوچه ما شبیه غزه شده بود.»

او با یادآوری روزهای عید که محله در سکوت بود و دیگر شور و هیجانی برای

روزهای جنگ در محله بودیم. روزی که به محله حمله شد، درست کنار مغازه ایستاده بودم. واقعاً عجیب بود. من جنگ دیده ام؛ اما جنگ امروز با جنگ های گذشته خیلی فرق دارد. آن روز با همین رفیقمان مشغول صحبت بودیم و می گفتیم انگار خبری نیست که ناگهان صدای مهیبی آمد. وقتی صدای جنگنده ها را می شنیدیم، معمولاً جای دیگری را می زدند. آن روز هم که محله را هدف قرار دادند، فقط صدای اصابت را شنیدیم. وقتی حمله شد، همه روی زمین نشستیم. صدای بسیار وحشتناکی بود.»

طاهری که با شور و حرارت خاصی خاطرات روزهای جنگی را روایت می کند، ادامه می دهد: «وقتی محله را زدند، سوار موتور شدیم تا برویم ببینیم چه اتفاقی افتاده که دوباره حمله کردند. من زمین خوردم و بقیه هم افتادند روی سر من. واقعاً صحنه ترسناکی بود!» او از روزهای خلوت محله هم یاد می کند: «در دوران جنگ، اینجا خیلی خلوت شده بود. قسمت روبه روی پادگان تقریباً خالی شده بود. مردم خیلی آسیب دیدند.» آقای موسوی که خانه اش نزدیک محل مورد اصابت بوده و خیلی خسارت دیده بود، به سمت ما می آید. از او می خواهند تا داستان وضعیت خانه اش را تعریف کند: «خانه ما داخل یکی از این کوچه ها و روبه روی پادگان است. وقتی حمله شد، سنگ و بتن تا نزدیک خانه ها پرتاب می شد. یک روز که شدت حمله بالا بوده، یک تیر آهن از داخل پادگان به سمت خانه ما می آید و به دیوار برخورد می کند و شیشه های زیادی شکسته می شود. خدا رحمان کرد خانه نبودیم. بسیاری از همسایه ها رفتند؛ اما زندگی با همه سختی ها ادامه داشت.»

او در ادامه می گوید: «با وجود بمباران های مکرر، مردم محله مقاومت کردند. البته برخی خانه ها به شدت آسیب دیدند؛ به ویژه در کوچه های شمالی. در آن روزها چند مورد سرقت هم رخ داد؛ اما جوانان بسیجی و اهالی محله، شب ها برای تأمین امنیت نگهبانی می دادند.»

طاهری با افتخار از محله و مقاومت محله می گوید: «محله ما ضعیف است و شاید نگاه ویژه ای به محله نباشد؛ اما مردم بسیار خوبی دارد. شهدای زیادی تقدیم انقلاب کرده است. خود من برادر شهید هستم. خیابان ما صدها شهید دارد و مردمش همیشه پای کار بوده اند.»

او وقتی این جمله ها را می گفت، غرور خاصی در نگاهش بود و حس خوب همت آبادی بودن در نگاهش دیده می شد.

کاش آن روزها برنگردد!

در انتهای یکی از کوچه های باریک محله، چند زن روی صندلی های راحتی نشسته اند و گپ عصرانه با هم می زنند. وقتی از آن ها





پهنه‌های آسیب دیده منطقه ۶

آبشار	تخت فولاد	هزار جریب کوی امام - خسروپور	شیخ صدوق	همت آباد - سعادت آباد
۷۹	۱۸۳	۱۸۰	۲۵۰	۱۲۰۵

گزارش خسارت‌ها به تفکیک کاربری واحدهای آسیب دیده

اداری	مسکونی	تجاری
۵	۱۷۰۹	۹۲

گزارش ارزیابی وجبران واحدهای آسیب دیده در منطقه

مجموع کار انجام شده	مجموع خسارت	مجموع احداث	مجموع بازسازی کلی	مجموع خسارت جزئی
۶۵۰	۱۸۹۷	۶	۱۱۲	۱۷۷۹

ارزش ریالی هزینه‌ها به تفکیک محله (میلیارد ریال)

آبشار	تخت فولاد	سعادت آباد	کوی امام	هزار جریب	همت آباد	جمع
۱۲۰	۲۵	۳۱۵	۴۵	۱۷	۹۲۵	۱۴۴۷

تعداد خودروهای آسیب دیده در منطقه: ۱۰۰

میزان ودیعه مسکن پرداخت شده از طرف شهرداری

۳۲

میلیارد ریال (۸ واحد)

اعلام بازه زمانی اتمام بازسازی

۳

ماه

تعداد خانوارهای اسکان داده شده

۶۱

خانواده



فاطمه رجبزاده

شعارنویسندگان: «ایران»

یک گروه مردمی با تهیه شعارنویسندگان به دنبال وحدت در گردهمایی‌ها هستند

خصوصی که با یک شرایطی دنبالش بودیم، وارد عمل شدیم.

شرایطی که می‌گویید، چه بود؟ شعارنویسندگان چطور است؟

اولین نکته، درباره محتوای شعارنویسندگان بود: یکی اینکه، محتواهایی نوشته شود که روی آن نقاط اجماع همه اقشار جامعه، تمرکز داشته باشد؛ مثل وطن. ممکن است خیلی از افراد جامعه ما انقلابی نباشند یا میزان تعلقشان به رهبری یک جور نباشد، اما همه غیر از یک عده که احساس بیمارگونه‌ای دارند، وطن برایشان مهم است. این احساس بیمارگونه که می‌گوییم از این جهت است که احساس طبیعی هر آدمی وقتی به وطنش تعرضی بشود، این است که ناراحت باشد.

در فرم چه دقت نظری داشتید؟

اول اینکه، شعارنویسندگان به صورت درشت و خوانا نوشته شود؛ همچنین دست‌نویس بوده تا روح داشته و یک کار پرینت شده بی‌روح نباشد. کلا سعی کردیم عناصر هنری را در حد توان فهم هنری خودمان رعایت کنیم؛ مثلا استفاده از رنگ‌های پرچم در کلمات خاص، کوچک و بزرگ نوشتن، کادرنندی‌ها... حتی از کسانی که در حوزه هنر کار می‌کردند، برای نحوه نگارش کمک گرفتیم و روی مقوای ۷۰ در ۱۰۰ نوشتیم؛ به این صورت که روی هر شعارنویسندگان فقط یک کلمه یا نهایتا دو کلمه که درشت باشد و از دور دیده شود، نوشتیم.

در نهایت، زمانی که چراغ قرمز است، سر چهارراه، این شعارنویسندگان همچون نمایی خیابانی، ظاهر می‌شوند؛ حتی روی حالت چهره‌هایمان در برخورد با مخاطب هم فکر کردیم؛ اینکه هرکسی کدام شعارنویسندگان را دستش بگیرد، اینکه تمام کسانی که شعارنویسندگان دست می‌گیرند، شبیه هم نباشند، متنوع باشند؛ یعنی تنوعی از افکار و پوشش‌های مختلف. ما واقعا دلمان می‌خواهد اگر کسی دوست دارد کاری برای وطن انجام دهد، بتواند جایی در این جمع داشته باشد؛ نه با نمایش و ادا، واقعا این پذیرش را در خصوص افکار و اعتقادات مختلف داشته باشیم؛ نه اینکه آن بنده‌خدایی که حجاب شرعی ندارد و دلش می‌خواهد در چنین جمع‌هایی حضور داشته باشد، علاوه بر فشاری که از طرف اطرافیان‌شان تحمل می‌کند، فشاری هم از سمت امثال ما متحمل شود.



توجهی نداشتند به اینکه مسیر حرکتشان باعث راه‌بندان نشود. برای ما خیلی مهم بود که این کنشمان طوری نشود که دغدغه مقدسمان باعث ضایع شدن حقوقی شود و حاشیه‌هایی پیش آید که هدف اصلی را زیر سؤال ببرد؛ حتی گاهی اوقات به موبک‌ها تذکر می‌دادیم که برای چنین مواردی مواظبت داشته باشند. پس در مجموع روی قالب کار متمرکز بودیم تا اگر اشکالاتی هست، اصلاح شود و اگر برخی چیزها دیده نمی‌شود، به کار اضافه شود.

این دغدغه‌ها را چطور پیگیری کردید و در نهایت به کجا رسیدید؟

کمی زمان گذاشتیم که از یک طرف، خودمان صحبتی داشته باشیم و از طرفی، با گروه‌های مختلفی صحبت کردیم تا ببینیم اصلا دغدغه ما، دغدغه باصالتی هست که ارزش پرداختن داشته باشد؟ در همین راستا به یک سری جمع‌بندی‌هایی رسیدیم. در ابتدا برای پیاده‌کردن اهدافمان با یکی دو موبک صحبت کردیم تا با همکاری هم کار را جلو ببریم؛ با این حال، بعد از مدتی دیدیم آنچه در ذهن ما بود، برخی عملی می‌شود و بعضی را نمی‌توان به طور کامل کنترل کرد؛ یعنی همان چالش‌ها ادامه پیدا می‌کرد؛ خصوصا که یکی از چالش‌های اصلی ما ناظر به برخی رفتارها بود.

وقتی در موبک‌ها به نتیجه نرسیدید، چه کردید؟

تصمیم گرفتیم خودمان کار را شروع کنیم. گفتیم به هر حال وارد عمل می‌شویم و درخلاس ایده‌های جدید را عملی می‌کنیم؛ چراکه اگر بخواهیم همین‌طور در مرحله ایده‌پردازی بمانیم، ماه‌ها ممکن است کار طول بکشد. اولین قدممان هم این بود که با نوشتن شعارنویسندگان، با محتواهای به

پیدا کرد. به سبب همین ارتباط، ایشان از ابتدای این تجمع‌ها دغدغه‌شان درباره قوت بخشیدن به تجمع‌ها را با بنده مطرح کردند و بعد از اینکه هم‌افق شدیم، به دنبال راهکاری برای پیاده‌کردن ایده‌هایمان در راستای آن دغدغه بودیم. اکنون هم در همین راستا به نمایش شعارنویسندگان در خیابان رسیده‌ایم. این خلاصه چرایی و چگونگی فعالیت‌های فعلی‌مان بود. اما درباره جزئیاتش، روند این‌طور بود که بعد از شهادت رهبری و حضوری که در خیابان داشتیم، از خودمان می‌پرسیدیم «خب، حالا همین که ما می‌آییم بیرون و پرچم تکان می‌دهیم و خیابان‌ها را تنها گذاشته‌ایم، آیا کافی است یا نباید به همین کار اکتفا کنیم و شاید بشود کاری فراتر از این انجام داد؟ حیف است که صرفا به حضورمان اکتفا کنیم. نه اینکه ارزش نداشته باشد؛ ولی در درازمدت ممکن است کارایی‌اش به دلایل مختلف کم شود.»

مثلا به این دلیل که از همه ظرفیت‌هایش برای جامعیت بیشتر استفاده نمی‌کند یا به این دلیل که برخی دقت‌ها نمی‌شود. به طور عینی تر بگویم، ما به این فکر می‌کردیم: آیا واقعا همه کسانی که دغدغه وطن دارند، الان در خیابان‌ها هستند یا فقط بخشی از مردم حضور دارند؟ همچنین اگر این حضور در خیابان به شکل دیگری انجام شود، باعث نمی‌شود یک سری افراد دیگر به حضور در خیابان تمایل پیدا کنند؟

پس اولین دغدغه ما این بود که بستری برای عموم اقشار مردم فراهم کنیم. از طرفی، می‌دیدیم بعضی قالب‌هایی که برای حضور خیابانی انتخاب شده، قالبی است که خودمان هم به آن نقد داریم؛ مثلا گاهی در نزدیکی مراکز درمانی یا محله‌های مسکونی، صدای بلندی از بلندگوها پخش می‌شد یا مثلا بعضی کاروان‌های خودرویی

چهارراه آبشار، پشت چراغ‌قرمز، دختران و پسرای را شعارنویسندگان به دست می‌بینید، شعارنویسندگان بزرگ، با خطی خوانا و نستعلیق، تک‌کلمه‌هایی که در کنار هم ایستاده‌اند و جمله‌های متفاوتی را ساخته‌اند؛ همگی تداعی‌کننده یک معنی: «ایران». هرچه بیشتر می‌گذرد و ما بیشتر سری به گوشه‌وکنار شهر می‌زنیم، تکراری و وسیع‌تر را می‌بینیم؛ تا آنجا که شاید آن قدرها هم اغراق‌آمیز نباشد اگر بگوییم شب‌ها در خیابان، حضوری هست به پهنای عرض‌های جغرافیایی ایران. در همین گذرهایمان با دو مادر و درواقع دو دوست آشنا شدیم. می‌گویند آشنایی‌مان از هم‌کلاسی بودن دخترهایمان در مدرسه شروع شده است و حالا خودمان دوست‌تر از آن‌ها شده‌ایم. این دو بانوی دغدغه‌مند، نجمه فرزانه‌خو، مشاور و مدرس دانشگاه و لیلادادات داوودی، دندان‌پزشک هستند. به‌ظاهر حوزه تخصصی‌شان آن قدر از هم فاصله دارد که شاید جمع‌شان چندان ممکن نباشد؛ اما به گفته خودشان، «ایران» آن‌ها را به هم پیوند زده است. نجمه فرزانه‌خو از تئاتر خیابانی شعارنویسندگان می‌گوید؛ از اینکه به نظرشان آمده در تجمع‌های خیابانی، برخی چیزها هزینه‌تراشی می‌کند و باید حذف شود و از سوی دیگر، برخی چیزها جای خالی‌شان به چشم می‌خورد؛ پس تصمیم گرفته‌اند در گوشه‌ای از خیابان، ایده‌هایشان را پیاده کنند؛ آن‌ها هم مثل همه شهروندان دیگر، دیدگاه‌هایی دارند که در این گزارش به دنبال رد یا تأیید آن نیستیم؛ بلکه مهم نمایش تکرار در عین وحدت است.

از خودتان بگویید.

بنده دانش‌آموخته حوزه علمیه (سطح دو) هستم. بعد از آن در مقطع کارشناسی‌ارشد و دکتری وارد رشته مشاوره شدم؛ در همین حیطه، هم در مدرسه مربیگری کرده‌ام و هم در زمینه فرزندپروری و درمان اختلال‌های کودک و نوجوان به‌طور تخصصی فعالیت دارم؛ در کنار اینکه مدرس دانشگاه هم هستم. این توضیحی درباره زمینه شغلی‌ام بود که البته همواره به اشکال مختلف، توأم با دغدغه‌های فرهنگی بوده و حالا به کنشگری در خیابان رسیده‌ام.

توضیحی درباره این کنشگری بدهید؛ از کجا شروع شد؟

بنده از چندسال پیش با خانم دکتر داوودی، به خاطر ارتباط دخترهایمان در مدرسه، آشنا شدم و روابطمان گسترش

مسجد روزهای آتش و اضطراب

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حامد جدیدی، امام جماعت مسجد امام حسن (ع)



و مسجد انجام شد؛ همچنین برای جلوگیری از حمله و یا اغتشاشات احتمالی هر شب در مسجد حضور داشته‌ایم تا از مسجد و محله محافظت کنیم.

جهاد تبیین؛ روایت حقیقت در روزهای جنگ

یکی از مهم‌ترین محورهای فعالیت مسجد در این ایام، برگزاری جلسات جهاد تبیین بود. جدیدی اظهار کرد: در مسجد، موکب و همچنین در نقاط مختلف شهر و شهرستان‌های دیگر، از شاهین شهر گرفته تا فلاورجان، جلساتی برای تبیین علل جنگ، ضرورت مقاومت و تحلیل حوادث جنگ برگزار شد تا مردم نسبت به رخدادهای روز آگاهی بیشتری پیدا کنند.

تقویت معنویت برای افزایش تاب‌آوری اجتماعی

او با اشاره به اهمیت تقویت روحیه معنوی مردم گفت: برگزاری دعای توسل، قرائت سوره فتح، نماز استغاثه و دیگر برنامه‌های معنوی از جمله اقداماتی بود که برای افزایش امید، تقویت ایمان و حفظ روحیه مقاومت در مسجد و موکب برگزار شد.

مدیریت محله محور یا محوریت مسجد

امام جماعت مسجد امام حسن (ع) با اشاره به ظرفیت‌های مردمی موجود در محله خاطر نشان کرد: در چارچوب طرح مدیریت محله محور، تلاش شد با شناسایی نیروها و ظرفیت‌های مردمی، از توان مردم برای اداره بهتر امور محله و مسجد، چه پیش از جنگ و چه در ایام بحران، استفاده شود.

موکب مسجد امام حسن (ع)؛ پایگاه همدلی و مقاومت اجتماعی

موکب مسجد امام حسن (ع) از نخستین شب‌های جنگ فعالیت خود را آغاز کرد و تاکنون به صورت مستمر به فعالیت ادامه داده است. جدیدی با اشاره به موقعیت ویژه این موکب در نزدیکی ترمینال کاوه گفت: این موقعیت باعث شد خدمات و برنامه‌های آن، علاوه بر مردم محله بر مسافران و رهگذران نیز تأثیرگذار باشد. او افزود: اطعام عمومی، توزیع لقمه و چای، پخت نان، پذیرایی از نیروهای مردمی و فعالان جهادی و ایجاد فضایی برای همدلی و انسجام اجتماعی از جمله فعالیت‌های مستمر این موکب بوده است.

گشت‌های شبانه برای حفظ امنیت محله

با تخلیه برخی منازل آسیب‌دیده و نگرانی از وقوع سرقت، نیروهای بسیج و فعالان مسجد اقدام به برگزاری گشت‌های شبانه در سطح محله کردند. امام جماعت مسجد امام حسن (ع) گفت: تأمین امنیت منازل خالی از سکنه، مغازه‌ها و بخشی از بازار صفا که آسیب دیده بود، با مشارکت نیروهای بسیج

روحیه، افزایش تاب‌آوری اجتماعی و کمک به عبور آنان از روزهای سخت دوری از خانه شد.

مسجد؛ حلقه ارتباطی مردم و مسئولان

جدیدی از برگزاری جلسات متعدد با مسئولان شهری و منطقه‌ای خبر داد و گفت: مسجد در این ایام نقش واسطه و رابط میان مردم و مسئولان را ایفا می‌کرد و تلاش داشت مطالبات، مشکلات و درخواست‌های شهروندان آسیب‌دیده را به دستگاه‌های مرتبط منتقل کند.

حرکت هر شب کاروان خودرویی در خیابان‌های منطقه

یکی از برنامه‌های شاخص مسجد امام حسن (ع)، برگزاری کاروان خودرویی در سطح منطقه ۷ بوده است. این کاروان هر شب از مقابل مسجد حرکت می‌کند و در اکثر خیابان‌های منطقه به گردش درمی‌آید. جدیدی، هدف از این اقدام را تقویت روحیه مقاومت، ایجاد امید و افزایش انسجام اجتماعی در میان مردم عنوان کرد.



جنگ تنها صدای انفجار و ویرانی نیست؛ جنگ آزمونی است برای سنجش استقامت دل‌ها، همبستگی مردم و نقش نهادهای مردمی در حفظ آرامش و امید. در روزهایی که سایه تهدید و ناامنی بر شهر گسترده شده بود و هر لحظه خبر تازه‌ای از حملات و خسارت‌ها به گوش می‌رسید، برخی سنگرها فراتر از یک ساختمان یا مکان فیزیکی عمل کردند؛ سنگرهایی که مأمون مردم شدند و با تکیه بر ایمان، همدلی و حضور میدانی، چراغ امید را در دل محله‌ها روشن نگه داشتند. مسجد امام حسن (ع) واقع در خیابان کاوه، یکی از همین پایگاه‌های مردمی بود؛ مسجدی که سال‌ها به عنوان یکی از مساجد فعال منطقه و با همراهی پایگاه بسیج شهید صیاد شیرازی، در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و خدماتی نقش آفرینی کرده است. در روزهای جنگ نیز این مسجد نه تنها درهای خود را به روی مردم نبست؛ بلکه به کانونی برای خدمت‌رسانی، جهاد تبیین، تقویت روحیه مقاومت و انسجام اجتماعی تبدیل شد.

مسجد آسیب‌دیده؛ اما خدمت‌رسانی ادامه پیدا کرد

حجت‌الاسلام والمسلمین حامد جدیدی، امام جماعت مسجد امام حسن (ع)، با اشاره به شرایط منطقه در ایام جنگ گفت: منطقه اطراف مسجد در طول این ایام شش بار مورد اصابت قرار گرفت و با وجود نزدیکی محل انفجارها به مسجد، شیشه‌ها، سقف کاذب و بخشی از تأسیسات برق مسجد آسیب دید؛ اما فعالیت‌های مسجد متوقف نشد و این مجموعه همچنان به ارائه خدمات و همکاری در حوزه‌های مختلف ادامه داد. او افزود: حضور میدانی، روحیه بخشی به مردم، همکاری در تأمین امنیت و پیگیری مسائل خانواده‌های آسیب‌دیده از مهم‌ترین اقدامات مسجد در این ایام بود.

دلجویی از خانواده‌های آسیب‌دیده و پیگیری مشکلات مردم

امام جماعت مسجد امام حسن (ع) با بیان اینکه بسیاری از خانه‌های آسیب‌دیده در اطراف مسجد قرار داشتند، اظهار کرد: بخش زیادی از این خانواده‌ها از اعضا و مخاطبان مسجد بودند. اگرچه مسئولیت اصلی رسیدگی به خسارت‌ها بر عهده شهرداری و دستگاه‌های اجرایی بود؛ اما مسجد با سرکشی مستمر، دلجویی و پیگیری مشکلات مردم، تلاش کرد بخشی از دغدغه‌های آنان را کاهش دهد. او ادامه داد: ارتباط مستمر با خانواده‌های آسیب‌دیده موجب حفظ



حضور داشتند.

مداخلی حماسی در دل خاموشی و انفجار

اودر پایان به یکی از خاطرات ماندگار این روزها اشاره کرد و گفت: هر زمان منطقه مورد هدف قرار می‌گرفت، بلافاصله با پخش مداخلی‌ها، دعاها و سخنرانی‌های حماسی تلاش می‌کردیم روحیه مردم حفظ شود. حتی در یکی از حمله‌ها که برق منطقه قطع شده بود، با استفاده از موتور برق مداخلی را پخش کردیم تا مردم احساس تنهایی و ناامنی نکنند و روحیه مقاومت در محله زنده بماند. مسجد امام حسن(ع) در روزهای جنگ، فراتر از یک مکان عبادی، به سنگری برای خدمت، همدلی، امیدآفرینی و مقاومت اجتماعی تبدیل شد؛ سنگری که نشان داد در سخت‌ترین شرایط نیز می‌توان با تکیه بر مردم، ایمان و همبستگی، از دل تهدیدها فرصت ساخت و چراغ امید را روشن نگه داشت.

وحدت اقشار مختلف مردم در سایه مسجد

امام جماعت مسجد امام حسن(ع) یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این ایام را حفظ وحدت اجتماعی دانست و گفت: افراد با سلیق و دیدگاه‌های مختلف سیاسی و اعتقادی در کنار مسجد و موبک گرد هم آمدند و توانستند در فضایی صمیمی و همدلانه، برای حل مشکلات و کمک به یکدیگر همکاری کنند.

حضور میدانی برای مقابله با ناامنی‌های احتمالی

برگزاری برنامه‌هایی همچون پرچم‌گردانی، استقرار نیروهای مردمی در اطراف مسجد و گشت‌های امنیتی موتوری از دیگر اقدامات انجام‌شده در روزهای جنگ بود. جدیدی تأکید کرد: در گرما، سرما و شرایط مختلف جوی، نیروهای مردمی و بسیجی برای حفظ امنیت محله و آرامش مردم در میدان

حمایت از نیروهای خدمت‌رسان و نهادهای مسئول

جدیدی با اشاره به همکاری مسجد با دستگاه‌های مختلف اظهار کرد: در این ایام، مسجد به پایگاهی برای استقرار و پشتیبانی نیروهای خدماتی و امدادی از جمله شهرداری، نیروی انتظامی، شرکت گاز و سایر مجموعه‌های فعال در منطقه تبدیل و خدمات لازم به این نیروها ارائه شد.

مسجد؛ پناهگاه مردم و مسافران

او تصریح کرد: مسجد در روزهای جنگ محل استراحت، اسکان موقت و خدمت‌رسانی به مسافران، نیروهای خدماتی و عموم مردم بود و تلاش شد فضای امن و آرامی برای مراجعه‌کنندگان فراهم شود.

آموزش‌های عمومی برای مقابله با شرایط بحران

برگزاری کلاس‌های آموزشی عمومی از دیگر برنامه‌های موبک و مسجد در روزهای جنگ بود. به گفته جدیدی، آموزش مدیریت بحران، کنترل استرس و اضطراب، امداد و نجات، کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان، مدیریت مصرف انرژی و مسائل اقتصادی با همکاری دستگاه‌ها و نهادهای مختلف در مسجد و موبک برگزار شد.

فضاسازی محیطی برای تقویت وحدت و مقاومت

او همچنین از اجرای برنامه‌های گسترده فضاسازی در مسجد و سطح محله خبر داد و افزود: نصب پرچم‌ها، بنرها و نمادهای فرهنگی با هدف تقویت روحیه مقاومت، وحدت ملی و انسجام اسلامی انجام شد تا مردم حول محور ایران قوی و مقتدر، همدل و همراه باقی بمانند.



پهنه‌های آسیب‌دیده منطقه ۷

شرکت گاز

۲۴۸

ایتیک

۱۰۰۵

استخر فجر

۴۷۶

گزارش ارزیابی وجبران واحدهای آسیب‌دیده در منطقه

مجموع کار
انجام شده

۹۰۰

مجموع
خسارت

۱۷۲۹

مجموع
احداث

۲۰

مجموع
بازسازی کلی

۳۵۰

مجموع
خسارت جزئی

۱۳۵۹

تعداد خودروهای آسیب‌دیده در منطقه: ۱۵۰

تعداد شهدای منطقه: ۸

۵۰ خانوار

میزان ودیعه مسکن پرداخت‌شده از طرف شهرداری به ساکنان خانه‌های آسیب‌دیده

اعلام بازه زمانی اتمام بازسازی منطقه ۷

پیش‌بینی می‌شود تا یک ماه دیگر بازسازی‌های جزئی حل شود؛ ولی بازسازی کامل منازل تا ۶ ماه



زهره سادات کاظمی

اولویت شهرداری باید کاهش

دبیر کل انجمن علمی اقتصاد شهری ایران معتقد است که



شرایط جنگ و تبعات ناشی از آن، شهرداری‌ها و مدیریت شهری را بیشتر از سایر ارگان‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان منابع مالی شهرداری که بیشتر از راه ساخت‌وساز و فروش پروانه تأمین می‌شود دچار آسیب جدی می‌شود و این آغاز کاهش منابع مالی و ضربه دیدن اقتصاد شهرداری‌هاست. در کنار این مسائل، گذاشتن بار مسئولیت بازسازی مناطق آسیب‌دیده جنگ بر دوش شهرداری‌ها با توجه به منابع درآمدی این ارگان، می‌تواند چالش جدی برای شهرداری به وجود بیاورد. توجه به منابع مالی جدید و راه‌های برون‌رفت از این چالش را با دکتر سید محسن طباطبایی، عضو هیئت علمی دانشگاه و دبیرکل انجمن علمی اقتصاد شهری ایران در میان گذاشتیم. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی «هم‌محل» با این استاد دانشگاه است.

آینده را طراحی کرد؛ برای مثال شهرداری زیرساخت‌های عمومی (آب، برق، معابر) را تأمین کند و مالکان، هزینه اسکلت و نما را بپردازند یا واحدهای تجاری ساخته شده را پیش‌فروش کند تا منابع نقدی اولیه فراهم شود.

توجه به صندوق‌های محلی هم کارساز است. می‌توان با کمک بانک‌ها صندوق‌های خرد محلی ایجاد کرد که شهروندان منطقه بتوانند در آن سرمایه‌گذاری کنند و بازدهی آن از محل ارزش افزوده ایجاد شده توسط بازسازی (مثل افزایش ارزش ملک یا اجاره واحدهای تجاری) تأمین شود.

نکته قابل توجه این است که به جای تمرکز بر «تأمین پول بیشتر»، اولویت با «کاهش نیاز به پول از طریق حذف هزینه‌های مازاد» است. بسیاری از پروژه‌های بازسازی شهری، ۳۰ تا ۵۰ درصد هزینه اضافی دارند که ناشی از دوباره‌کاری، انبارش مصالح، هماهنگی‌های زائد و انتظار است. رفع این اتلاف‌ها، بزرگ‌ترین منبع مالی پنهان شهرداری است.

شهرداری‌ها برای تأمین منابع مالی بازسازی مناطق آسیب‌دیده، به جای توسل به روش‌های سنتی مانند استقراض یا فشار بر بودجه جاری، باید بر حذف اتلاف و جلب مشارکت هوشمندانه تمرکز کنند. یکی از این روش‌ها، بازیابی ارزش از نخاله‌هاست. به جای خرید مصالح نو، با احداث کارگاه‌های سیاست تفکیک و بازیافت نخاله در همان منطقه، مصالح قابل استفاده (آجر، بتن خرد شده، آهن‌آلات) را دوباره به چرخه بازسازی برگردانند. این کار هم هزینه تأمین مصالح را تا حد زیادی کاهش می‌دهد و هم هزینه حمل و دفن نخاله حذف می‌شود؛ همچنین با شرکت‌های سازنده مصالح و تجهیزات، قراردادهای بلندمدت «برنده برنده» ببندد که در قبال تأمین مالی اولیه پروژه، بازپرداخت تدریجی از محل درآمدهای آتی شهرداری یا تخفیف در عوارض ساختمان‌های نوساز انجام شود؛ همچنین می‌توان به جای تأمین کل هزینه توسط شهرداری، الگوی «بازسازی به‌ازای افزایش عوارض» یا «مشارکت در منافع

ندارند. بدون فرایند بازتاب مشکلات از خط مقدم به مدیران، خطاهای مشابه در پروژه‌های مختلف تکرار می‌شود. نادیده گرفتن تقاضای شهروندان از دیگر تبعات است. شهروندان مناطق آسیب‌دیده خواستار سرعت و کیفیت مشخصی هستند؛ اما ساختار دیوان‌سالار شهرداری معمولاً به جای پاسخ به نیاز واقعی، بر اجرای دستورالعمل‌های از پیش نوشته تمرکز دارد. به نظر می‌رسد راه حل مناسب برای کاهش تبعات، سپردن بازسازی به یک گروه متمرکز با اختیارات کامل (شبیه گروه‌های عملیاتی چابک) است که کل جریان ارزش را از تخریب تا تحویل مدیریت کند و با شاخص‌هایی مثل زمان خالص بازسازی هر واحد (نه تعداد ماشین‌آلات یا حجم بودجه) ارزیابی شود. شهرداری نقش تسهیلگر و رفع موانع نظارتی را داشته باشد؛ نه مجری دست‌وپاگیر.

به نظر شما شهرداری‌ها برای تأمین منابع مالی بازسازی‌ها باید چه تمهیداتی بیندیشند؟

همان‌طور که می‌دانید وظیفه بازسازی مناطق آسیب‌دیده در کلان‌شهرها بر عهده شهرداری‌هاست. به نظر شما این مسئله چه تبعاتی برای شهرداری‌ها خواهد داشت؟

از دیدگاه «تفکر ناب» (چابک‌اندیشی)، واگذاری بازسازی مناطق آسیب‌دیده به شهرداری‌ها اگر بدون بازطراحی فرایندها انجام شود، تبعات مختلفی دارد. شهرداری‌ها معمولاً ساختار وظیفه‌محور و غیرچابکی دارند که باعث دوباره‌کاری، تأخیر در تأمین مصالح، هماهنگی‌های زائد بین واحدها و انباشت کار نیمه‌تمام می‌شود؛ همچنین ورود پروژه‌های بازسازی اوزرآنسی، برنامه‌های عادی نگهداری شهر را مختل کرده و منابع انسانی و تجهیزات را از خدمت به کل شهر منحرف می‌کند. در نتیجه، هم بازسازی کند پیش می‌رود و هم خدمات روزمره دچار اختلال می‌شود. شهرداری‌ها عادت به حلقه‌های سریع یادگیری و بهبود



نیاز به پول باشد، نه تأمین پول

شهرداری باید شبیه یک بنگاه اقتصادی، چابک عمل کند

الان که فصل بودجه‌ریزی گذشته است، چگونه می‌توان منابع مالی شهرداری را برای بازسازی هادوباره بازتعریف کرد؟

وقتی فصل بودجه‌بندی گذشته و منابع مالی محدود است، شهرداری‌ها نباید به دنبال «دریافت پول جدید» باشند؛ بلکه باید نیاز به پول را از طریق حذف اتلاف و تغییر روش اجرا کاهش دهند. یکی از تمهیداتی که می‌توان در این حوزه پیشنهاد داد، بازتعریف دامنه پروژه بر اساس منابع موجود است. به جای بازسازی کامل و هم‌زمان همه واحدها، پروژه را به فازهای کوچک و خودپایان (مثل یک کوچه یا یک بلوک) تقسیم کنند. با اتمام هر فاز، ارزش ایجادشده (مثل فروش یا اجاره واحدها) منبع مالی فاز بعدی را تأمین کند. یکی دیگر از شیوه‌ها، بستن قراردادهای عودت هزینه با پیمانکاران است. با پیمانکاران محلی قرارداد ببندند که در قبال شروع فوری کار، پرداخت اصلی پس از اتمام پروژه و از محل درآمدهای حاصل از بازسازی (مثل افزایش عوارض یا فروش واحدها) انجام شود. پیمانکاران به جای دریافت نقدی، سهمی از ارزش افزوده آینده می‌برند؛ همچنین بسیاری از منابع شهرداری در انبارهای مصالح، ماشین‌آلات نیمه‌کاره یا پروژه‌های راکد بلوکه شده است که با شناسایی و فروش یا تسریع این اقلام، نقدینگی بدون نیاز به بودجه جدید آزاد می‌شود.

از دیگر شیوه‌ها این است که واحدهای تخریبی یا نیمه‌کاره را با مشارکت سرمایه‌گذاران خرد به واحدهای موقت درآمدزا (مثل پارکینگ، غرفه‌های تجاری موقت یا انبار) تبدیل کنند تا همان منطقه هزینه بازسازی خود را تأمین کند. باید تأکید کنم در شرایط کمبود منابع، یک روز تأمین نشدن مصالح یا هماهنگی زائد میان واحدها، معادل «سوختن سرمایه» است. با تشکیل گروه‌های سریع بهبود (کایزن) در مسیر جریان ارزش بازسازی، گلوگاه‌ها را حذف کنند. هر ساعتی که کار متوقف شود، هزینه پنهان دارد. در تفکر ناب، «کمبود منابع» اغلب نشانه «اتلاف پنهان منابع» است. به جای درخواست اعتبار جدید، شهرداری باید با یک نقشه جریان ارزش (ارزش‌نگاری) مشخص کند که چه مقدار از منابع صرف فعالیت‌های بدون ارزش افزوده (انتظار، جابه‌جایی بی‌مورد، دوباره‌کاری) می‌شود. حذف این اتلاف‌ها، بزرگ‌ترین منبع مالی در دسترس است.

یعنی به نظر شما در وضعیت فعلی تلاش برای ایجاد منابع مالی جدید اهمیت کمتری دارد؟

بله؛ توجه به منابع مالی جدید در شرایط جنگی اهمیت کمتری نسبت به کاهش وابستگی به پول نقد دارد. در جنگ، نقدینگی کمیاب و نااطمینانی فراوان است و زنجیره تأمین سنتی از کار می‌افتد. اولویت اول، «تاب‌آوری عملیاتی» است؛ نه «انباشت بودجه».

پس با این حساب باید دنبال استفاده از ظرفیت‌های خود شهرداری باشیم.

دقیقاً؛ یکی از بهترین منابع در شرایط جنگی برای شهرداری (که لزوماً پولی نیستند) ظرفیت مازاد و راکد درون‌شهری است؛ مثل انبارهای متروکه، سالن‌های بلااستفاده کارخانه‌ها، طبقات خالی مجتمع‌های مسکونی نیمه‌کاره. این فضاها را به جای خرید مصالح جدید، به کارگاه‌های سیار بازسازی، انبار ابزارآلات یا حتی اسکان موقت تبدیل کنند. همچنین به مشارکت اجباری هوشمندانه ساکنان هم می‌توان اشاره کرد. در شرایط جنگی، مردم پذیرای مشارکت عملی هستند. شهرداری با سازمان‌دهی گروه‌های محلی (به جای انتظار برای پیمانکار)، کارهای ساده مانند نخاله‌برداری، زدودن آوار یا تولید بلوک‌های ساده با قالب‌های دستی را به ازای اولویت دریافت خدمات یا کاهش عوارض آینده واگذار کند؛

این یعنی تبدیل «نیروی انسانی بیکار» به «منبع تولید». مصالح بازیافتی فوری از خرابه‌ها هم روش دیگری است. در جنگ، نخاله‌ها ثروت پنهان هستند. شهرداری به جای تأمین شن و ماسه از معدن، گروه‌های سریع جداسازی (آهن، آجر، بتن خردشونده) مستقر کند. یک تن آهن‌آلات از خرابه، معادل صرفه‌جویی صدها دلار است. از مبادله پایاپای با نهادهای نظامی و عمومی هم نباید گذشت؛ مثلاً در قبال تأمین نیروی مهندسی رزمی برای آواربرداری، به آن نهاد سوخت، انبار یا فضای اداری واگذار کند، بدون ردوبدل شدن ریال. ثبت ساعات کار شهروندان هم روش دیگری است.

شهروندان ساعات کار خود (مثلاً ۱۰۰۰ ساعت نخاله‌برداری) را ثبت کنند و بعداً به ازای آن از خدمات شهری (مثل تعمیر خانه خودشان) استفاده کنند. این الگو در بحران‌های جهانی اثبات شده است.

می‌توان نتیجه گرفت که در شرایط جنگی، بهترین منبع مالی، «کم‌شدن نیاز به پول» است. شهرداری باید سریع هر فعالیتی را که بدون پول نمی‌شود انجام داد، متوقف کند. هر فعالیتی را که با نیروی انسانی و مصالح محلی شدنی است، با همان روش پیش ببرد. ارزش هر ساعت تأخیر را معادل جان مردم بداند و اتلاف را صفر کند. اگر شهرداری منتظر بودجه جدید بماند، در جنگ بازنده است و اگر روش کار را عوض کند، بازسازی حتی با بودجه صفر جدید، ممکن خواهد شد.

به‌طور کلی روش‌های تأمین منابع در شهرداری‌ها چقدر شکننده است و این سال‌ها به چه نکاتی در اقتصاد شهری باید توجه می‌شد که از آن غفلت شده است؟

روش‌های تأمین منابع در شهرداری‌های ایران، امروز بسیار شکننده و ناپایدار است. این شکنندگی ریشه در نادیده‌گرفتن اصول پایه‌ای اقتصاد شهری در سال‌های گذشته دارد. در حال حاضر وابستگی شدید به درآمدهای ناپایدار مانند عوارض ساختمانی، فروش تراکم و جرائم رانندگی (منابعی که با رکود اقتصادی یا تغییر سیاست‌های کلان یک‌باره خشک می‌شود)، اتکا به بودجه سالانه دولت که در شرایط بحران (جنگ، تحریم، تورم) اولین اولویت حذف است، نبود جریان نقدی مستمر از خدمات پایدار (هزینه خدمات شهری

معمولاً کمتر از بهای تمام‌شده واقعی دریافت می‌شود) و نادیده‌گرفتن منابع «ارزان» مثل بازیافت پسماند، انرژی تجدیدپذیر، فروش داده‌های شهری بسیار شکننده است. البته می‌توان در ادامه به نکاتی اشاره کرد که از آن غفلت و این باعث مشکلاتی برای شهرداری‌ها شده است؛ به‌طورمثال شهرداری همیشه نرخ عوارض و بهای خدمات را پایین‌تر از هزینه حفظ کرده تا محبوبیت سیاسی کسب کند؛ اما این کار باعث فرسایش زیرساخت‌ها و انباشت بدهی شده است. همچنین اکثر شهرداری‌ها به جای سودبردن از نخاله‌ها، فاضلاب، حرارت زباله‌سوزها و انرژی خورشیدی روی پشت‌بام ساختمان‌های عمومی، بر فروش تراکم و زمین تمرکز کرده‌اند. این غفلت بزرگ، سال‌هاست که اقتصاد شهری را تک‌بعدی کرده است. متأسفانه دارایی‌های شهرداری‌ها مثل پل‌ها، آسفالت، ماشین‌آلات و ساختمان‌ها بدون برنامه تعمیر و نگهداری پیشگیرانه اداره می‌شود. در نتیجه هزینه تعویض و بازسازی در لحظه آخر، چندبرابر نگهداری به‌موقع است. یکی دیگر از شیوه‌های ناپایدار، فروش دارایی‌های ملی به‌جای بهره‌برداری پایدار است. رسم غلط فروش زمین‌ها و ساختمان‌های ارزشمند شهر برای تأمین بودجه جاری، مثل خوردن سرمایه اصلی برای تأمین هزینه جاری یک کسب‌وکار است. این روش تا چند سال جواب می‌دهد، بعد شهر ورشکست می‌شود. غفلت از «اقتصاد مشارکتی» در مقیاس شهری نیز نکته مهمی است که شهرداری می‌توانست سال‌ها پیش پل‌تفرم اشتراک‌گذاری ابزارآلات، بالابر، ماشین‌آلات سبک بین شهروندان و



بین شهروندان و

کسب و کارها راه اندازی کند و از هر تراکنش کارمزد بگیرد. به جای آن، بودجه کلان صرف خرید تجهیزات گرانی می شود که نیمی از سال بیکار می ماند.

می توان گفت شکنندگی امروز نتیجه «اتلاف سیستمی» در طراحی مدل درآمدی شهرداری هاست. راه برون رفت، تغییر از تفکر «تأمین بودجه برای انجام کار» به تفکر «طراحی کاری که خودش بودجه اش را تأمین کند» است. شهرداری باید شبیه یک بنگاه اقتصادی، چابک عمل کند که هر خدمت یا محصولی، جریان ارزش کامل (از تأمین تا مصرف) را با حاشیه سود مثبت و پایدار طراحی کرده باشد.

چرا روش های تأمین بودجه برای شهرداری ها درست تعریف نشده است؟

چون مبتنی بر فروش دارایی های تجدیدناپذیر (تراکم، زمین، عوارض ساخت) و وابستگی به جریان نقدی دولت است. این روش ها ذاتاً ناپایدار و بحران زا هستند.

با وجود نکاتی شما فرمودید، باز هم می توان در شرایط جنگی منابع مالی و درآمدی پایدار برای شهرداری ها متصور شد؟

بله، حتی در شرایط جنگی هم می توان درآمد پایدار برای شهرداری متصور شد؛ اما نه از جنس پول متداول، بلکه از جنس «جریان ارزش مستمر». این درآمدها عبارت اند از:

۱- درآمد از بازیافت حلقه بسته (اقتصاد چرخشی جنگی): مثلاً تبدیل زباله های جنگی (فلزات، نخاله ها، لاستیک ها) به مصالح ساختمانی، قطعات یدکی یا حتی سوخت، فروش کمپوست حاصل از پسماند آلی به کشاورزی پیرامون شهر، استخراج فلزات ارزشمند از تجهیزات جنگی منهدم شده؛

۲- درآمد از خدمات ضروری در بحران: تأمین آب آشامیدنی تصفیه شده، نان، برق اضطراری و سوخت با قیمت تمام شده واقعی (نه یارانه ای)، اجاره تجهیزات سنگین (بیل مکانیکی، کامیون، ژنراتور) به ساکنان، کسب و کارها یا حتی نیروهای نظامی، عملیات آواربرداری و ایمن سازی با دریافت کارمزد از بیمه ها یا صندوق های بین المللی (در صورت دسترسی)؛

۳- درآمد از دارایی های بی استفاده شهری در زمان صلح، فعال در جنگ: تبدیل پناهگاه های زیرزمینی، تونل ها و طبقات منفی پارکینگ ها به انبار اجاره ای تجاری یا نظامی، فروش انرژی تولیدی از زباله سوزها، پنل های خورشیدی نصب شده روی سقف ساختمان های شهرداری؛

۴- درآمد از داده ها و اطلاعات لحظه ای: تهیه نقشه های به روز از مناطق تخریب شده، مسیرهای امن، منابع آب و غذا و فروش آن به سازمان های امدادی، خبرگزاری ها یا نیروهای مسلح؛

۵- درآمد از مشارکت اجباری هدفمند



اما پرسش این است که چه اثری و تا چه میزان؟

اگر بخواهیم تأثیر این تبعات را بر روند کاری شهرداری ها (شدید و بنیادین) بررسی کنیم، باید گفت جنگ باعث توقف همه پروژه های غیرضروری و جاری می شود. شهرداری مجبور می شود ۸۰ تا ۹۰ درصد فعالیت های زمان صلح (ساخت پارک، توسعه فضای سبز، زیباسازی، پروژه های بلندمدت عمرانی) را فوری متوقف کند. سرمایه انسانی و تجهیزات باید به سمت بقا و بازسازی فوری هدایت شود.

از دست دادن کنترل بر اولویت ها از دیگر تبعات جنگ است. دیگر شهرداری تعیین نمی کند چه کاری انجام دهد؛ بلکه «فاجعه» اولویت را تعیین می کند. هر روز یک بحران جدید (ترکیدن لوله اصلی آب، ریزش یک ساختمان، مسدود شدن خروجی اضطراری) تیم ها را به سمتی می کشاند و برنامه ریزی بلندمدت غیرممکن می شود. تغییر اجباری ساختار سازمانی، از دیگر آثار است. سلسله مراتب اداری و تصمیم گیری های چندلایه که در صلح کندی ایجاد می کرد، در جنگ باعث مرگ شهروندان می شود. شهرداری ناچار به تشکیل گروه های خودگردان و تفویض اختیار کامل به مدیران میدانی می شود (همان چیزی که تفکر ناب سال ها توصیه می کرد اما اجرامی شد).

افزایش چشمگیر اتلاف از دیگر ثمرات شرایط جنگی است. در شرایط جنگ، دوباره کاری به دلیل اطلاعات اشتباه از مناطق تخریب شده، انتظار برای مجوزها و هماهنگی، جابه جایی بی مصرف تجهیزات بین مناطق، و انبارش مواد در مکان های نامناسب حد اکثر می رسد. شهرداری ای که در صلح مهارت حذف اتلاف را نیاموخته، در جنگ فلج می شود؛ همچنین جنگ باعث تهدید مستقیم بقای سازمانی می شود. اگر شهرداری در چند هفته اول نتواند خود را با شرایط جدید تطبیق دهد، یا منحل می شود (نیروهای نظامی یا محلی وظایف آن را می گیرند) یا به یک سازمان موازی و ناکارآمد تبدیل خواهد شد که هیچ کس به آن اعتماد ندارد.

آنچه از دیدگاه آینده پژوهی شهری می توان نتیجه گرفت، این است که جنگ «تست استرس نهایی» یک شهرداری است. شهرداری هایی که امروز چابک اندیشی (تفکر ناب) را در فرهنگ خود نهادینه کرده اند، یعنی حذف اتلاف را بلدند و به جای انباشت بودجه روی جریان ارزش تمرکز دارند، به جای فرماندهی به گروه های میدانی اختیار می دهند و صدای شهروند را قبل از بحران می شنوند، در جنگ نه تنها عملکرد بهتری دارند؛ بلکه سریع تر از دیگران به حالت پایدار برمی گردند؛ اما شهرداری های بروکراتیک و متکی بر درآمدهای آسان و غیرمستمر، در اولین شوک جنگی فرومی ریزند.

برای اقتصاد شهری را در سه سطح می توان دسته بندی کرد:

۱- ناپدید شدن منابع سنتی درآمد: عوارض ساختمانی، فروش تراکم، مالیات بر کسب و کارها و اجاره بازارها که ستون فقرات بودجه شهرداری ها در زمان صلح است یک باره خشک می شود. ساخت و ساز متوقف، کسب و کارها تعطیل و سرمایه گذاری فراری می شود.

۲- تغییر ناگهانی تقاضا: نیاز شهروندان از «خدمات رفاهی» (فضای سبز، زیباسازی) به «خدمات حیاتی» (آواربرداری، آب آشامیدنی ایمن، مسیرهای امن، دفع بهداشتی زباله و اجساد، سوخت اضطراری) تغییر می کند. شهرداری که برای نوع اول طراحی شده، برای نوع دوم هیچ بستری ندارد.

۳- شکستن زنجیره تأمین: مصالح، سوخت، قطعات یدکی ماشین آلات و حتی نیروی کار ماهر در دسترس نیست. انبارهای شهرداری خالی می شود و خرید از خارج شهر ممکن نیست یا ریسک مرگبار دارد.

۴- تورم و کاهش ارزش پول: بودجه مصوب شهرداری در صلح، ظرف چندماه بی ارزش می شود. هزینه بازسازی هر روز چند برابر می شود؛ اما منابع نقدی ثابت می ماند.

۵- تخریب فیزیکی زیرساخت ها: شبکه آب، برق، گاز، فاضلاب، پل ها و معابر، که سال ها زمان و سرمایه برای ساختن آن ها صرف شده، در روزها و هفته ها منهدم می شود.

قطعاً این موارد بر حسن اجرای کار شهرداری ها هم اثرگذار است؛

(نوآوری ناب در بحران): دریافت «مالیات زمان» از شهروندان توانمند (مثلاً هر خانواده موظف به ۵ ساعت کار هفتگی در پروژه های عمومی به جای پرداخت عوارض)، دریافت سهمی از تولید واحدهای تجاری و کارگاه های کوچکی که در زمین های شهرداری مستقر می شوند (به جای اجاره نقدی، درصدی از محصول یا خدمت).

در شرایط جنگی، پایداری درآمد چه معنایی دارد؟ آیا معنی این مفهوم تغییر می کند؟

در شرایط جنگی، «پایداری درآمد» یعنی منبع درآمدی که وابسته به زنجیره تأمین خارج از شهر نباشد، با نیروی انسانی و مصالح موجود درون شهر قابل تولید باشد، با تشدید بحران کاهش نیابد (بلکه شاید افزایش یابد) و نیازی به انتظار برای تصویب بودجه یا دریافت مجوز نداشته باشد. شهرداری باید همین امروز (پیش از جنگ) مدل درآمدی خود را از «فروشنده دارایی» به «ارائه دهنده سرویس های ضروری با نرخ واقعی به علاوه دریافت ارزش از جریان پسماند و فاضلاب و تسهیلگر اقتصاد اشتراکی» تغییر دهد. در این صورت، جنگ نه تنها منبع درآمد را خشک نمی کند؛ بلکه تقاضا برای خدمات شهری را چند برابر می کند.

به طور کلی جنگ چه تبعاتی برای اقتصاد شهری دارد؟

جنگ عمیق ترین و سریع ترین «شوک» به جریان ارزش، یک شهر است. تبعات جنگ



زهره سادات کاظمی

نیرویی در کف میدان

رئیس اداره عملیات جمعیت هلال احمر استان اصفهان از تلاش‌های این جمعیت در جنگ رمضان می‌گوید



با نواخته شدن شیپور جنگ، جمعیتی که برای هرگونه کمک سینه سپر کرد و گوش به زنگ برای امدادرسانی بود، جمعیت همیشه‌دمیدان هلال احمر بود. جلیقه‌پوشان ماه‌نشان، اولین نفراتی بودند که در مناطق مورد اصابت از حملات دشمن حاضر می‌شدند و تا پایان عملیات امدادرسانی در میدان می‌ماندند. برای دانستن از جزئیات بیشتر نحوه امدادرسانی و آمادگی این نیروها به سراغ عماد صالحی، رئیس اداره عملیات جمعیت هلال احمر استان اصفهان رفتیم. او در گفت‌وگو با «هم‌محل» گوشه‌ای از حضورشان در جنگ رمضان را روایت کرد.

صالحی صحبتش را از تعریف جمعیت هلال احمر شروع می‌کند که این جمعیت یک سازمان امدادرسان است، در حوادث مختلف اقدامات لازم برای امدادرسانی را انجام می‌دهد و در حوادث طبیعی و غیرطبیعی و حوادث ناشی از جنگ حضور خواهد داشت.

انجام ۱۰۴ عملیات در جنگ رمضان

او در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که در زمان حوادث وقتی از هلال احمر درخواست کمک می‌شود، هلال احمر موظف است با توجه به اسناد بالادستی و ساختار مدیریت بحران، اقدامات لازم را انجام بدهد. آماري که صالحی در خصوص فعالیت نیروهای هلال احمر در حوادث جنگ داشته را این‌طور بیان می‌کند: هلال احمر در جنگ دوازده‌روزه در ۳۱ عملیات حضور داشت؛ ولی در جنگ رمضان این حوادث بیشتر شد، ۱۹ شهرستان استان اصفهان مورد اصابت قرار گرفت و ۱۰۴ عملیات امدادرسانی به نقاط مورد اصابت داشتیم. ۱۰۴ عملیات امداد و نجات انجام شد که در این عملیات ۲۸۴ گروه و ۹۱۸ نیروی عملیاتی حضور داشتند. ۴۵ گروه پشتیبانی، ۱۲ خودرو امداد و نجات، ۱۳۰ خودرو کمک‌دار و ۹۸

آمبولانس در جنگ فعال بودند. ۱۸ نفر مصدوم به صورت سرپایی و در صحنه مداوا شدند و ۶۸ نفر هم به مراکز درمانی منتقل شدند. صالحی در مرور حوادث روزهای جنگ بدترین حوادث را حملات دشمن به کارخانه‌ای در شهرک جی، محله هفتون و چهارراه پلیس عنوان می‌کند. آماده‌بودن هلال احمر برای شرایط سخت، نیاز به حضور در مانورها و تمرین برای آمادگی دارد. بنا به گفته رئیس اداره عملیات جمعیت هلال احمر استان اصفهان، با شروع جنگ دوازده‌روزه مدل‌های خاصی برای امدادرسانی تمرین شد که شاید با نوع حوادثی که تاکنون هلال احمر با آن روبه‌رو شده بود، تفاوت داشت؛ به همین دلیل جمعیت هلال احمر کشور برنامه‌ریزی خوبی برای برطرف کردن نقاط ضعف جنگ دوازده‌روزه انجام داد. بعد از ایت جنگ، تقریباً انبارهای امدادی، تجهیزات ایمنی، عملیاتی، حفاظتی و آواربرداری تکمیل و وسایل نوین، خودروهای امدادی و تجهیزات به‌روزتر و کامل‌تر شد.

شرکت در مانور، آمادگی حضور در جنگ را تقویت کرد

او شرکت در مانور پلایشگاه اصفهان را یک تجربه ارزشمند برای نیروهای هلال احمر می‌داند و ادامه می‌دهد: «این مانور که آبان‌ماه سال گذشته با برنامه‌ریزی کامل جمعیت هلال احمر و زیر نظر مدیریت بحران استانداری در پلایشگاه اصفهان برگزار شد، توانست به مادر هماهنگی بین سازمانی کمک کند. این مانور باعث شد ساختارهای عملیاتی را بهتر بشناسیم و سازمان‌ها و افرادی را که به‌خوبی از پس پشتیبانی در حوادث برمی‌آمدند شناسایی کنیم. این مسئله در جنگ رمضان بسیار کارساز بود و باعث تسریع و تسهیل در عملیات امدادرسانی شد. در کنار آن، تلاش کردیم ساختار و نرم‌افزار عملیاتی را به‌روز کنیم. البته نمی‌گوییم نواقصی نداشتیم؛ اما نسبت به جنگ رمضان قدرت پاسخگویی، نظم و انسجام بسیار کامل‌تری داشتیم. حضور در مانور، جمعیت هلال احمر برای

حضور در عملیات را آن‌قدر افزایش داد که بنا به گفته صالحی، نیروهای اصفهان به‌صورت کامل حوادث سطح استان را پاسخ دادند؛ به طوری که در حمله دشمن به فولاد مبارکه، کمتر از ۳۰ دقیقه ۷۰ نیروی عملیاتی و امکانات برای کمک‌رسانی به مجتمع وارد شدند. این مسئله یک اتفاق مؤثر در عرصه امدادرسانی برای هلال احمر محسوب می‌شود. جنگ رمضان و اثرات مخربش به جمعیت هلال احمر هم رسید و سه نفر از نیروهای داوطلب جمعیت به شهادت رسیدند. نقاطی مثل شعب جمعیت هلال احمر در شهرستان کاشان و نجف‌آباد، سیستم ارتباطی جمعیت در کوه صفا، مرکز آموزش‌های تخصصی حوزه امداد و نجات، معاونت بهداشت و درمان به دلیل نزدیکی به سایت‌های نظامی خسارت دیدند؛ اما به گفته صالحی، جمعیت هلال احمر برای بازسازی مراکز آسیب‌دیده و احیای مجدد آن‌ها، تلاش کرد تا خدمت‌رسانی مختل نشود.





زهره فندهاری

محلّه‌ها، پناهگاه‌های بازگشت

فرشاد طهماسبی‌زاده، دکتری شهرسازی و پژوهشگر مطالعات شهری، معتقد است محلّه عنصری هویت‌ساز است

فرا تر بود و به یک الگوی عملیاتی برای مدیریت بحران و بازسازی پس از بحران تبدیل شود.

یعنی جنگ منجر به تعریف جدیدی از محلّه‌محوری شده است؟

اگر پیش از این، محلّه محوری بیشتر بر هویت محلی، مشارکت مردم و اداره امور شهری از پایین به بالا تأکید داشت، در دوره پساجنگ باید نقش‌های تازه‌تری نیز بر عهده بگیرد. نخست آنکه محلّه می‌تواند به‌عنوان واحد پایه مدیریت بحران تعریف شود. محلّه به‌دلیل پیوندهای اجتماعی، شناخت متقابل ساکنان و ظرفیت بسیج اجتماعی، امکان سازمان‌دهی سریع‌تر برای امداد رسانی، شناسایی آسیب‌دیدگان، توزیع امکانات، ایجاد پناهگاه‌های محلی و مدیریت شرایط اضطراری را فراهم می‌کند. این یعنی در شهر ایرانی، محلّه فقط بستر زندگی روزمره نیست؛ بلکه می‌تواند بستر تاب‌آوری در شرایط بحران نیز باشد.

دوم آنکه در پساجنگ، مسئله فقط بازسازی ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها نیست؛ بلکه بازسازی روانی و اجتماعی نیز اهمیت اساسی دارد. جنگ به روابط اجتماعی، احساس امنیت، اعتماد عمومی و آرامش روانی شهروندان آسیب می‌زند. در اینجا نیز محلّه، به‌عنوان نزدیک‌ترین و ملموس‌ترین واحد اجتماعی، می‌تواند نقش مهمی در احیای سرمایه اجتماعی، بازگشت حس تعلق، همیاری میان ساکنان و ترمیم زندگی جمعی ایفا کند؛ از این رو محلّه محوری در پساجنگ باید چند تغییر اساسی داشته باشد: پیوند خوردن با الزامات پدافند غیرعامل و مدیریت بحران؛ تقویت زیرساخت‌های محلی برای امداد، اسکان موقت و تأمین نیازهای ضروری؛ توجه هم‌زمان به بازسازی کالبدی و بازسازی اجتماعی؛ واگذاری نقش واقعی‌تر به مردم و نهادهای محلی در تصمیم‌گیری و اجرا. به‌نظر می‌رسد در این مقطع تاریخی، محلّه محوری می‌تواند یکی از روشن‌ترین و کارآمدترین پاسخ‌ها برای شهر ایرانی باشد؛ زیرا محلّه هم یک واحد اجتماعی منسجم و ریشه‌دار است، هم ظرفیت مدیریت شرایط بحرانی را دارد و هم می‌تواند پس از جنگ به کانون بازسازی زندگی شهری تبدیل شود.

به نظر شما در حال حاضر



چه تغییراتی باید داشته باشد؟

جنگ کنونی را باید نقطه عطفی در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری ایران دانست. این تجربه، بسیاری از پیش‌فرض‌های رایج در شهرسازی را به چالش کشیده و نشان داده است که شهر فقط مجموعه‌ای از خیابان‌ها، ساختمان‌ها و خدمات روزمره نیست؛ بلکه باید در برابر بحران نیز تاب‌آور، سازمان‌یافته و آماده باشد. در جریان جنگ، موضوع‌هایی مانند تداوم خدمات شهری، تأمین آب و برق، دسترسی به نیازهای اساسی، امداد رسانی سریع، درمان‌های اولیه، اسکان موقت و همچنین تمهیدات پدافندی، به ضرورت‌های فوری مدیریت شهری تبدیل می‌شوند. از این منظر، شهرسازی پساجنگ دیگر نمی‌تواند صرفاً بر توسعه کالبدی یا تأمین سرانه‌های معمول خدمات تمرکز داشته باشد؛ بلکه باید ابعاد تاب‌آوری شهری، پدافند غیرعامل، مدیریت بحران و بازسازی اجتماعی را نیز در متن خود قرار دهد.

در چنین شرایطی، محلّه محوری باید از یک رویکرد صرفاً مشارکتی یا هویتی



شهری نه تصمیم‌گیران مطلق، بلکه تسهیلگران و مجریان خواسته‌ها، نیازها و اولویت‌های ساکنان محلّه هستند. این نگاه، فاصله‌گیری از شهرسازی صرفاً فن‌سالارانه (تکنوکرات) و عددمحور است؛ رویکردی که در آن محلّه تنها به‌عنوان پهنه‌ای تعریف می‌شود که باید در شعاع مشخصی از دسترسی و بر اساس سرانه‌های ازپیش‌تعیین‌شده، خدماتی را دریافت کند. در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری محلّه دو شکل اهمیت دارد: یکی، تنها به‌عنوان واحد برنامه‌ریزی بر اساس اصول شهرسازی غربی است که بر مبنای دسترسی به خدماتی است که در محلّه‌ای تأمین شود؛ مانند مدرسه و فروشگاه‌ها و مانند آن و دیگری، مفهوم محلّه بر مبنای حافظه تاریخی و هویت فرهنگی ایرانی است. در این معنی محلّه، مفهومی هویت‌ساز برای ساکنان آن و برجستگی است که انسان به بودن در آن افتخار می‌کند. در این تعریف، محلّه مفهوم زندگی و زیست انسانی را همراه داشته و با آن پیوند دارد.

با توجه به شرایط کنونی محلّه محوری در دوران پساجنگ،

جنگ تنها زیرساخت‌ها را ویران نمی‌کند، بلکه با گسستن پیوندهای اجتماعی، بافت‌های انسانی را نیز از هم می‌پاشد. در دوران پساجنگ، محلّه محوری دیگر تنها یک استراتژی برای بازسازی فیزیکی نیست؛ بلکه ابزار حیاتی برای بازسازی اعتماد عمومی، تقویت تاب‌آوری اجتماعی و بازگرداندن هویت به فضاهای از دست‌رفته است. در این خصوص «محلّه» گفت‌وگویی انجام داده است با فرشاد طهماسبی‌زاده، دکتری شهرسازی و پژوهشگر مطالعات شهری که در ادامه می‌خوانید.

محلّه محوری در مدیریت شهری چه اصولی دارد؟

محلّه در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری از دو منظر اهمیت پیدا می‌کند. نخست، محلّه به‌عنوان یک واحد برنامه‌ریزی شهری شناخته می‌شود؛ رویکردی که بیشتر ریشه در الگوهای متداول شهرسازی مدرن و غربی دارد و بر تأمین خدمات پایه در مقیاس محلّه تأکید می‌کند؛ خدماتی مانند مدرسه، فروشگاه، فضای سبز، مراکز فرهنگی و دیگر نیازهای روزمره که باید در دسترس ساکنان باشد.

اما در کنار این نگاه، در فرهنگ و شهر ایرانی، محلّه صرفاً یک واحد کالبدی و خدماتی نیست؛ بلکه مفهومی هویتی، تاریخی و اجتماعی نیز دارد. محلّه برای ساکنانش فقط محل سکونت نیست؛ بخشی از حافظه جمعی، تجربه زیسته، روابط انسانی و احساس تعلق آنان است. در این معنا، محلّه عنصری هویت‌ساز است؛ جایی که انسان به بودن در آن افتخار می‌کند و آن را بخشی از تعریف خود می‌داند. در چنین نگاهی، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری نمی‌تواند تنها از بالا و توسط ساختارهای اداری و کارشناسی انجام شود؛ بلکه باید بر پایه نقش‌آفرینی کسانی شکل بگیرد که در محلّه زندگی می‌کنند، با مسائل آن آشنا هستند، هویت خود را از آن می‌گیرند و در تداوم حیات اجتماعی آن سهم دارند.

پس با این تعریف، مردم نقش اساسی در برنامه‌ریزی برنامه‌های محلّه محوری دارند؟

بله؛ یکی از اصول اساسی محلّه محوری، مشارکت واقعی مردم در فرآیند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجراست. در این رویکرد، مدیران و برنامه‌ریزان

جایگاه محله محوری در دیدگاه مدیریت شهری به چه صورت است؟

به نظر من، محله محوری در شرایط کنونی هنوز با جایگاه واقعی‌ای که باید در مدیریت شهری داشته باشد فاصله بسیاری دارد. هم در سطح نظری و هم در سطح اجرایی، شناخت بخشی از مدیران و برنامه‌ریزان شهری از محله محوری، هنوز به مرحله‌ای نرسیده که بتواند به تصمیم‌سازی و اقدام مؤثر منجر شود. علاوه بر این، در ساختار مدیریت شهری نیز محله هنوز جایگاه نهادی متناسب و اثرگذار پیدا نکرده است. امروز در موضوع محله محوری در یک نقطه حساس قرار داریم. اگر روند موجود با اصلاح رویه‌ها و تداوم سیاست‌ها بر اساس معنای واقعی محله محوری پیش برود، می‌توان امیدوار بود که در آینده به سمت شهری کارآمدتر، با کیفیت‌تر و برخوردار از سرمایه اجتماعی بالاتر حرکت کنیم؛ اما اگر محله محوری در همین سطح کنونی باقی بماند، یعنی بدون اختیار، بدون سازوکار اجرایی و بدون مشارکت واقعی مردم، خطر آن وجود دارد که به یک مفهوم شعاری تبدیل شود؛ شعاری که در عمل نه به بهبود مدیریت شهری کمک می‌کند و نه به مشارکت مؤثر شهروندان؛ به همین دلیل ضروری است حداقل پیش‌شرط‌هایی که پیش‌تر اشاره شد، به طور جدی اجرا شود؛ عبور از مشارکت صوری به مشارکت واقعی، تغییر نقش مدیران از تصمیم‌گیرنده متمرکز به تسهیلگر و هم‌فکر محله و تقویت جایگاه محله در ساختار مدیریت شهری.

پس از تحقق این پایه‌ها، می‌توان سایر اصول محله محوری را نیز مرحله به مرحله به کار گرفت تا این رویکرد به یک تجربه عملی و پایدار در شهر ایرانی تبدیل شود.

با توجه به جنگ و برگزاری اجتماعات شبانه مردمی در بسیاری از محله‌ها، این حضور می‌تواند منجر به مشارکت مردم در محله محوری شود؟

باید ابتدا این پیش‌فرض را اصلاح کنیم که مشارکت مردمی صرفاً به معنای حضور فیزیکی در یک‌زمان و مکان خاص (مانند جلسات عمومی) است. در رویکرد «محله محوری»، مشارکت یک فرآیند مستمر و منعطف است که در زمان و مکان تداوم دارد و بسته به شرایط، تغییر شکل می‌دهد؛ بنابراین حتی اگر شرایط جنگی برگزاری اجتماعات بزرگ را محدود کند، مشارکت نه‌تنها متوقف نمی‌شود؛ بلکه ابعاد حیاتی‌تری به خود می‌گیرد. در الگوی محله محوری، مشارکت مردم در زمان جنگ از حالت «هم‌فکری برای پروژه‌های عمرانی عادی»، به سمت «مشارکت در مدیریت



بحران و پدافند غیرعامل» تغییر جهت می‌دهد. در واقع، محله به سنگر اول دفاع شهری و تاب‌آوری اجتماعی تبدیل می‌شود.

این مشارکت می‌تواند در سه سطح تعریف شود:

۱. مدیریت زیرساخت‌های حیاتی: برای مثال، ساکنان یک محله می‌توانند مدیریت، نگهداری و هدایت پناهگاه‌های محلی را بر عهده بگیرند. این کار باعث می‌شود فشار کاری از روی مدیران ارشد شهری برداشته شده و هر محله به صورت خودگردان، امنیت ساکنانش را تأمین کند.

۲. حمایت اجتماعی و کاهش آسیب: در زمان جنگ، شناسایی و کمک به خانوارهای آسیب‌دیده یا افرادی که دچار خسارت شده‌اند، از طریق نهادهای محلی و همسایگان بسیار سریع‌تر و دقیق‌تر از سازمان‌های دولتی انجام می‌شود. هویت «هم‌محله‌ای بودن» در اینجا به یک موتور محرک برای همیاری و همدلی تبدیل می‌شود که نتیجه آن، توزیع عادلانه خدمات و کاهش استرس جمعی ناشی از جنگ است.

۳. پروژه‌های بازسازی و کالبدی: مشارکت در اجرای پروژه‌ها در زمان جنگ یا بلافاصله پس از آن، دیگر یک انتخاب نیست؛ بلکه یک ضرورت برای بازگشت به زندگی عادی است. مردم وقتی خود را در تصمیم‌گیری برای اولویت‌های بازسازی سهم ببینند، با انگیزه بیشتری در صیانت از دارایی‌های شهری مشارکت می‌کنند.

تجربه نشان داده است که در زمان

حتی اجرا نقش داشته باشند. دوم آنکه لازم است نگاه مدیران و برنامه‌ریزان شهری نیز تغییر کند. در الگوی محله محوری، مدیران نباید صرفاً کارشناسی فن‌سالار باشند که از بالا برای مردم تصمیم می‌گیرند؛ بلکه باید در جایگاه مشاور، تسهیلگر و هم‌فکر ساکنان محله قرار بگیرند. این تغییر نگاه، شرط اصلی شکل‌گیری اعتماد و همکاری متقابل میان مردم و نهادهای شهری است. سوم آنکه جایگاه محله باید در ساختار مدیریت شهری به صورت جدی بازتعریف و تقویت شود. تازمانی که محله فقط در سطح شعار مطرح باشد و از ابزار، اختیار و سازوکار لازم برای اثرگذاری برخوردار نباشد، مشارکت مردم نیز عمیق و ماندگار نخواهد شد.

محله محوری زمانی به نتیجه می‌رسد که برای آن بستر نهادی، سازوکار اجرایی و استمرار در زمان پیش‌بینی شود؛ بنابراین اگر این الزامات فراهم شود، حضور مردم می‌تواند به مشارکتی پرتنگ‌تر، مسئولانه‌تر و مؤثرتر در پروژه‌های شهری منجر شود و در نهایت، محله محوری را از یک ایده نظری به یک تجربه عملی و موفق در مدیریت شهری تبدیل کند.

در حال حاضر مفهوم محله چقدر نزدیک به تعریف واقعی آن است؟

واقعیت این است که مفهوم محله در ایران، به دلیل پیشینه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن، فراتر از چنین تعاریف فنی و استاندارد شده‌ای است. در الگوی محله محوری، اصل بر این است که برنامه‌ریزی شهری از متن زندگی مردم آغاز شود؛ یعنی از شناخت نیازها، ظرفیت‌ها، تعلقات و روابط اجتماعی هر محله. تنها در این صورت است که می‌توان به مدیریت شهری دست یافت که هم کارآمد باشد و هم از پشتوانه اجتماعی و اعتماد عمومی برخوردار شود. در رویکرد محله محوری، اساس زندگی و تجربه زیسته انسان است.

در این نگاه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، تنها برای کسانی است که در این محله‌ها زندگی و زیست دارند و هویت خود را از آن محله می‌گیرند، به تداوم، هویت و بودن آن معنی می‌دهند و در مدیریت و برنامه‌ریزی محله، نقش دارند. در واقع در این شکل، مدیران و برنامه‌ریزان با به‌کارگیری مشارکت واقعی ساکنان محله‌ها، تنها مجری برآورده‌کردن خواسته‌ها و نیازهای ساکنان محله‌ها هستند. برنامه‌ریزی دیگر به شکل شهرسازی فن‌سالارانه و عدد محور نیست که بر اساس تقسیم فضایی و کالبدی، صرفاً باید خدمات خاصی در شعاع دسترسی خاص و با سرانه خاص در اختیار ساکنان محله قرار گیرد. به این دلیل که مفهوم محله در ایران متفاوت از این دیدگاه‌هاست، در شکل محله محوری، اساس، تجربه زیسته ساکنان هر محله و مشارکت واقعی مردم در مدیریت و برنامه‌ریزی است.

بحران و جنگ، به دلیل وجود دردهای مشترک و نیاز به امنیت جمعی، «هم‌سوئی و هم‌زیستی» میان ساکنان محله به شکل معناداری افزایش می‌یابد. این پیوند اجتماعی، قوی‌ترین ابزار برای مدیریت یکپارچه شهر است. اگر مدیریت شهری بتواند به‌درستی از این پتانسیل استفاده کند، مشارکت مردمی در زمان جنگ و پس از آن، نه‌تنها کاهش نمی‌یابد؛ بلکه شکلی ملموس‌تر، کارا تر و عمیق‌تر به خود می‌گیرد. در واقع، محله محوری در این دوران، فاصله میان «دولت‌شهروند» را کم کرده و مدیریت شهری را به لایه‌های درونی زندگی مردم می‌برد.

این حضور می‌تواند منجر به مشارکت پرتنگ مردم در پروژه‌های شهری و تقویت محله محوری شود؟

قطعاً همین‌طور است. محله محوری، به دلیل ریشه‌ای که در هویت اجتماعی و تاریخی شهر ایرانی دارد، ظرفیت آن را دارد که مشارکت مردم را از سطحی نمادین و مقطعی به سطحی واقعی، مؤثر و پایدار ارتقا دهد. وقتی مردم، محله را بخشی از هویت، خاطره جمعی و زندگی روزمره خود می‌دانند، طبیعی است که نسبت به آینده آن نیز احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند و در پروژه‌های شهری نقش فعال‌تری ایفا کنند؛ اما تحقق این ظرفیت، نیازمند چند پیش‌شرط مهم است. نخست آنکه مدیریت شهری باید از مشارکت صوری عبور کند و به مشارکت واقعی باور داشته باشد؛ یعنی مردم فقط شنونده یا تأییدکننده تصمیم‌های ازپیش‌گرفته شده نباشند؛ بلکه در تشخیص مسئله، تعیین اولویت‌ها، تصمیم‌گیری و





زهرا سادات کاظمی

۸۶ عملیات نفس گیر!

امید باقری، مدیرعامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان، از روزهای پرتلاطم جنگ می‌گوید



در جنگ رمضان با اولین برخورد موشک به شهر، وقتی هنوز تکه‌های ترکش از اصابت در هوا معلق بود، اولین نیروهایی که وسط معرکه حاضر شدند، نیروهای آتش نشانی بودند. حضور به موقع و بالابودن آمادگی و البته مجهزبودن، رمز یک عملیات موفق برای این نیروهاست. سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی اصفهان، در جنگ رمضان در کنار تمام خدماتی که برای حوادث احتمالی شهر می‌داد، با حضور حداکثری در محل اصابت‌ها قرار می‌گرفت و در کنار مردم به خدمت‌رسانی در شرایط ویژه جنگ مشغول بود. آتشپاد دوم امید باقری، مدیرعامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان، از تلاش‌های نیروهای آتش نشانی در جنگ رمضان می‌گوید.

مهم دیگری در آتش نشانی می‌گوید و ادامه می‌دهد: «در جریان جنگ رمضان، پایداری ارتباطات عملیاتی و فرماندهی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مدیریت بحران در آتش نشانی اصفهان بود و در همین راستا، ساختار ارتباطی سازمان تنها بر یک شبکه بی‌سیم متکی نبود و برای ستاد فرماندهی، فرماندهان عملیاتی و نیروهای حاضر در صحنه‌های مختلف، چندین کانال ارتباطی پیش‌بینی و تعریف شده بود. این رویکرد چندلایه موجب شد ارتباط میان بخش‌های مختلف سازمان، حتی در شرایط پیچیده و بحرانی نیز برقرار بماند و فرایند هدایت عملیات با اختلال جدی روبه‌رو نشود.»

او اما با اشاره به این نکته که شرایط جنگی به طور طبیعی چالش‌هایی را برای شبکه‌های ارتباطی به همراه خواهد داشت، خاطر نشان می‌کند: «حضور جنگنده‌ها در آسمان شهر و شرایط خاص ناشی از عملیات نظامی، در برخی مقاطع موجب بروز اختلال در شبکه بی‌سیم سازمان شد؛ موضوعی که از پیش نیز پیش‌بینی پذیر بود و در بسیاری از بحران‌های مشابه در دنیا تجربه می‌شود. با وجود تمام محدودیت‌ها و اختلالات مقطعی، هیچ موردی از قطع کامل ارتباطات که موجب اختلال در روند عملیات شود، ثبت نشد؛ همچنین هیچ گزارشی درباره تأخیر در اعزام نیروها، نرسیدن دستورهای ستاد فرماندهی به نیروهای عملیاتی یا اجرانشدن فرمان‌های صادر شده به دلیل مشکلات ارتباطی وجود نداشت. تمام دستورها، پیام‌ها و

تا زمان امداد رسانی را به حداقل برساند، این مهم هم در جنگ رمضان مدنظر قرار گرفت و رکوردی متفاوت در حوزه عملیات امدادی به ثبت رسید؛ به طوری که نیروهای آتش نشانی اصفهان در کمتر از ۳ دقیقه به محل اصابت‌ها اعزام شدند و عملیات امداد رسانی را آغاز کردند.

باقری در خصوص این موفقیت می‌گوید: این عملکرد حاصل آمادگی کامل نیروها، برنامه‌ریزی‌های از پیش تعیین شده، حضور فرماندهان و مدیران ارشد در خط مقدم عملیات و هماهنگی دقیق میان بخش‌های مختلف سازمان بود؛ شرایطی که موجب شد عملیات‌ها با سرعت، دقت و انسجام بیشتری دنبال شود و نیروهای عملیاتی در کنار فرماندهان خود مأموریت‌های محوله را به بهترین شکل ممکن اجرا کنند.»

پایداری ارتباطات در میدان خدمت‌رسانی

مدیرعامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان در ادامه از دستاورد

می‌دهد: «در تمام ۸۶ مأموریت انجام شده، اگر در هر یک از وظایف محوله به نیروهای عملیاتی کوچک‌ترین نقص یا کمبود تدبیر وجود داشت، امکان وقوع حوادث و فاجعه‌های گسترده‌ای در سطح شهر اصفهان بود. نیروهای عملیاتی با بهره‌گیری از مهندسی حریق، مدیریت صحیح صحنه، کنترل تهویه و اگزاست و پایش مستمر شرایط، از گسترش بحران جلوگیری کردند و مانع وقوع حوادث گسترده‌تر شدند.»

در جنگ رمضان نیروهای آتش نشانی بیش از ۴۰۰ نفر از شهروندان را به صورت مستقیم نجات دادند و بیش از ۱۰ هزار نفر نیز به طور غیرمستقیم از خطرات احتمالی مصون ماندند و این نجات‌های غیرمستقیم حاصل مدیریت صحیح حریق، کنترل تهویه و اجرای دقیق تدابیر فنی و عملیاتی بوده است.

حضور در محل اصابت در کمتر از ۳ دقیقه

نیروی آتش نشانی همیشه تلاش کرده است

آمادگی برای جنگ و تدوین نقشه راه

باقری در با تاکید بر اینکه چندماه قبل از جنگ سطح آمادگی را بالا برده بودند و برنامه‌ریزی‌های لازم را برای این شرایط انجام داده و سناریوهای محتمل را حتی فراتر از شرایطی که در ادامه رخ داد، بررسی کرده‌اند، می‌گوید: «برای تمام وضعیت‌های احتمالی، نقشه راه مشخص و برنامه‌های عملیاتی دقیق تدوین و همه مواردی که امکان وقوع آن در سطح شهر وجود داشت، به طور کامل ارزیابی شده بود. از همان لحظات نخست وقوع حملات نیز آمادگی کامل در سازمان وجود داشت؛ به طوری که از شب قبل از آغاز حوادث، وضعیت آماده‌باش برقرار شده بود و تمام نیروها و بخش‌های عملیاتی با آمادگی کامل در وضعیت خدمت قرار داشتند.»

او در ادامه اضافه می‌کند: «هیچ یک از اقدامات و عملیات‌ها بدون برنامه و تدبیر قبلی انجام نشد و تمام مأموریت‌ها بر اساس برنامه‌ریزی‌های از پیش تعیین شده پیش رفت. از ابتدای وقوع حملات تا پایان آتش بس و در طول حدود ۴۰ روز جنگ رمضان، در مجموع ۸۶ عملیات انجام شد و این در حالی بود که مأموریت‌های روزمره آتش نشانی، شامل عملیات‌های امداد و نجات و اطفای حریق که به طور میانگین روزانه حدود ۴۰ عملیات را شامل می‌شود، بدون وقفه و همچون گذشته ادامه پیدا کرد.»

بنا به گفته باقری، عملیات‌ها در جنگ رمضان به دو صورت، نجات مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌گرفت و در همه عملیات‌ها با دقت بالا صورت گرفت. او ادامه



هماهنگی های لازم میان ستاد فرماندهی و نیروهای حاضر در صحنه به موقع منتقل شد و عملیات ها بدون بروز مشکل ناشی از قطع ارتباطات به انجام رسید.»

«آسیب دیدن ۲۹ آتش نشان در جنگ در جنگ رمضان، منطقه ۶ شهرداری اصفهان بیشترین میزان اصابت ها را داشت و بخش عمده ای از عملیات های امدادی و آتش نشانی در این محدوده انجام شد. آثار و تبعات مرتبط با سلامت روان برای بخش عمده ای از نیروها اجتناب ناپذیر بود و می توان گفت بیش از ۹۰ درصد و حتی شاید تمام نیروها به نوعی از این شرایط تأثیر پذیرفتند. در حوزه آسیب های جسمی و جراحات ها نیز حدود ۲۹ نفر از نیروهای آتش نشانی به طور مستقیم دچار آسیب شدند.»

برنامه ریزی گسترده برای شرایط بحرانی

آماده شدن نیروهای خدمت رسان و امدادی برای شرایط جنگی و آماده بودن در وضعیت بحرانی در کلان شهرها از اهمیت زیادی برخوردار است، باقری در خصوص این آمادگی اضافه می کند: «پیش از آغاز جنگ رمضان نیز برنامه ریزی های گسترده ای برای مدیریت شرایط بحرانی انجام شده بود و حدود پنج ماه پیش از وقوع این حوادث، جلسات تخصصی، مانورهای دورمیزی و بررسی های دقیق برگزار و سناریوهای مختلف ارزیابی شد. این هماهنگی ها کمک کرد تا در شرایط بسیار بحرانی، عملیات ها با اصل پراکندگی نیروها و استفاده از نفرات کمتر در نقاط پرخطر انجام شود و نتیجه این تدابیر آن بود که نیروهای آتش نشانی اصفهان توانستند با وجود حجم سنگین

حوادث و مأموریت ها، عملکردی موفق و چشمگیر از خود به نمایش بگذارند و از این آزمون دشوار سر بلند خارج شوند.»

در دکشیدن کنار مردم

حضور در میدان امداد رسانی و مواجهه با مردمی که در میان آتش و ویرانی هستند، صحنه های دردآوری را جلوی چشم آتش نشان ها ترسیم می کند؛ اما با همه این فشار تلاش می کنند تا با تمام قدرت بهترین و سریعترین خدمت را داشته باشند. باقری در ادامه قصه ای از این صحنه ها را روایت می کند: «در روزهایی که شهر با صحنه های تلخ ناشی از حملات، تخریب ها، جراحات ها و شهادت ها روبه رو بود، آنچه به نیروهای عملیاتی قوت قلب می داد، همین ارزش های سازمانی بود که به شکلی عینی و آشکار در رفتار آتش نشانان جلوه گر شد. روحیه ایثار، شجاعت و فداکاری نه تنها

موجب استمرار خدمت رسانی در شرایط دشوار شد؛ بلکه به یکی از مهم ترین عوامل تاب آوری و موفقیت آتش نشانی اصفهان در عبور از روزهای بحرانی جنگ رمضان تبدیل شد. در حادثه اصابت موشک به محله هفتون اصفهان، همکاران من به سرعت در محل حضور یافتند و در مرحله اول آواربرداری با تجهیزات کوچک و سبک، اقدامات اولیه نجات را آغاز کردند. پس از نقطه زنی سگ های تجسس و شناسایی محل وجود فرد در زیر آوار، آتش نشانان با شور و اشتیاق و با استفاده از سرپنجه و دستان خود، خاک ها را کنار زدند. در لحظه بیرون آوردن یک مادر که زیر آوار زنده مانده بود، همه حاضران خوشحال و اشک ریزان شده بودند؛ اما ناگهان آن مادر سراغ فرزندانش را گرفت و پرسید: شاهین و شاهان من کجا هستند؟ در حالی که هر دو کودک شهید شده بودند!»

پهنه های آسیب دیده منطقه

خیابان کاوه
۲۶۰

خانه اصفهان
۳۱۸

خیابان شهید باهنر
۷۲۶

گزارش ارزیابی و جبران واحدهای آسیب دیده در منطقه

مجموع کار
انجام شده

۹۲۸

مجموع
خسارت

۱۳۰۴

مجموع
احداث

۳

مجموع
بازسازی کلی

۵۲

مجموع
خسارت جزئی

۱۲۴۹

ارزش ریالی خسارت وارد شده به منطقه

۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
تومان

این هزینه ها شامل خرید آلومینیوم، شیشه تک جداره، شیشه دوجداره و شیشه مشجر، کناف درهای فلزی، چوبی و سایر تجهیزات به طور کلی از کارخانه خریداری شده و هزینه اجرت و هزینه های جاری هم بوده است.

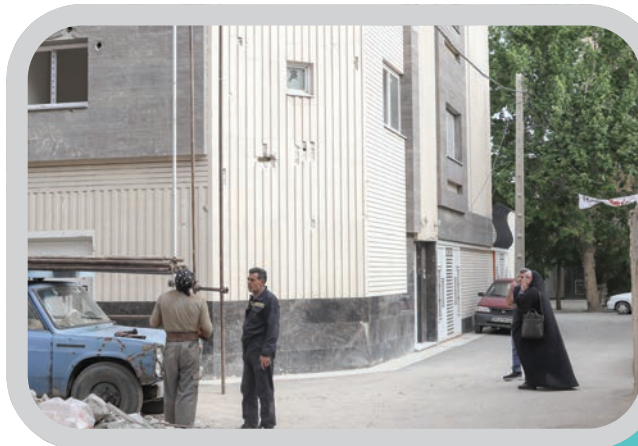
تعداد خودروهای
آسیب دیده در هر منطقه
۱۹۹

تعداد شهدای
جنگ ۲ روزه در منطقه
۴

تعداد شهدای
جنگ رمضان در منطقه
۸

تعداد خانوارهای اسکان داده شده

خانواده
از هر منطقه
۲۵



پهنه‌های آسیب‌دیده در منطقه ۹

واحدهای تجاری ۱ | آزادان ۵۰ | نصرآباد ۹ | گورتان ۲ | بوستان-جروکان-سودان-الدان ۵

میزان آسیب به تفکیک واحدهای تجاری، مسکونی و اداری

تعداد خانوارهای اسکان
داده‌شده از هر منطقه

۳

پارکینگ مشاعات
مجتمع شهید نصر

۱

واحدهای
مسکونی

۶۴

واحدهای
تجاری

۱

گزارش ارزیابی و جبران واحدهای آسیب‌دیده در منطقه

مجموع کار
انجام شده

۶۰

مجموع
خسارت

۶۶

مجموع
احداث

۵

مجموع
بازسازی کلی

۱

مجموع
خسارت جزئی

۶۰



پهنه‌های آسیب‌دیده، گزارش ارزیابی و جبران در منطقه ۱۱

مجموع کار انجام شده	مجموع خسارت	مجموع احداث	مجموع بازسازی کلی	مجموع خسارت جزئی	طاقونه	لیمجیر
۲	۲	۰	۰	۱	۱	۱

ارزش ریالی خسارت وارد شده به منطقه: حدود ۲,۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

میزان ودیعه مسکن پرداخت شده از طرف
شهرداری به ساکنان خانه‌های آسیب‌دیده



تعداد خودروهایی
آسیب‌دیده



تعداد خانوارهای
اسکان داده‌شده



تعداد
شهادت



اعلام بازه زمانی اتمام بازسازی: تعمیر انجام و تکمیل شده است



واحد ۲۵۸



پهنه آسیب دیده منطقه ۱۰
محله هفتون، خیابان معراج

گزارش ارزیابی وجبران واحدهای آسیب دیده در منطقه

مجموع کار انجام شده	مجموع خسارت	مجموع احداث	مجموع بازسازی کلی	مجموع خسارت جزئی
۲۴۲	۲۵۸	۶	۶	۲۴۶

تعداد شهدا: ۳۹ نفر

اقدامات محلی انجام شده پس از حادثه

- ✓ استقرار اتوبوس پناه و خدمات مشاوره روانی
- ✓ هماهنگی و استقرار اتوبوس «پناه» در محل حادثه جهت آرام سازی فضای محله
- ✓ حضور حدود ۵ تا ۶ مشاور روان شناسی در روز حادثه
- ✓ ارائه خدمات مشاوره فوری به خانواده ها، کودکان و ساکنان محله
- ✓ ادامه مشاوره های رایگان تخصصی برای خانواده های آسیب دیده و کودکان آسیب دیده روحی

جمع بندی وضعیت اجرایی اقدامات انجام شده

- ✓ تعمیر بخشی از درها و پنجره ها
- ✓ مشارکت خیران و شهرداری
- ✓ آغاز عملیات ترمیم ساختمانی
- ✓ تکمیل تعمیرات واحدها
- ✓ تأمین پروفیل و مصالح
- ✓ اجرای کلاف و گچ کاری باقی مانده
- ✓ تسریع روند بازسازی
- ✓ پیگیری تأمین مصالح نیازهای باقی مانده





مریم نعیان

نقشه‌ای نو برای آینده شهر

بازخوانی یک ضرورت شهری؛ اصفهان در آستانه تدوین طرح جامع تازه با رویکرد پدافندی و تاب‌آوری



طرح‌های جامع شهری، شناسنامه توسعه هر شهر و نقشه راهی برای آینده آن هستند؛ اسنادی که باید بتوانند هم پاسخگوی نیازهای امروز باشند و هم شهر را برای مواجهه با مسائل فردا آماده کنند. اصفهان نیز اکنون در نقطه‌ای قرار گرفته که بیش از هر زمان دیگری به چنین بازنگری‌ای نیاز دارد؛ زیرا طرح جامعی که امروز ملاک عمل قرار می‌گیرد، سندی است که دهه‌ها از تصویب آن می‌گذرد و طبیعی است که نتواند به‌تنهایی پاسخگوی شرایط پیچیده و چندلایه امروز شهر باشد. جواد کرباسی، رئیس اداره طرح‌های جامع و تفصیلی معاونت شهرسازی و معماری، با تشریح روند تهیه طرح جامع جدید اصفهان، از ضرورت توجه به مؤلفه‌هایی سخن می‌گوید که در گذشته یا جایگاه روشنی در اسناد توسعه شهری نداشتند یا به‌اندازه امروز مورد تأکید نبودند؛ مؤلفه‌هایی همچون پدافند غیرعامل، مدیریت بحران، شناسایی فضاهای ایمن، اسکان اضطراری و بازسازی سریع مناطق آسیب‌دیده.

پایان عمر یک سند قدیمی

به گفته رئیس اداره طرح‌های جامع و تفصیلی معاونت شهرسازی و معماری، طرح جامعی که هم‌اکنون ملاک عمل برای شهر اصفهان است، طرح مصوب سال ۱۳۶۷ است؛ طرحی که زمان آن به پایان رسیده و دیگر پاسخگوی نیازهای امروز شهر نیست. او توضیح می‌دهد که در سال ۱۴۰۲ نیز اداره کل راه و شهرسازی به‌عنوان کارفرما، با مشاور منتخب قرارداد بسته تا طرح جامع جدید اصفهان تهیه شود. همین نکته، نخستین گام در فهم وضعیت کنونی شهر است؛ اینکه اصفهان اکنون بر مبنای سندی اداره

می‌شود که متعلق به دهه ۶۰ است، در حالی که ساختار شهری، نیازهای جمعیتی، الزامات ایمنی، شرایط اقتصادی و حتی نوع تهدیدهایی که شهرها با آن مواجهند، طی این سال‌ها دگرگون شده است؛ از همین رو، بازنگری در این سند نه یک اقدام تشریفاتی، بلکه ضرورتی مدیریتی و راهبردی به شمار می‌آید.

چرا پدافند در طرح جدید پرنرگ شده است؟

کرباسی با اشاره به شرایط تدوین طرح جامع قبلی می‌گوید: هرچند آن طرح نیز در دوران جنگ و در فاصله سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ تهیه شد؛ اما الزامات پدافندی در آن زمان به قوتی که امروز مدنظر است، مطرح نبود. به گفته او، نه قوانین کافی در این حوزه وجود داشت، نه اطلاعات و داده‌های لازم برای ورود دقیق به چنین موضوعی فراهم بود و

نه بستر اجرایی آن به اندازه امروز جدی گرفته می‌شد. رئیس اداره طرح‌های جامع و تفصیلی معاونت شهرسازی و معماری تأکید می‌کند که در یک دهه اخیر نیز با قوانین و مقررات مؤثر و اجرایی کافی در زمینه پدافند وجود نداشت یا اگر وجود داشت، از حیث اجرا چندان قوی و اثرگذار نبود. به همین دلیل، در طرح‌های توسعه شهری گذشته، موضوع پدافند به‌صورت جدی وارد نشده بود. اما اکنون شرایط تغییر کرده است. به گفته او، با توجه به قوانین جدید، پشتیبانی‌های اجرایی و الزاماتی که امروز وجود دارد، پدافند و بحران به یکی از مبانی اصلی طرح‌های توسعه شهری تبدیل شده‌اند؛ از این رو، در سرفصل‌های تهیه طرح جامع جدید اصفهان، این موضوع هم به‌صورت مستقل دیده شده و هم رویکردهای کلان مشاور، جایگاه مشخصی یافته است.

سناریوهایی برای شرایط متفاوت کشور

یکی از مهم‌ترین محورهای سخنان رئیس اداره طرح‌های جامع و تفصیلی معاونت شهرسازی و معماری، اشاره به رویکرد سناریومحور در تدوین طرح جامع جدید است. او می‌گوید که مشاور طرح، با توجه به شرایط عمومی کشور، چندین سناریو برای وضعیت‌های مختلف ارائه کرده و برای هر کدام نیز پیشنهادهایی در نظر گرفته است تا بر اساس آن، مسیر پیشبرد طرح مشخص شود.

به گفته کرباسی، این سناریوها بیشتر معطوف به مسائل اقتصادی، مالی و ارتباطات بین‌المللی بوده‌اند؛ مسائلی که به‌طور مستقیم بر شهر و روند توسعه آن اثر می‌گذارند. موضوع‌هایی مانند ساخت‌وساز، قیمت سوخت، تورم عمومی کشور، وضعیت ارتباطات و سایر شاخص‌های کلان اقتصادی، همگی از





متغیرهایی هستند که آینده شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. او توضیح می‌دهد که رویکرد اصلی مشاور در این سناریوها، توجه به شرایط عمومی کشور بوده؛ اینکه باید دید در آینده، وضعیت به سمت تنش بیشتر حرکت می‌کند یا از میزان تنش‌ها کاسته می‌شود. مشاور برای هر دو حالت، سناریوهای متفاوتی پیشنهاد داده تا طرح جامع بتواند از حداکثر انعطاف‌پذیری برخوردار باشد. به این ترتیب، این سند می‌تواند خود را با شرایط مختلف تطبیق دهد؛ شرایطی که در میان آن‌ها، به گفته او، مباحث اقتصادی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار هستند.

از کلیات طرح جامع تا جزئیات پدافندی در سطوح پایین‌تر

رئیس اداره طرح‌های جامع و تفصیلی معاونت شهرسازی و معماری در ادامه، به یکی از مهم‌ترین موضوع‌های مرتبط با پدافند در حوزه کاربری‌های شهری اشاره می‌کند: «فضاهای ایمن و پناهگاه‌ها». او می‌گوید که در کاربری‌های شهر، آنچه در این زمینه قابل ملاحظه است، شناسایی و معرفی پناهگاه‌های عمومی و پناهگاه‌هایی است که در مجتمع‌های مسکونی وجود دارد. پس از این مرحله، باید میزان دسترسی به این فضاها نیز سنجیده شود.

به گفته کرباسی، این موضوع در سایر کاربری‌ها مانند آموزشی، فضای سبز و دیگر فضاهای شهری نیز باید موردتوجه قرار گیرد. اگر چنین کاربری‌هایی پناهگاه دارند، باید دسترسی عمومی برای آن‌ها در نظر گرفته شود و اگر این دسترسی وجود ندارد، لازم است پیشنهادها برای تأمین آن ارائه شود.

او البته این نکته را نیز روشن می‌کند که چنین جزئیاتی معمولاً در متن طرح جامع مطرح نمی‌شود؛ زیرا طرح جامع سندی است که بیشتر کلیات را بیان می‌کند.

با این حال، در شرایط کنونی، طرح جامع در سطوح پایین‌تر نسبت به گذشته، به این مسائل اولویت بیشتری داده و اکنون روی آن کار می‌شود. رئیس اداره طرح‌های جامع و تفصیلی معاونت شهرسازی و معماری برای روشن‌تر شدن موضوع مثالی می‌زند: «در بحث پناهگاه، فضاهایی که در نزدیکی مناطق پرخطر یا نقاط دارای حساسیت بیشتر قرار دارند، موردبررسی قرار گرفته‌اند؛ فضاهایی که یا هم‌اکنون قابل استفاده‌اند یا می‌توان آن‌ها را تجهیز کرد و یا در صورت نیاز، در آن‌ها احداث‌های لازم را انجام داد.»

پیش‌بینی فضاهای اسکان اضطراری

رئیس اداره طرح‌های جامع و تفصیلی معاونت شهرسازی و معماری، در ادامه به سطح بالاتری از برنامه‌ریزی اشاره می‌کند؛ سطحی که در آن، فضاهای اسکان برای شرایط اضطراری باید در نظر گرفته شود. او می‌گوید که سوله‌های امدادسانی و ذخیره مواد غذایی نیز از قبل دارای سوابقی بوده و مناطقی برای آن‌ها پیش‌بینی شده است؛ اما به اعتقاد کرباسی، اکنون و با توجه به شرایط جدید، لازم است این موضوع‌ها در طرح جامع با دقت و وسواس بیشتری از سوی کارفرما و همچنین شهرداری به‌عنوان بهره‌بردار پیگیری شود. کرباسی بر این نکته تأکید دارد که این‌گونه موضوع‌ها نباید صرفاً در حد مصوبه باقی بمانند یا در فرآیندهای اداری حذف شوند؛ بلکه باید برای آن‌ها اقدامات اجرایی واقعی در دستور کار قرار گیرد. در واقع، آنچه از سخنان او برمی‌آید، این است که شهر در شرایط امروز نمی‌تواند تنها به الزامات روزمره اداره شود؛ بلکه باید برای روزهای بحرانی نیز از پیش آماده باشد و این آمادگی باید در اسناد توسعه شهری نیز بازتاب یابد.

بازسازی مناطق آسیب‌دیده؛ از شناسایی تا اخذ مصوبه

بخش مهم دیگری از صحبت‌های این کارشناس، به موضوع مناطق مسکونی آسیب‌دیده اختصاص دارد؛ موضوعی که به گفته او، در درجه اول اهمیت قرار گرفته است. کرباسی توضیح می‌دهد که قوانین و شرایط استاندارد ساخت و استحکام بنا در این حوزه دنبال می‌شود و برای نقاط آسیب‌دیده، بخش‌های مختلف شهرداری در حال انجام خدمات متنوع هستند. با این حال، آنچه مستقیم به حوزه شهرسازی مربوط می‌شود، بازسازی مناطق

مسکونی آسیب‌دیده است. او این بازسازی را به دو بخش تقسیم می‌کند: بخش نخست، مربوط به پلاک‌هایی است که آسیب دیده‌اند؛ اما مقاومت سازه‌ای آن‌ها از بین نرفته و همچنان قابل بهره‌برداری هستند و تنها به تعمیرات نیاز دارند. بخش دوم، شامل پلاک‌هایی است که از نظر سازه‌ای چنان آسیب دیده‌اند که دیگر قابل بهره‌برداری مجدد نیستند و باید تخریب و بازسازی شوند. رئیس اداره طرح‌های جامع و تفصیلی معاونت شهرسازی و معماری می‌گوید: «شدت تخریب در برخی موارد به‌گونه‌ای است که بنا از نظر سازه‌ای دیگر ایمن نیست و ناچار باید تخریب شود. در این زمینه، با همکاری سایر ادارات، تلاش می‌شود مصوبات لازم اخذ شود و امتیازاتی برای این پلاک‌ها در نظر گرفته شود تا روند آماده‌سازی و بازسازی آن‌ها با سرعت بیشتری انجام گیرد.»

کرباسی همچنین توضیح می‌دهد که بحث بازسازی پلاک‌هایی که از نظر سازه‌ای دیگر قابل بهره‌برداری نیستند و باید شناسایی و تخریب شوند، در مجموعه اداره آن‌ها بررسی شده است. به گفته او، پیشنهادها و طراحی‌های لازم انجام شده و برای مناطق شهرداری که این پلاک‌ها در آن قرار دارند، ارسال شده است تا موردبررسی قرار گیرد. در گام بعد، اگر مناطق شهرداری با این پیشنهادها موافقت کنند، موضوع باید در مراجع ذی‌صلاح بالادست، از جمله کمیسیون ماده پنج، مطرح شود؛ مرجعی که درباره امتیازاتی که باید به این پلاک‌ها داده شود، تصمیم‌گیری می‌کند. هدف نهایی این است که مصوبه لازم اخذ شود تا مالکان بتوانند بدون اتلاف زمان، فرآیند بازسازی را آغاز کنند.

تفاوت جنگ دیروز و شرایط امروز

کرباسی در بخشی دیگری از سخنانش، به تفاوت شرایط جنگ در زمان تدوین طرح جامع قبلی با وضعیت امروز اشاره

می‌کند. او تصریح می‌کند: «اگرچه طرح جامع پیشین نیز در شرایط جنگی تهیه شد؛ اما سطح درگیری‌ها کمتر بود، برخوردهای نظامی عمدتاً در مرزها رخ می‌داد و تمرکز بر جبهه‌های جنگی بود. در مقابل، شرایط امروز از جهات مختلف متفاوت است و شدت تهدیدها در شهرها بیشتر شده؛ به همین دلیل، طبیعی است که امروز برنامه‌ریزی شهری ناگزیر باشد با حساسیت و واقع‌بینی بیشتری به مسئله ایمنی، پدافند و بحران نگاه کند. اگر در گذشته این موضوع‌ها در اسناد توسعه شهری جایگاه روشنی نداشتند، اکنون دیگر نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.»

سخنان جواد کرباسی نشان می‌دهد که اصفهان در آستانه ورود به مرحله‌ای تازه از برنامه‌ریزی شهری قرار دارد؛ مرحله‌ای که در آن، دیگر نمی‌توان تنها با تکیه بر الگوهای قدیمی توسعه، آینده شهر را ترسیم کرد. پایان اعتبار طرح جامع مصوب ۱۳۶۷، آغاز تهیه طرح جامع جدید در سال ۱۴۰۲، توجه به سناریوهای مختلف اقتصادی و بین‌المللی، پیرنگ‌شدن الزامات پدافندی، شناسایی فضاهای ایمن، پیش‌بینی اسکان اضطراری و تسهیل بازسازی مناطق آسیب‌دیده، همگی نشانه‌هایی از این تغییر رویکرد هستند. آنچه از دل این گفته‌ها برمی‌آید، این است که طرح جامع جدید اصفهان باید سندی باشد برای شهری که نه فقط در روزهای آرام، بلکه در روزهای دشوار نیز بتواند خود را اداره کند؛ شهری که توسعه را در کنار ایمنی، تاب‌آوری و آمادگی برای بحران تعریف می‌کند. اگر این نگاه تا مرحله اجرا استمرار یابد، می‌توان امیدوار بود که اصفهان در آینده، از شهری صرفاً در حال توسعه، به شهری آینده‌نگر و تاب‌آور تبدیل شود.



پهنه‌های آسیب‌دیده در منطقه ۱۲

شهر فرش

۱

شهرک کوثر

۳۰

شهرک قدس

۲۱۶

شهرک مهدیه

۱۲۴

منطقه صنعتی امیرکبیر

۴۵۰

گزارش ارزیابی و جبران واحدهای آسیب‌دیده در منطقه

مجموع کار
انجام شده

۷۴۳

مجموع
خسارت

۸۲۱

مجموع
احداث

۰

مجموع
بازسازی کلی

۱۶

مجموع
خسارت جزئی

۸۰۵

خسارت وارد شده به واحدها به تفکیک کاربری

تعداد شهدا

۱۰

واحد مسکونی

۳۷۶

واحد تجاری، صنعتی و کارگاهی

۴۴۵

ارزش ریالی خسارت وارد شده (میلیارد ریال)

کل هزینه
+۱۷۶

خیران
+۱۵

شهروندان
+۹۰

شهرداری
+۷۱

۵۹ خودرو سبک
۱ خودرو سنگین

تعداد خودروهای
آسیب‌دیده

۳ خانوار

تعداد خانوارهای
اسکان داده شده



پهنه‌های آسیب‌دیده در منطقه ۱۳

امیریه		ولیعصر		قائمیه	
تجاری اداری	مسکونی	تجاری اداری	مسکونی	تجاری اداری	مسکونی
۵	۲۴۹	۶	۶۸۲	۴۰	۵۳۲

گزارش ارزیابی وجبران واحدهای آسیب‌دیده در منطقه

مجموع کار انجام شده	مجموع خسارت	مجموع احداث	مجموع بازسازی کلی	مجموع خسارت جزئی
۷۵۲	۱۵۷۶	۰	۳	۱۵۷۳

تعداد خودروهای آسیب‌دیده در منطقه:

۱۵۵

تعداد موتورسیکلت آسیب‌دیده:

۱

تعداد شهدای منطقه:

۲

تعداد خانوارهای اسکان داده‌شده

امیریه	۳	ولیعصر	۴	قائمیه	۱۲
--------	---	--------	---	--------	----

۱۹
خانواده

آمار داده‌نامه‌های ویژه‌نامه مربوط به بازه زمانی ۲۹ اردیبهشت تا ۲۱ خرداد ۱۴۰۵ است



فاطمه رجبزاده

آسیب سخنران غیررسمی در خیابان

بازخوانی یک ضرورت شهری؛ اصفهان در آستانه تدوین طرح جامع تازه با رویکرد پدافندی و تاب آوری



از اولین شبی که به خیابان آمدم و گمان می‌کردیم نهایتاً تا آخر هفته هستیم، بیش از ۱۰۰ روز می‌گذرد. در این مدت که حتی به عدد هم کم نیست چه برسد به تحولاتی که پشت سر گذاشته، به واقع می‌توان گفت که ده شب یک بار، شاهد شکل جدیدی از تجمعات بودیم. در این بین یکی از دسته‌بندی‌هایی که می‌توان برای تجمعات در اماکن اصلی قائل شد، بین موکب‌هایی است که عموماً موسیقی پخش می‌کنند و مردم با آن پرچم‌گردانی می‌کنند با موکب‌هایی که به اصطلاح «استیج‌دار» هستند و تلاش می‌کنند با دعوت از سخنرانان مختلف، به قول خودشان گذار از شور به شعور داشته باشند. با ذکر این دسته‌بندی در مقدمه، می‌خواهیم به طور متمرکز به دسته دوم بپردازیم: کدام سخنران و کدام موضوع؟ شب‌هایی که گذشت، خیابان به عنوان بستری وسیع برای حضور، در اختیار مردم قرار گرفت. بستری که در گذشته این قدر دقیق برای هر مترش برنامه‌ریزی نمی‌کردیم و به عکس، الان بعضاً در برخی مواکب این طور است که برنامه‌هایشان به چند دسته تقسیم شده است. مثلاً یک بخش برای مردمی که می‌خواهند دقیقاً در کنار چهارراه پرچم‌گردانی کنند، مردمی که می‌خواهند کمی عقب‌تر روی صندلی بنشینند و شاهد برنامه‌های استیج مثل سخنرانی و سرود و دکلمه و... باشند و در برخی موکب‌ها بخش‌هایی که صندلی‌هایی را دور هم می‌چینند تا میان خودشان گفت‌وگویی شکل بگیرد و به این صورت شاهد گردهم‌های خیابانی حول موضوعات مختلف هستیم؛ صورت‌های حضوری که اتفاقاً قابل توجه جدی است و نشان از تکثر سلیق و نیازها دارد و همچنین بروزی از خلاقیت مردمی و کنشگری‌شان در شرایط منحصر به فرد کشور است؛ با این حال همچنان این سؤال باقی است: کدام سخنران و کدام موضوع؟

این پرسش زمانی برای من جدی شد که دوستی با هیجان دعوتم کرد تا به موکبشان بروم و شخصا با مهمان آن شبشان دیدار کنم؛ مهمانی از فرنگ برگشته با تحصیلات کذا و سابقه کذا که حتی شنیدنش هم بسیار جذاب بود. همان طور که سخنرانی مهمان بسیار جذاب و کاربرماتیک بود و البته دروغین. با تحقیقات بعدی بنده مشخص شد که دست‌کم یکی از هم‌صنفی‌های مهمان از فرنگ برگشته، او را نمی‌شناسند و

آن سابقه عریض و طویلی که برای خودش دست‌وپا کرده و یک «آقای دکتر» هم در کنار اسمش یدک می‌کشد، به جای محکمی بند نیست. همان طور که شبی دیگر در موکبی دیگر «آقای دکتر» دیگری با سابقه ۲۰ سال زندگی در فرنگ، سخنران گدده بود. سخنران یکی از موضوعات تخصصی اقتصادی که البته در ظاهر بی‌عیب بود، ولی کمی که روی صحبت‌ها دقیق‌تر می‌شدی، متوجه می‌شدی که آن چنان بنیادی هم ندارد و بیشتر این طور به نظر می‌رسد که گروهی از مردم دور هم نشستند و از هر دری، شخصی نظرش را می‌گوید.

نکته جالب‌تر اینکه در این بین خانواده‌ای هم به میان جمعیت می‌آیند و با این ادعا که سال‌ها است «سیتیزن» فلان کشور فرنگی هستند، از حضور چنین جمعی ابراز خرسندی کرده و ترتیب جلسه‌ای برای شب‌های آتی را می‌دهند.

جالب‌تر اینکه در اواخر این گدده خیابانی

چراهای دیگر که در پاسخ همه شان مسئول موکب می‌گوید: «امشب به ما این سخنران را داده‌اند، ما که نمی‌شناختیمش، حالا می‌رود دیگر...».

القصد، داستان برخی موکب‌ها و مهمان‌هایی که با عناوین بسیار عریض و طویل دعوت می‌کنند کمی پیچیده شده است؛ چه آن‌ها که صرفاً شبی را مهمان موکبی هستند و شبی دیگر در مختصاتی دیگر و با همه تفاوت‌های قشری که میان مردم هست، مهمان موکبی دیگر می‌شوند و چه آن‌ها که پاتوقشان یک موکب ثابت است و به مرور ارتباطشان با مردم بومی موکب بیشتر می‌شود. البته لازم به ذکر است در همین شب‌ها که فرصت حضور چهره‌های مختلف در موکب‌ها فراهم شده است، بسیاری از اشخاص ناشناخته شهر هم به میدان آمده‌اند و از این جهت اتفاقاً بسیار مهم است. اینکه برخی قواعد کنار رفته و فرصت‌آشنایی با چهره‌های جدید و بعضاً جوان فراهم شده است، حقیقتاً اتفاق مبارکی است. منتها بحث ما این است که بالاخره هر جریانی هر قدر هم که مردمی باشد و بخواهیم خدای نکرده دستش نگذاریم که خراب شود، نیاز به نظارت هم دارد؛ مثلاً بد نیست آقایان مسئول فرهنگی شهر، نگاهی به کلیت کار مواکب داشته باشند که این میان خدای نکرده زمینه برخی شبکه‌سازی‌های اشتباه به واسطه افراد اشتباه رقم نخورد.

همچنین شاید بتوان بستری فراهم کرد که این ظرفیت‌آشنایی با فعالان فرهنگی شهر در هر عنوانی که در برپایی این تجمعات نقش داشتند، استفاده شود.





سید حسین میرعزآبادی
کارشناس و مدرس
جنگ شناختی

اسارت ذهن در دوران «پساآتش بس»

جنگ شناختی در دوران پساآتش بس چگونه است؟



در نگاه نخست، «آتش بس» به معنای پایان رنج، آرامش و آغاز بازسازی است؛ اما برای طراحان جنگ مدرن، آتش بس تنها تغییر میدان نبرد است؛ انتقال از جنگ سخت با گلوله و موشک، به جنگ نرم با «بیت» و «دوپامین». اینجا قدرتمندترین سلاح، بمباران خبری نیست؛ بلکه «مهندسی اعتیاد خبری» و سپس بهره‌کشی از این اعتیاد در حساس‌ترین لحظه است. این، ماهیت جنگ شناختی در دوران پساآتش بس است.

فاز اول: ساختن یک معتاد (بذری که جنگ شناختی می‌کارد)

جنگ، تنها در میدان نبرد نیست. پیش و هم‌زمان با درگیری‌های سخت، جنگی خاموش در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها جاری است. هدف؟ تبدیل شما از یک شهروند با تفکر انتقادی به یک «مصرف‌کننده پرشتاب و هیجان‌زده خبر». اما چگونه؟ با بهره‌گیری از همان مکانیسمی که شبکه‌های اجتماعی را ثروتمند می‌کند: «اقتصاد توجه» و «اعتیاد به دوپامین». هر خبر هشدارآمیز، هر تیترو ترسناک، هر ویدیوی دراماتیک، مانند یک نوتیفیکیشن چشمک‌زن، ضربه‌ای از دوپامین، هورمون لذت و حس کنجکاوی در مغز شما آزاد می‌کند. این فرآیند، تکرار و تقویت می‌شود تا شما ناخودآگاه، برای رهایی از کسالت یا احساس عقب‌ماندگی، به‌طور مداوم در جست‌وجوی تزریق بعدی خبر باشید. نتیجه؟ جامعه‌ای با «تحمیل شناختی پایین»، عادت کرده به هضم تکه‌های کوچک، هیجانی و غالباً سطحی اطلاعات. این جامعه، محصول نهایی فاز اول جنگ شناختی است: یک «کشتزار آماده برداشت».

فاز دوم: برداشت محصول (معتادانی سطحی‌نگر)

با برقراری آتش بس، یک خلأ عجیب پیش می‌آید. سکوت جایگزین صدای انفجار می‌شود؛ اما ذهن‌های معتاد به تزریق روزانه هیجان و ترس، دچار «خماری» می‌شوند. اینجاست که مرحله بعدی آغاز می‌شود. مهاجم شناختی که اکنون مالک یک «ارگان خبری اعتیادآور» در دستان شماست، بمباران خود را با محوریت یک احساس آغاز می‌کند: «ترس از حمله مجدد». تیترها این‌گونه می‌شوند: «آتش بس شکننده است»، «نقض آشکار در خط مرز»، «گروه‌های افراطی ناراضی»، «نیروهای دشمن در حال تجدید قوا».

یک فعالیت آگاهانه، زمان‌بندی شده و مبتنی بر منابع معتبر تبدیل کنید. از مصرف منفعل واسکرول بی‌پایان بپرهیزید.

۳. **تأمل پیش از تعامل:** پیش از لایک یا کامنت، یک نفس عمیق بکشید. آیا این واکنش، بخشی از یک بازی بزرگ‌تر برای رصد احساسات شما نیست؟

۴. **توسعه سواد رسانه‌ای عمیق:** فراتر از تشخیص خبر جعلی، باید اقتصاد توجه، الگوریتم‌های پیشنهاد محتوا و تکنیک‌های مهندسی تعامل را شناخت.

۵. **تقویت گفت‌وگو داخلی:** گفت‌وگوی فعال، منتقدانه و سازنده درون دانشگاه و جامعه، قوی‌ترین پادزهر در برابر روایت‌های تحمیلی است.

۶. **تفکر انتقادی:** از تمامی موارد گفته شده، این سپر دفاعی قوی‌تری است. تفکر انتقادی مهارتی است که باعث می‌شود فرد به دنبال مستندات و واقعیت‌ها باشد و هر چیزی را باور نکند و تحت تأثیر هر محتوایی قرار نگیرد.

جمع‌بندی

دوران پساآتش بس، آزمون نهایی هوشیاری یک ملت است. دشمن می‌کوشد با اتصال ذهن‌های معتاد به «سرور ترس» خود، صلح را به ادامه جنگ با ابزار دیگر بدل کند. وظیفه نخبگان، دانشجویان آگاه و یک شهروند هوشمند، شکستن این چرخه شوم است: تبدیل ذهن‌های مدیریت‌شده از راه دور، به قلعه‌های مستقل تفکر و تحلیل. به یاد داشته باشیم، در جنگ شناختی، هر «لایک» می‌تواند یک «ردپا» و هر «ترس» می‌تواند یک «سلاح» در دست دشمن باشد.

آینده) این بازخوردهای شما، یک «نقشه جامع شناختی» دقیق از جامعه ارائه می‌دهد و به دشمن می‌گوید کجا، چگونه و با چه سرعتی ضربه بعدی را وارد کند.

فاز چهارم: کاشت بذر جنگ بعدی (آماده‌سازی آینده)

این عملیات، فقط معطوف به امروز نیست؛ بلکه «قالب‌سازی ذهنی» برای فرداست. اگر قرار است شش ماه دیگر، گروه «الف» در داخل کشور به عنوان «مخرب صلح» معرفی شود، از امروز، اخبار مرتبط با خشونت و افراط‌گرایی آن گروه، در لایه‌لای خبرها گنجانده می‌شود. اگر قرار است مداخله خارجی تحت عنوان «حفظ صلح» توجیه شود، از هم‌اکنون روایت «نامنی و هرچ‌ومرچ فراگیر» تقویت می‌شود. بمباران خبری از فساد و ناتوانی دولت، مشروعیت آن را برای رهبری دوران بازسازی از بین می‌برد. در حقیقت، این بمباران، «بستر نرم» برای تحولات سخت آینده را فراهم می‌آورد.

راهکار مقابله (پدافند جنگ شناختی): از اسیربودن تا ایمن‌بودن

پس در برابر این مهندسی پیچیده چه می‌توان کرد؟ پاسخ: نه اعتیاد به خبر و نه بی‌خبری مطلق؛ بلکه «ایمن‌سازی شناختی» با تبدیل شدن به یک «شهروند هوشمند» است:

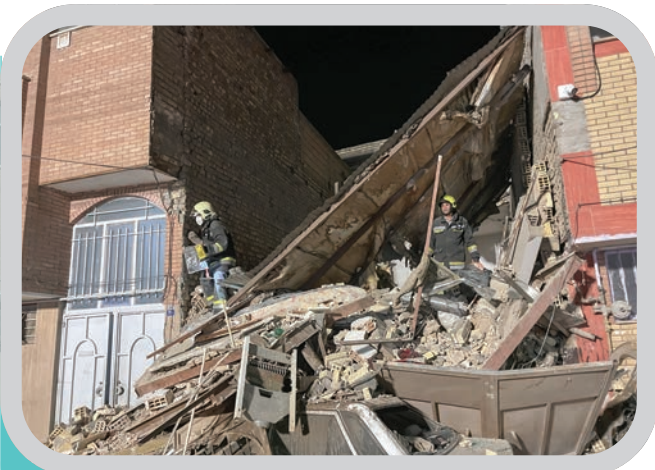
۱. **آگاهی از مکانیسم اعتیاد:** باید دانست که طراحی پلتفرم‌های تجاری و اهداف جنگ‌افزارهای شناختی دشمن، در یک اصل مشترک است: تسلط بر توجه شما. شما معتاد شده‌اید.

۲. **مدیریت مصرف خبر:** خبرخوانی را به

هدف این نیست که شما فقط بترسید. هدف این است که از شکل‌گیری «آرامش درمانی» که برای التیام روان جمعی پس از جنگ حیاتی است جلوگیری شود. جامعه در حالتی از «هشیاری آسیب‌زای مزمن» باقی می‌ماند؛ همچون سربازی که از جبهه بازگشته؛ اما نمی‌تواند بخوابد. این ترس مداوم، قدرت تصمیم‌گیری منطقی را سلب می‌کند، سرمایه‌گذاری برای بازسازی را بی‌ثبات می‌کند و جامعه را برای پذیرش هر «راه‌حل» سریع و امنیتی (که ممکن است منافع ملی را تضعیف کند) آماده می‌سازد. هزینه این ترس دائمی، اغلب از خسارات مستقیم جنگ سنگین‌تر است.

فاز سوم: میزگرد اطلاعاتی شما (جاسوسی از تعاملات)

اما این بمباران یک‌طرفه نیست. اینجا نبوغ شوم جنگ دیجیتال آشکار می‌شود. هر کلیک، هر لایک، هر کامنت عصبانی یا نگران، هر مدت زمانی که روی یک خبر می‌مانید، برای مهاجم یک «داده ارزشمند» است. او دیگر نیاز به مخبر انسانی ندارد. «شما» با رفتار دیجیتال خود، در حال جاسوسی برای دشمن هستید. آیا کاربران بیشتر روی اخبار «نقض آتش بس» کلیک می‌کنند یا «پروژه‌های بازسازی»؟ (سنجش اثر ترس) کدام گروه قومی یا سیاسی بیشتر به اخبار تحریک‌کننده واکنش نشان می‌دهند؟ (شناسایی خطوط گسل اجتماعی) آیا روایت ارائه‌شده از دلایل جنگ، در نظرات کاربران بازتولید می‌شود؟ (ارزیابی کارایی عملیات روانی گذشته) اگر خبری درباره ناآرامی در یک استان خاص منتشر شود، واکنش چیست؟ (آزمایش میدانی برای سناریوهای



پهنه‌های آسیب‌دیده در منطقه ۱۴

زینبیه ۳

باتان و شهید شاکر ۱۸

گزارش ارزیابی وجبران واحدهای آسیب‌دیده در منطقه

مجموع کار انجام شده	مجموع خسارت	مجموع احداث	مجموع بازسازی کلی	مجموع خسارت جزئی
۲۰	۲۳	۱	۱	۲۱

ارزش ریالی خسارت وارد شده < ۲۵ میلیارد ریال خسارت جزئی

خسارت جزئی؛ بیشترین مبلغ خسارت مربوط به محله باتان بوده است

تعداد شهدا ۳ نفر

پهنه‌های آسیب‌دیده در منطقه ۱۵

ارغوانیه	سفلی	قلعه نو- جی- خوراسگان	گورت	خاتون آباد- راران- دهنو
۹	۱۱	۲۴	۴	۱۲

گزارش ارزیابی وجبران واحدهای آسیب‌دیده در منطقه

مجموع خسارت جزئی	مجموع بازسازی کلی	مجموع احداث	مجموع خسارت	مجموع کار انجام شده
۵۵	۴	۱	۶۰	۴۴

زمان صرف شده برای بازسازی

تعویض شیشه‌های شکسته شده: ۸ روز
سایر بازسازی‌ها: ۴۰ روز

واحدهای آسیب‌دیده به تفکیک کاربری

مسکونی	تجاری اداری	صنعتی
۵۲	۸	۰

ارزش ریالی خسارت وارد شده < حدود ۱۵ میلیارد ریال

تعداد شهدا ۱۴ نفر تعداد خودروهای آسیب‌دیده ۱۰ دستگاه



وضعیت کلی آسیب و بازسازی مناطق پانزده گانه شهر اصفهان

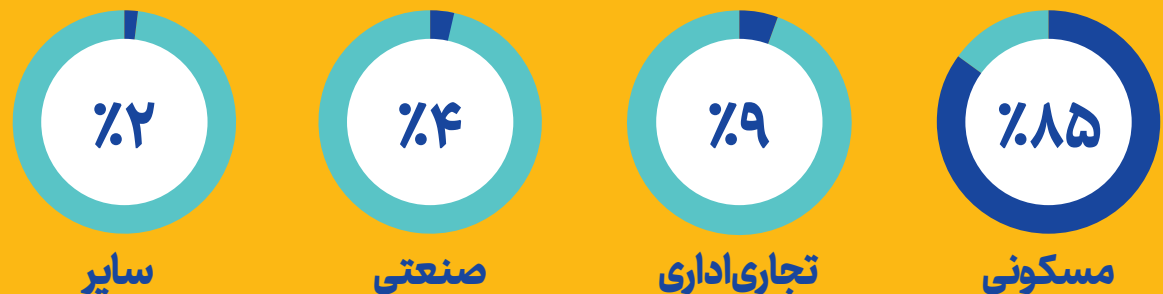
تعداد کل واحدهای آسیب دیده	تعداد خسارت جزئی (درب و پنجره، شیشه و کناف و...)	تعداد خسارت کلی و بازسازی	تعداد تخریب واحداث	کارهای انجام شده
۱۱۸۴۹	۱۰۹۱۴	۶۶۱	۶۳	۶۴۵۱

تعداد واحدهای ساختمانی آسیب دیده به تفکیک مناطق پانزده گانه شهر اصفهان

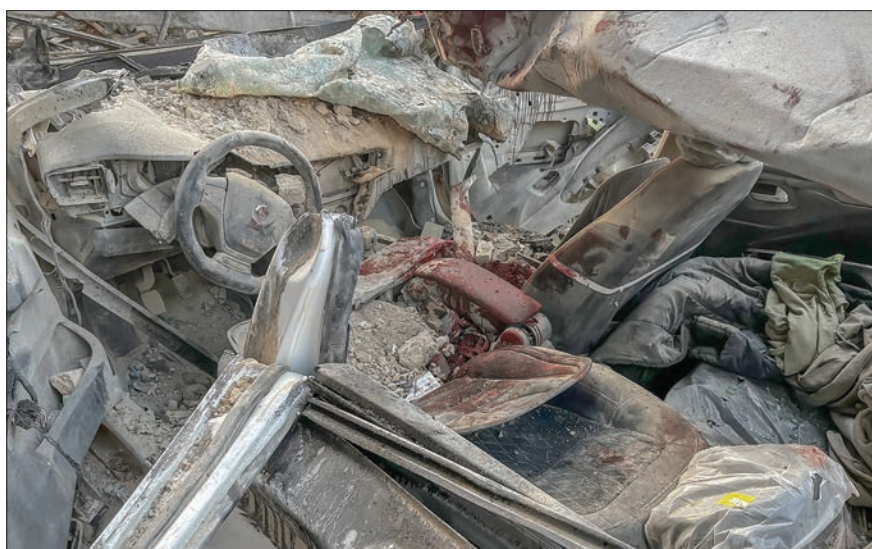
منطقه ۸	منطقه ۱۳	منطقه ۷	منطقه ۵	منطقه ۶
۱۳۰۴	۱۵۷۶	۱۷۲۹	۱۷۶۵	۱۸۹۷
منطقه ۹	منطقه ۱۰	منطقه ۱۲	منطقه ۳	منطقه ۴
۶۶	۲۵۸	۸۲۱	۸۹۸	۱۰۶۷
منطقه ۱۵	منطقه ۱۴	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۱۱
۶۰	۲۱	۶۶	۱۳۲	۲

درصد پیشرفت انجام آسیب های جزئی: ۵۹,۱٪

میزان واحدهای آسیب دیده به تفکیک کاربری



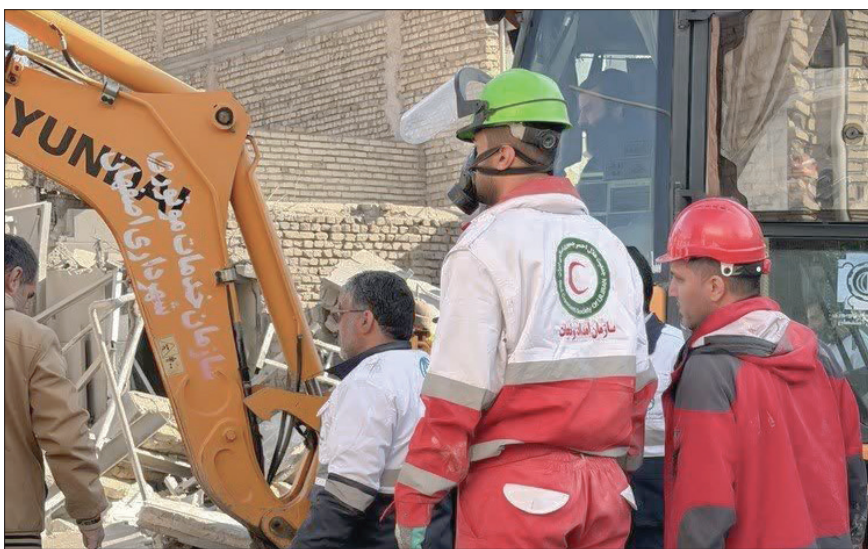
تعداد کل خانوارهای اسکان داده شده	تعداد کل نفرات اسکان داده شده	تعداد پایان اسکان خانوار	تعداد پایان اسکان نفرات
۳۰۴	۱۱۱۸	۲۲۱	۶۵۷
بیشترین مدت اسکان	متوسط مدت اسکان	پایان اسکان	پایان اسکان
۷۹	۳۴	۶۶,۶	۶۶,۶



تصاویری
از منطقه
آسیب دیده
در محله
شیخ صدوق
که مورد اصابت
موشک های
آمریکایی
سهیونی
قرار گرفت



تصاویری از منطقه مسکونی آسیب دیده در محله هفتون که مورد اصابت موشک های آمریکایی صهیونی قرار گرفت





تصاویری
از مناطق
آسیب دیده
در خیابان کاوه،
محدوده اپتیک
که مورد اصابت
موشک های
آمریکایی
سهیونی
قرار گرفت

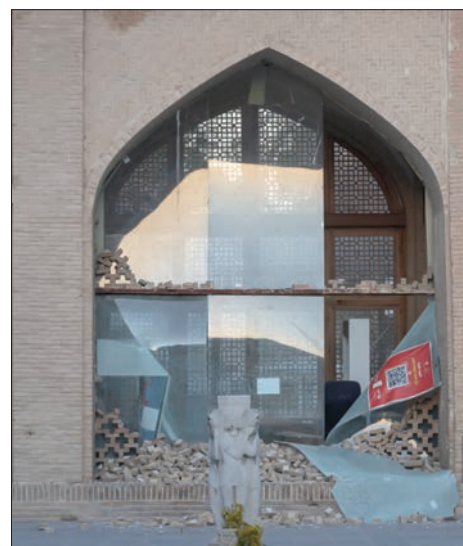


تصاویری
 از مناطق
 آسیب دیده
 در محدوده
 چهارراه پلیس
 که مورد اصابت
 موشک های
 آمریکایی
 صهیونی
 قرار گرفت



تصاویری
 از مناطق
 آسیب دیده
 در خیابان
 گلخانه
 محدوده
 چهارراه
 نیرو هوایی که
 مورد اصابت
 موشک های
 آمریکایی
 صهیونی
 قرار گرفت





تصاویری
از آسیب به
کاخ چهلستون،
عمارت
رکیب‌خانه،
تالار اشرف و
تخت فولاد در
نتیجه حملات
موشک‌های
آمریکایی
سه‌یونی



■ ■ ■
 تصاویری
 از تشییع و
 خاکسپاری
 شهدای جنگ
 رمضان در قطعه
 جدید گلستان
 شهدای
 اصفهان



تصاویری از
هلیکوپترها و
هوایماهای
ساقط شده
آمریکایی در
دشت مهیار
اصفهان

مدیرفنی و گرافیک علیرضا مظاهری
طراح و صفحه‌آرا علی نصرآزادانی
دبیر تحریریه ویژه نامه زهره سادات کاظمی
تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، مریم نقیان
ویراستار سارا حفیظی

صاحب امتیاز شرکت فرهنگی، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا
مدیرمسئول دکتر علی قاسم زاده
مدیرعامل احسان تیموری سیجانی
سردبیر محمد حسین اعتزازیان
دبیررسانه‌های هم‌محله احمد مهره‌کش
دبیر ویژه‌نامه محسن حیدری فرد
عکس کوثر رحیمی

اصفهان زیبا
همراه



برای دیدن تصاویر بیشتر
بارکد را اسکن کنید